

بازگشت به عقب



ولادت فرخنده کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (ع) مبارک باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۵۵ | دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۹ | ۳۰ شوال ۱۴۴۱ | ۲۲ ژوئن ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

علی حیدری



۲
سرمقاله

عزم جزم نظام

فتح‌الله پریشان



۲
نگاه

حاشیه بر متن غلبه نکند

حنیف غفاری



۴
راهبرد

بازی اروپا در زمین کاخ سفید

مرد اخلاق و عمل / قدی بلند و موهایی

سفید و سیاه که هر روز تعداد تارهای سفیدش بیشتر می‌شود؛ البته امروز دیگر مویی بر سر ندارد، تازه عمل کرده، چشمش هم مصنوعی است. خیلی جالب اخلاق و عمل را می‌شود در «حاج علی فضلی» در هم تنیده دید. حاج علی هم شاید مکتب حاج علی فضلی را داشته باشد، خدا می‌داند او که از اولین نیروهای عضو سپاه در تهران و از اعضای گردان‌های اولیه سپاه در پادگان ولی عصر (عج) تهران بوده است، از همان روزهای ابتدایی دفاع مقدس وارد کارزار دفاع شد. قبل از آن، در غانده‌های جدایی طلبانه خلق عرب و کردستان، تجربه درگیری با ضد انقلاب را داشت. تیپ المهدی، تیپ‌های لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و در نهایت

لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) شد محل عاشقی او. او عاشقانه در جنگ، فرماندهی می‌کرد. نیروهایش هم عاشقش بودند. این مرد زاده توپسکان همدان، زمان پیروزی انقلاب ساکن محله نارمک تهران بود؛ اما تا مدت‌ها بعد از جنگ، مردم کرج از فرماندهی حاج علی فضلی بر لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) بر خود می‌بالیدند. اخلاق، اقتدار و ادب، حاج علی را احاطه می‌کرد. در واقعه حج خونین، حاجی علی فضلی در میان حجاج بود. «شهید صیاد شیرازی» و «شهید سیدمرتضی آوینی» هم در آن مراسم حضور داشتند. در آنجا هم با کمک هم خیلی از حجاج را از معرکه فراری دادند و فرماندهی کردند. مرد اخلاق، اقتدار و عمل در سال‌های دهه هفتاد آن قدر شناخته شده بود که به عنوان چهره ماندگار انتخاب شد. جانشینی فرمانده قرارگاه ثارالله، معاونت

عملیات سپاه و در دورانی ماندگار و جانشینی سازمان بسیج مستضعفین، همه از جایگاه‌هایی بودند که این سردار بزرگوار در آنها خوش درخشید. عزیزی می‌گفت: «حاج علی در محل کار برای هر کسی که وارد دفتر می‌شد، به احترام بلند می‌شد، حتی سربازی که جای می‌آورد.» حاج علی شهید زنده است. گذشت و گذشت تا اینکه این الگوی نسل اول سپاه به فرماندهی دانشگاه افسری امام حسین (ع) رسید تا الگوی پاسداران جوان، همان فرمانده این عزیزان باشد؛ اما حاج علی مجروحیت بالای ۷۰ درصد دارد و همین زخم‌ها نگذاشتند این فرماندهی بیش از دو سال ادامه پیدا کند؛ اما همین حاج علی جانباز مجروح را چند سال پیش در صعود به قلعه دماوند هم دیدم. حاج علی هنوز شیر میدان است.

پای صحبت‌های هم‌رزم و مسئول دفتر پیشین شهید زنده سردار حاج علی فضلی

چهره ماندگار انقلاب

۱۵
پاسدار



سر مقاله

عزم جزم نظام

علی حیدری

سردبیر

عصر جمعه گذشته، خبر کشته شدن «غلامرضا منصوری» قاضی سابق قوه قضائیه-که به دریافت ۵۰۰ هزار یورو رشوه متهم بود- سرخط اخبار رسانه‌های مختلف جهان شد. نام این قاضی بازنشسته در ماجرای پرونده «اکبر طبری» معاون اجرایی پیشین حوزه ریاست قوه قضائیه بر سر زبان‌ها افتاد. با توجه به اینکه قرار بود این متهم پس از دستگیری در رومانی به تهران منتقل شود، دولت این کشور مسئولیت مستقیم حفاظت از جان وی را بر عهده داشته است.

اما این موضوع دست‌مایه و فرصتی شد برای برخی چهره‌ها و رسانه‌های دست‌چندم ضدانقلاب که مانند حوادث و وقایع مختلف، انگشت اتهام خود را به سمت جمهوری اسلامی نشانه بروند و ایران را به دست داشتن در ماجرای قتل منصور می‌تعمم کنند؛ اما این القانات تکراری به حدی نخنما و مضحک شده است که رسانه‌های اصلی ضدانقلاب و شبکه‌های حامی آنها در غرب دیگر حاضر به تکرار این خبرهای ساختگی نشدند. پس از آن بود که عناصر منافقین دست به کار شدند تا قبل از اثبات نحوه کشته شدن منصور، فرضیه خودکشی این متهم را مطرح کنند که این خبرسازی هم بیش از همه انگشت اتهام را به دست داشتن این گروه‌ک در ماجرای کشته شدن منصور می‌نشانده‌رفت.

برخی چهره‌های جریان ضدانقلاب که با فرار از ایران در کشورهای اروپایی از محل مخالفت با جمهوری اسلامی ایران ارتزاق می‌کنند و در زمان حضور خود در ایران توسط منصور می‌تعمم کرده‌اند در ایران فرهنگ و رسانه بود، امروز به عضویت قضائی شده بودند و امروز به عضویت نهادهایی درآمده‌اند و سیاست‌های ضدایرانی آنها بر همگان آشکار است، در صدد صدور پیگرد حقوقی برای این متهم به بهانه‌های حقوق بشری بودند.

امادر ماجرای پرونده پرسو صدای این روزهای دستگاه قضائی موسوم به طبری که متهمان آن با سوءاستفاده از موقعیت و جایگاه سازمانی موجب تخلفات گسترده‌ای شده‌اند، باید توجه داشت که تشکیل پرونده و محاکمه علنی فردی در این سطح مدیریتی و عوامل مرتبط با وی آن هم در داخل قوه قضائیه، حاکی از اراده قوی این دستگاه برای مقابله با فساد و سوءاستفاده در هر سطح و جایگاهی است؛ البته این حرکت به مذاق بدخواهان ملت ایران خوش نیامده و آنها نگران این هستند که چنین اقداماتی موجب تقویت پایگاه اجتماعی نظام اسلامی در بین مردم نشود؛ بنابراین به شکل‌های مختلف در صدد به حاشیه بردن و ضربه زدن به اصل این حرکت و القای وجود فساد سیستمی در کشور هستند و می‌کوشند مسئولان ارشد نظام را با طرح ادعاها و اتهامات بی‌اساس زیر سؤال ببرند. متأسفانه، برخی در داخل هم به سبب ضعف در تحلیل صحیح وقایع یا تأثیر پذیری از جریان‌های خاص، ادعاهای دشمنان را تکرار می‌کنند که این امر نیازمند هوشیاری بیش از پیش نیروهای انقلاب است؛ چراکه نظام اسلامی با عزمی جزم به مقابله با عوامل فساد اقدام می‌کند و در این مسیر با هر کس که در هر جایگاه و منصبی مرتکب تخلف شده باشد، برخورد می‌کند و به هیچ وجه تحت تأثیر سروصداهای دروغین دشمنان ملت و کشور قرار نخواهد گرفت.

نیم نگاه

ارزیابی عملکرد یک‌ماهه مجلس یازدهم

حاشیه بر متن غلبه نکند

سیاسی‌ای که با وجود برخورداری از مسئولیت و فرصت نمایندگی در عرصه تقنینی و اجرایی کشور، نه تنها کارنامه موثقی از خود ارائه نکردند، بلکه بسیاری از نارضایتی‌های امروز، محصول عمل و اندیشه متکی به بیرون آنهاست. از این رو، مجلس یازدهم اگر می‌خواهد مطابق با انتظارات و وعده‌های انتخاباتی که از سوی وکلای ملت در ایام تبلیغات انتخاباتی به مردم داده شده است حرکت کند، باید بیشتر تلاش کند و از پاره‌ای حاشیه و فروع پرهیز کند و به تعبیر رهبر عزیزمان، بیشتر به مسائل اصلی کشور توجه کند؛ مسائل اصلی کشور همان خواسته‌های مردم و همان وعده‌هایی است که در فرصت انتخابات به مردم داده شد. به نظر می‌رسد افراد و جریان‌هایی در صدد هستند با نفوذ در جایگاه مهم تصمیم‌سازی، مانند مجلس، محاسبات راهبردی نمایندگان انقلابی را تغییر دهند و کشور و مردم ایران عزیز را از فرصت کم‌نظیر خدمت بی‌منت نیروهای انقلابی در شرایط کنونی و در آغاز چله دوم انقلاب اسلامی محروم و ماهی مقصود خود را صید کنند. باید ضمن صیانت از شأن تقنینی مجلس، با توجه به مسائل اصلی، پاسخ‌بخش‌ها را با کار جهادی برای حل مشکلات مردم داد.

و تخصص مورد نیاز مجلس رأی دادند تا شاید تغییری در وضعیت نابه‌سامان معیشتی و اقتصادی مردم رقم بزنند، و هم بسترهای عینی و عملی لازم در کنار انگیزه سیاسی را برای توجیه ضعف‌های مجلس دهم و ساختار ناکارآمد اجرایی کشور و مهم‌تر از آن، ناامیدسازی از چشم‌انداز فعالیت این مجلس انقلابی را فراهم می‌کند. ناامیدسازی و مجلس‌هراسی در کنار تفسیر غلطی که چند سالی است تلاش می‌کند سخن رهبر کبیر انقلاب مبنی بر در رأس امور بودن مجلس را به زیر بکشد و تصویری بی‌خاصیت از مجلس یازدهم نشان دهد که نمایندگان فقط به فکر منافع فردی و سیاسی جناح متبوع خود هستند، علاوه بر بی‌اعتبارسازی نهادهای کشور، زمینه‌ساز گشودن خط انحرافی جدیدی پیش روی مردم خواهد شد که دشمنان انقلاب در چند فواز آن را دنبال می‌کنند؛ بی‌ثبات‌سازی، ناامیدسازی از ساختارهای کشور، پیگیری مطالبات مردمی از طرق غیرقانونی، همانند ایجاد موج‌های جدید نافرمانی مدنی و اعتراضات عمومی به سبک کشورهای غربی و در آخر تلاش برای «تکرار چرخه ناکارآمد گذشته» از طریق تأثیر گذاری بر رأی و نظر مردم در انتخابات ۱۴۰۰ از سوی افراد و جریان‌های

سلیمانی، طرح جنجالی ختم روزانه قرآن از سوی نمایندگان و اخیراً طرح موضوع ازدواج اجباری در جایگاه اول نشان می‌دهد که به نوبه خود، زمینه‌های نگرانی بدنه مردمی از چالش‌سازی برای آینده این مجلس را فراهم کرده است و این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که به راستی، مجلس در رأس امور چه وظایف و کارکردهایی دارد و باید داشته باشد؟ اگرچه نمی‌توان تلاش برخی افراد و جریان‌های خاص که با دلایل سیاسی در صدد بهره‌گیری از نقاط ضعف و منفی جلوه دادن فعالیت‌ها با ضرب مضاعف هستند عبور کرد اما تصویری که با بررسی عملکرد حدوداً یک‌ماهه نمایندگان در مجلس یازدهم بین افهام عمومی و رسانه‌ای کشور در حال تکوین و شکل گرفتن است نشانگر ترجیح فروع بر اصول و حاشیه بر متن در اقدامات و فعالیت‌های است. مسلماً این تصویر مطابق با واقع نیست، اما تصویر مخاطره‌آمیزی است برای مجلسی که اراده کرده است به توصیه راهبردی امام عزیز (ره) در رأس امور باشد. این تصویر معشوش و مغلول از مجلس یازدهم می‌تواند هم زمینه نگرانی برای کسانی باشد که با کلی امید و آرزو در دوم اسفند ۱۳۹۸ به این مجلس با شاخصه‌های کار جهادی، روحیه انقلابی

به بهانه اوج گرفتن تورم و گرانی در روزها و هفته‌های اخیر

بخشنامه کارساز نیست!

باشد. مستأجرانی که مجبور هستند هر سال به خانه کوچک‌تری نقل مکان کنند که البته چند خیابان و گاهی چند منطقه پایین‌تر از آن چیزی است که قبلاً در آن سکنی داشته‌اند.

دلیل دوم، اجرا نشدن مالیات بر خانه‌های خالی است. «ابوالفضل نوروزی» کارشناس مسکن در این باره می‌گوید: «در حال حاضر بسیاری از بخش‌های غیرمولد اقتصاد کشور از معافیت‌های مالیاتی برخوردارند و سودهای کلانی به جیب می‌زنند؛ همین سودهای کلان و بدون ریسک سبب می‌شود سرمایه‌های جامعه به جای سرازیر شدن به سمت تولید، به سمت بازارهای غیرمولد و سوداگرانه بروند.» شما اگر یک تولیدی کوچک داشته باشید که شاید چند سال طول بکشد تا سرمایه اولیه‌اش را بازگرداند، از همان روز اول باید مالیات بدهید؛ اما اگر سرمایه خود را به سمت بازار مسکن ببرید و یک شبه سرمایه‌تان چند برابر شود، هیچ کسی به شما نخواهد گفت از کجا آورده‌ای. این هم از عجایب حاکم بر قوانین مالیاتی کشور است. در بازار خودرو هم اتفاق مشابهی رخ داده است. عمده خودروها در دست مصرف‌کننده نیست و بسیاری اقدام به خرید و احتکار کرده‌اند. ارائه تعداد محدودی خودرو در مقطعی از سوی خودروسازان هم به مثابه مسکنی است که این زخم را کمی التیام می‌بخشد و چندی بعد دوباره سر باز می‌کند. مشکل خودروسازی کشور این است که در این چند دهه، نه تنها نتوانسته است خودروی باکیفیت متناسب با استانداردهای جهانی روانه بازار کند، بلکه

همین خودروها را هم نمی‌تواند به مقداری تولید کند که نیاز بازار را تأمین کند؛ البته ممکن است بتوان واژه «نمی‌تواند» در گزاره قبل را با واژه «نمی‌خواهد» جایگزین کرد. اما اگر به مشکلات میدانی در زمینه خودرو توجه کنیم، یکی از مشکلات، احتکار خودروهای پلاک‌نشده است. چند روزی شاهد این بودیم که ضابطان قضایی به دنبال پارکینگ‌های ماشین بدون پلاک بودند، اما دیگر خبری از این گونه اقدامات هم نیست. دو سال قبل خرید یک خودرو تقریباً به سادگی خرید از سوپرمارکت محله بود؛ در آن زمان اگر سسری به نمایندگی‌های خودرو می‌زدید، خودروهای آماده سند وجود داشتند؛ این یعنی عرضه حتی بیشتر از تقاضا بود. در این دو سال، اما با ورود سوداگران به بازار خودرو این روند کاملاً برعکس شد؛ یعنی تقاضا بیشتر از عرضه شده و قیمت‌ها به صورت نجومی افزایش پیدا کرده است. البته کم کردن عرضه خودرو از سوی خودروسازان به بهانه کرونا در چند ماه اخیر هم موجب شد با افزایش و انباشت تقاضا در این بازار مواجه شویم. حالا هم که قیمت‌ها بالا رفته است، پیش‌فروش کردن تقریباً تأثیری در روند افزایش‌ها ندارد. باید بگوییم تا زمانی که خودروسازی ما روند کنونی را حفظ کرده است و سفته‌بازان و دلالان، بازار خودرو را هدف قرار داده‌اند، نمی‌توان امید داشت این بازار به ثباتی قابل توجه دست پیدا کند. دولت در ماه‌های اخیر، سعی کرد تدبیراتی را به سمت بازار سرمایه هدایت کند، اما واقعیت این است که فقط پول‌های کوچک به این سمت و سورت و دلالان و

سفته‌بازان بزرگ همچنان به هر بازاری می‌پا گذارند، از آن ویرانه می‌سازند. کرونا هم که در طول چهار ماه گذشته زندگی مردم را تحت تأثیر خودش قرار داده، در این افزایش قیمت‌ها بی‌اثر نبوده است؛ شاید در برخی اقلام همین کرونا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دلیل گرانی کالاها شده باشد؛ هر چند ظاهراً دولت بسیار تلاش کرد کرونا تأثیر زیادی روی زندگی مردم نگذارد، اما در واقع این اتفاق افتاد و اقتصاد خانواده‌ها تحت تأثیر این ویروس منحوس قرار گرفت. مشکلات اقتصادی در حال حاضر نیاز به یک راه حل اساسی دارد. همان‌طور که مشکل بازار ارز با بخشنامه حل نشد، مشکل بازارهای مختلفی چون مسکن و خودرو هم با بخشنامه حل نخواهد شد. تا زمانی که فکری به حال مسکن ارزان‌قیمت نشود و بدون گرفتن مالیات از خانه‌های خالی، انتظار برود مشکلات بازار مسکن حل شود، قطعاً چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. دولت باید زمینه‌رودرود سرمایه را به بخش مسکن هموار کند. این سرمایه‌ها به سمت ساخت‌وساز بروند و نه به سمت خرید و احتکار خانه‌های خالی، و باید این موضوع به سرعت در دستور کار قرار گیرد. تنها راه برای آنکه از این شرایط خارج شویم، این است که حرکت جهادی شکل بگیرد. اکنون که کمتر از یک ماه است مجلس جدید کار خود را آغاز کرده است و امیدهای زیادی به خانه ملت وجود دارد، نمایندگان به سبب وظایف و اختیاراتی که در قبال مردم و دیگر نهادهای دارند و به واسطه اختیارات مجلس در زمینه قانون‌گذاری، می‌توانند برای حل این مشکلات تلاش کنند.

مسیر روشن

امیر سرلشکر «سیدعبدالرحیم موسوی» فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، با صدور پیامی خطاب به امیر دریادار «خانزادی» از برگزاری موفق «تمرین رزم سطحی شهدای دریادل رمضان» (ناوچه کنارک) تقدیر کرد. در بخشی از این پیام آمده است: «امروز دشمنان ملت ایران باید بدانند که به نام و یاد هر شهید جمهوری اسلامی ایران، ده‌ها موشک در راه است تا هر تهدید دور و نزدیک را با قدرت و توان فراتر از تصورشان منهدم کند. خلیج‌فارس و دریای عمان و آب‌های سرزمینی کشورمان، مبدأ این حرکت انقلابی در مسیر روشن خودانگیزی و ارتقای توان دفاعی خواهد بود.»



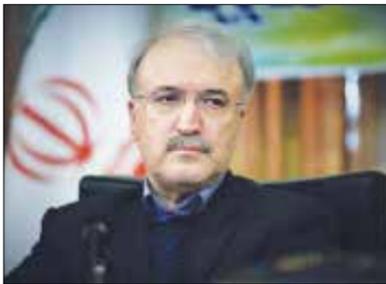
اصلاح به نفع مردم

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی بیان کرد طرحی با عنوان «سه‌میه‌بندی بنزین سرانه خانوار» از سوی تعدادی از نمایندگان، امضا و تقدیم هیئت‌رئیس شده است که به زودی در صحن علنی مجلس اعلام وصول خواهد شد. «مالک شریعتی» عدالت را ویژگی اصلی این طرح دانست و افزود: «در حال حاضر، سه‌میه بنزین پارانهای براساس هر خودرو داده می‌شود و خانوارهای فاقد خودرو که بیش از ۵۰ درصد خانوارهای کشور را شامل می‌شوند، هیچ بهره‌ای از پاران انرژی در بخش بنزین ندارند؛ بنابراین طرح جدید برای رعایت بیشتر عدالت، مبنای آن را هر خودرو به هر خانوار تغییر می‌دهد.»



نقش بی‌بدیل

«سعید نمکی» وزیر بهداشت در مصاحبه‌ای با اشاره به حمایت امام خامنه‌ای از این وزارتخانه درباره شیوع ویروس کرونا گفت: رهبر معظم انقلاب در ابعاد مختلف کرونا، نقش ارزنده و بی‌بدیلی داشتند. در هر یک و نیم قرن، دنیا دچار چنین بلایی می‌شود که در تاریخ کشورها ثبت می‌شود و در این بزنگاه تاریخی، نقش ارزنده رهبر معظم انقلاب بسیار پررنگ بوده و دور از انصاف است آنها را به تصویر کشیم. رسالت خود می‌دانم که اینها را بنویسم و بازگو کنم تا آیندگان بدانند چه کسانی در این طوفان بلا، نقش‌های مهم و ارزنده ایفا کردند.



تدارک برای ۱۴۰۰

اولین اقدامات رسانه‌ای برای آمادگی حضور در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم

مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی



سال پایانی دولت، سال حساسی است که از زوایای مختلف قابل توجه است. یکی از ابعاد آن، توجه به این حقیقت است که جریان‌های سیاسی مختلف کشور خود را آماده رقابت‌های انتخاباتی می‌کنند و طبیعتاً فضای سیاسی کشور را نیز متأثر از خود می‌کنند. این وضعیت آن‌گاه حساس‌تر می‌شود که پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری فرا رسیده باشد و طبق قانون، امکان حضور مجدد رئیس‌جمهور ممکن نباشد. این شرایط موجب می‌شود گزینه‌های جدید نیز امکان موفقیت بیشتری در صحنه رقابت‌های انتخاباتی داشته باشند؛ از این‌رو شاهد ورود گسترده، به ویژه از میان چهره‌های جدید باشیم.

آنچه آمده، شرح وضعیت سال ۱۳۹۹ است که قرار است در سال پس از آن، کار دولت آقای روحانی به پایان برسد و انتخابات ۱۴۰۰، فصلی نو را در کشور رقم زند. در این شرایط، شاهد فعالیت رسانه‌های

جریان‌های سیاسی برای انتخابات آتی هستیم. نام‌های مختلفی در طول هفته‌های اخیر شنیده شده است که هر یک می‌توانند نام‌زدی برای انتخابات باشند. در مواجهه با این اخبار و نقل قول‌ها و احیاناً گفت‌وگوهایی که این روزها درباره موضوع مزبور در رسانه‌های مختلف منتشر می‌شود، توجه به چند اصل ضروری است.

۱- فرصت یکساله تا انتخابات سال آتی شاید از نگاه برخی کارشناسان زود به نظر می‌رسد، اما از سویی دیگر شاید زمان مناسبی برای شکل‌گیری روند رقابت‌های سیاسی سال آتی باشد. در این فرصت یکساله، آنهایی که خود را در قد و قواره اداره کشور می‌دانند، به تدریج برنامه‌های خود را برای اداره و حل مشکلات کشور ارائه می‌دهند. این اقدام می‌تواند با شیبی ملایم و در برنامه‌هایی کارشناسی صورت گیرد و به دور از جنجال‌آفرینی، سیاسی‌کاری و ایجاد التهاب و هیجان در افکار عمومی دنبال شود؛ به علاوه، چنین ورودی به عرصه رقابت‌های انتخاباتی نباید دولت را مشغول به خود کند و از انجام وظایف حیاتی خود در سال پایانی دور بدارد. این روزها کشور با مشکلات فراوانی در عرصه اقتصاد مواجه است که اگر حواس مسئولان کشور به مسائل دیگر مشغول شود، بدون شک دود این

غفلت به چشم ملت خواهد رفت؛ از این‌رو باید در نظر داشت ضمن توجه به مسئله انتخابات، امور کشور روند طبیعی خود را دنبال کند؛ در واقع صورت مسئله نباید پاک شود، بلکه برای عوارضی که می‌تواند هزینه‌هایی را برای کشور به دنبال داشته باشد، باید فکری کرد.

۲- در بازار پرهیجان سیاست، نام‌های مختلفی برای انتخابات ۱۴۰۰ مطرح می‌شود که برخی از آنان هیچ موضوعیتی ندارد و کذب بودن طرح آنان مشخص است. هم‌اکنون معلوم است برخی نام‌ها در تراز صلاحیت‌های قانونی برای ریاست‌جمهوری نیستند، و برخی دیگر به دلایل متعدد در مرحله احراز صلاحیت با موانع جدی مواجه هستند. طرح برخی نام‌ها نه با هدف آگاهسازی افکار عمومی، بلکه با هدف بهره‌برداری‌های سیاسی دنبال می‌شود که در این زمینه باید هوشمند بود.

۳- این روزها جریان اصلاح‌طلبی بیشتر از دیگر جریان‌های سیاسی مایل است درباره انتخابات ۱۴۰۰ سخن بگوید. این اشتیاق را می‌توان در مطالب مندرج در سایت‌های اینترنتی وابسته و روزنامه‌های این جریان مشاهده کرد. در پس این شور و هیجان باید گفت اصلاح‌طلبان در شرایط خوبی نیستند و راهبرد

مشخصی برای ورود به انتخابات ندارند. عملکرد پراشتداد دولتی که با حمایت آنان در سال ۱۳۹۲ به قدرت رسید، موجب شده است این جریان چندان به موفقیت در انتخابات سال آتی امیدوار نباشد. ناکام ماندن در انتخابات مجلس یازدهم و سپردن کامل بهارستان به جریان رقیب نیز مزید بر علت شده است تا فقط با اقداماتی تاکتیکی و شکردهایی رسانه‌ای، برخی مانورهای سیاسی را در این روزها رقم بزنند. در این میان دوراهاکار و شگردها در دستورکار رسانه‌ای این جریان قرار دارد.

شگردها اول اینکه با مطرح کردن برخی چهره‌های اصلاح‌طلب، آنان را آماده ورود به رینگ انتخاباتی کنند؛ از دیگر سوسو از میزان محبوبیت گزینه‌های احتمالی ارزیابی داشته باشند تا معلوم شود چه اندازه می‌توانند با اقبال افکار عمومی و هواداران مواجه شوند. شگردها دیگر اصلاح‌طلبان رقیب‌هراسی است که در پی آن دو غرض پنهان است؛ اول اینکه با راه‌اندازی خط تخریب، هم‌اکنون فضا را برای رقیب سیاسی خود تنگ کنند و از دیگر سوسو، با بزرگ‌نمایی برخی اسامی، هراس را در بدنه اجتماعی این اردوگاه ایجاد کنند و آنان را پای کار نامزد مورد علاقه خود بیاورند.

دیدگاه

شماره ۹۵۵ | دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۹

صداقت

نقشه راه

بازنگاهی به بیانیه گام دوم-۵

انقلاب برای اخلاق

حجت‌الاسلام علی معبودی



مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه قزوین

از آرمان‌های ستودنی انقلاب اسلامی ایجاد محیط مساعد رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقو است. آرمانی که فلسفه بعثت تمام انبیای الهی، به‌ویژه رسول اکرم (ص) بوده است؛ چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «من مبعوث شدم تا مکارم و ارزش‌های والای اخلاقی را در جامعه امری رایج کنم». انقلاب اسلامی بر پایه توحید و اسلام‌ناب شکل گرفته است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت به ایجاد همین محیط تأکید شده و در اصل سوم از اصول کلی این قانون آمده است: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» به کار گیرد. در سایه همین اصل و به برکت انقلاب، ما شاهد رشد فضائل اخلاقی

میان اقشار گوناگون مردم بودیم. در این زمینه رهبر معظم انقلاب در بخشی از بیانیه گام دوم می‌نویسند: «عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که ماه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد». امام خاتمه‌ای در بیانیه گام دوم بر اهمیت اخلاق و معنویت تأکید و توصیه می‌کنند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، تسکین، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بدون آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند». معظم‌له در ادامه، پیرامون راه افزایش معنویت در جامعه می‌فرمایند: «اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این‌باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به‌شبه معقول بستیزند و خلاصه‌اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند». در نتیجه، انقلاب اسلامی به عنوان معجزه قرن اگر تحولات زیادی در سطح کشور، منطقه و بین‌الملل ایجاد کرده است، دل‌های زیاده‌ی را جذب خویش و در برابر زیاده‌خواهی‌ها و مستمگری‌ها ایستادگی کرده است، به این دلیل بوده که به فضائل اخلاقی پایبند بوده است؛ از این‌رو در نظام جمهوری اسلامی دولتمردانی که رشد فضائل را فراهم نکنند، مشروعیت خود را از دست خواهند داد؛ چرا که فضای آلوده نمی‌تواند پرورش‌دهنده عناصر کارآمد و الگو باشد.

دریچه

حماسه سامانه سوم خرداد یک ساله شد

تصور آمریکایی‌ها بود و به همین سبب از این اقدام و توانایی جمهوری اسلامی به نحوی شوکه شدند؛ چه اینکه این پهباد با یک سامانه کاملاً بومی و ایرانی هدف گرفته و منهدم شده است. نکته‌ای که آمریکایی‌ها هم از آن غافل نیستند، تسلط راداری جمهوری اسلامی روی پرنده‌ها و پایگاه‌های هوایی و ناوهای هواپیمابر آمریکا در منطقه و فرمانطقه است؛ به صورتی که جمهوری اسلامی قادر است تمام تحرکات آنها را رصد کند و در گزارش‌های خود تمام اطلاعات پروازی و مبدأ و مقصد این پرنده‌ها را ارائه می‌دهد. در واقع، پدافند هوایی جمهوری اسلامی در ابتدا، در حوزه راداری توانایی بالایی دارد و در مرتبه بعد، توانایی شناسایی و رهگیری اهداف هوایی در آن بالاست. با افزودن شدن سامانه‌های جدید پدافندی، این توانایی روز به روز در حال افزایش است و اخیراً هم اخباری مبنی بر فعالیت پدافند هوایی سپاه روی سامانه‌های پدافندی برد بلند، خواب‌آشفته جدید آمریکا در منطقه خواهد بود.

در آب‌های سرزمینی ایران صورت می‌گیرد. گفتمی است، این پهباد در زمان هدف قرار گرفتن در حال افزایش ارتفاع بوده و در زمان شلیک سامانه در ارتفاع ۱۴ کیلومتری در حال پرواز بوده است. همچنین هواپیمای سرنشین‌دار «PA۸» نیز در زمان سرنگونی پهباد در فاصله ۱۷ کیلومتری آن قرار داشته و پهباد شناسایی رزمی «MQ۹» نیز با هواپیمای «PA۸» حدود ۱۷ کیلومتر فاصله داشته است. پس از سرنگونی این پهباد، با وجود رجزخوانی آمریکایی‌ها و به‌ویژه رئیس‌جمهور این کشور، تا سه روز بعد تحرک و واکنش تهاجمی خاصی از سوی آنها صورت نگرفت و بعداً تعدادی جنگنده «F۲۲» و بمب‌افکن به منطقه آمد که تحرک نظامی خاصی از سوی آنها هم گزارش نشده است. از دیگر نکات مهم این ماجرا، اظهار نظر نظامیان روسیه است که پس از سرنگونی این پهباد اعلام می‌کنند این پهباد را یک موشک افسانه‌ای هدف قرار داده است. ارتفاعی که این پهباد با آن هدف قرار داده شد، دور از

می‌کند و به سمت چابهار ادامه مسیر می‌دهد و پس از دور زدن و بازگشت، رادار در فاصله ۴۹۰ کیلومتری آن کشف می‌کند. راداری که این پهباد را کشف کرده است، می‌تواند به صورت سه‌بعدی در فاصله ۵۰۰ کیلومتری بیش از ۲۰۰ هدف را آشکار کند که این رادار نیز ساخت متخصصان داخلی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است. پس از نقض مرز هوایی ایران از سوی این پهباد، مأموریت هدف قرار دادن آن در محدوده زیر «جاسک» و «کوه مبارک» به دو سامانه مستقر واگذار می‌شود که هر دو سامانه روی آن قفل راداری انجام می‌دهند. رادار کشف سامانه، این هدف را در ارتفاع ۱۲ کیلومتری، سرعت ۷۰۰ کیلومتر بر ساعت و فاصله ۱۶۹ کیلومتری کشف می‌کند. سامانه سوم خرداد سرنگون‌کننده پهباد در فاصله ۱۲۰ کیلومتری روی این هدف قفل راداری را انجام می‌دهد و پس از آماده‌سازی موشک در فاصله ۹۰ کیلومتری، موشک شلیک می‌شود و اصابت موشک به هدف در فاصله ۷۵ کیلومتری

هم‌زمان با اولین سالگرد سرنگونی پهباد متجاوز «MQ۹C» آمریکا در سی‌ام خردادماه سال ۱۳۹۸، اطلاعات جدیدی از عملیات هدف قرار گرفتن این پهباد از سوی پدافند هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده است. نیروی هوایی سپاه هم برای پاس‌داشت این دستاورد مهم در سالگرد آن اقدام به رونمایی از «سامانه سوم خرداد» کرد؛ به علاوه این سامانه را با قابلیت‌های جدید روی شناور نصب کرد؛ اما ماجرای هدف قرار گرفتن پهباد «گلوبال هاک» چه بود؟

بر این اساس، هم‌زمان با پرواز پهباد «MQ۹C» از پایگاه هوایی «الظفره» اسارات، یک فروند هواپیمای گشت دریایی «PA۸» و یک فروند پهباد «MQ۹» آمریکایی نیز در حال پرواز در منطقه بوده که هواپیمای «PA۸» در فاصله ۱۶ کیلومتری این پهباد قرار داشته است. پهباد آمریکایی پس از ارتفاع گرفتن به سمت تنگه هرمز پرواز می‌کند و در آن محدوده یک بار FIR ایران را نقض

عکس و مکت



کرونا کف خیابان/ گروه‌های نمایش‌های خیابانی با شعار «من، تو، ما» برای مبارزه با کرونا به خیابان آمده‌اند. آنها در ۹۰ ثانیه فاصله چراغ‌های قرمز، برای رانندگان و سرنشینان داخل خودروها برنامه‌هایی با موضوع حفظ فاصله اجتماعی اجرا می‌کنند. یادمان باشد کرونا هنوز قربانی می‌گیرد.



بازگشایی سینماها در اسپانیا پس از قرنطینه/ دولت اسپانیا بعد از پایان محدودیت‌های اجباری کووید-۱۹، سینماها، کافه‌ها، شهربازی‌ها و... را باز کرد. افرادی که در این شرایط با استرس مبتلا به کرونا، همراه با ماسک و دستکش، حفظ فاصله اجتماعی، نخوردن تنقلات و... به سینما می‌روند، حتماً خیلی عاشق فیلم هستند.



خواب آرام در آغوش پدر/ بعد از مدت‌ها دوری، آرام تو بغل بابایش خوابیده... شبید مدافع حرم «جواد الهمکر» در جریان حمله نیروهای تکفیری به «خان طومان» در جنوب غرب حلب، در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به شهادت رسید. پیکر مطهر این شهید پس از چهار سال، سرانجام، هفته پیش به کشور بازگشت و بر دوش امت حزب‌الله تشییع شد.



دعوا همراه با حفظ فاصله اجتماعی! / درگیری نمایندگان طرفدار و مخالف چین در پارلمان هنگ‌کنگ؛ یکی از لایحه‌هایی که سر و صدای زیادی به پا کرده و اختلافات جدی طرفین را به دنبال داشته، لایحه مربوط به توهین به سرود ملی و پرچم ملی بوده است.

تبیین

بازی اروپا
در زمین کاخ سفید

حنیف غفاری

کارشناس بین‌الملل



سرانجام همان‌گونه که پیش‌بینی شده بود، تروئیکای اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) پس از صدور قطعنامه‌ای جدید علیه کشورمان در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رسماً اعلام کردند خواستار تمدید تحریم تسلیحاتی کشورمان تا سال ۲۰۲۳ میلادی هستند؛ به عبارت بهتر، تلاش تروئیکای اروپایی برای صدور قطعنامه ضد ایرانی در آژانس، مقدمه و پیش‌درآمدی برای اعلام تصمیم مشترک بازیگران اروپایی مبنی بر تمدید تحریم تسلیحاتی ایران و ممانعت از انقضای آن (وقف سند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد) بوده است. نکته جالب توجه اینکه سه کشور اروپایی پس از عهدشکنی آشکار اعلام کرده‌اند ماکان نسبت به توافق هسته‌ای با ایران پایبند هستند. رمزگشایی از اقدامات اخیر تروئیکای اروپایی چندان دشوار به نظر نمی‌رسد.

اقدامات اخیر تروئیکای اروپایی، نقطه آشکارساز «هم‌پیمانی استراتژیک» آلمان، انگلیس و فرانسه با کاخ سفید علیه کشورمان به شمار می‌آید. استراتژی مشترک آمریکایی-اروپایی «اعمال فشار حداکثری بر ایران» معطوف به یک هدف اصلی، یعنی «مهار همه‌جانبه ایران قدرتمند» صورت می‌گیرد؛ بنابراین، در تحلیل رفتارهای ضد ایرانی اخیر تروئیکای اروپایی و به طور کلی اتحادیه اروپا، باید این هم‌پوشانی استراتژیک را مدنظر قرار داد.

اتحادیه اروپا طی روزهای آتی و در یک «عملیات فریب تبلیغاتی» تلاش می‌کند «تمدید سه‌ساله تحریم‌های تسلیحاتی ایران» را تنها راهکار ممکن برای حفظ برجام و ممانعت از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد (که مطابق مکانیسم ماشه منتج به بازگشت همه تحریم‌های چندجانبه ایران می‌شود) تلقی کند و در حقیقت، خود را «ناجسی برجام» بداند. این در حالی است که اساساً چیزی از توافق هسته‌ای باقی نمانده است و فراتر از آن، مطابق متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، وظیفه تروئیکای اروپایی «ارائه راهکارهای میانسی» یا «راهکار سوم» در قبال دوگانه «ابطال» یا «ادامه» برجام نیست؛ اتحادیه اروپا وظیفه دارد به تک‌تک تعهدات خود در برجام عمل کند.

دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید با اتحادیه اروپا به مثابه «شریک جرم آمریکا» برخورد و آن را به مثابه «بازیگر طغیانگر» شناسایی کند. اکنون زمان آن رسیده است از مرحله «مذاکره» حتی «هشدار» در قبال اتحادیه اروپا فراتر برویم و به مرحله «هزینه‌سازی» در قبال این مجموعه وارد شویم؛ تا زمانی که اتحادیه اروپا هزینه‌های «هم‌پیمانی با آمریکا» در تقابل با کشورمان را درک نکند، قطعا به رفتارهای وقیحانه خود در این باره ادامه خواهد داد. بدون شک، ایجاد هزینه‌های سخت برای اتحادیه اروپا (در قبال عهدشکنی‌های علنی این مجموعه در برجام)، باید ذیل استراتژی «مقاومت فعال» صورت گیرد.



صبح صادق چالش هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و تروئیکای اروپایی در یک‌سال اخیر را بازخوانی می‌کند

بازگشت به عقب

بود و به فروپاشی کامل برجام منتهی خواهد شد. ۳- گزینه سوم به دست آوردن رضایت طرفین آمریکا و ایران و جلب رضایت روسیه و چین است؛ یعنی تمدیدی را دنبال‌کنند که نه خواسته حداکثری آمریکا در آن باشد و نه مخالفت حداکثری ایران را به دنبال داشته باشد و در عین حال رضایت روسیه و چین هم به دست آید. برخی نشریات غربی این‌گونه نوشتند که «سه کشور آلمان، بریتانیا و فرانسه می‌خواهند برای جلب نظر واشنگتن حجم باقی‌مانده معاملات تسلیحاتی با ایران را محدود کنند، ولسی در عین حال برای قانع کردن چین و روسیه این محدودیت‌ها را در ابعاد و دوره زمانی محدودی اعمال کنند تا این دو کشور در شورای امنیت به چنین طرحی رأی منتع بدهند. اروپایی‌ها امیدوارند بتوانند طرحی را تنظیم کنند که حداقل از سوی روسیه و چین و همین‌طور آمریکا و تو نشود.» همچنین برخی رسانه‌ها نوشتند: طرح تمدیدی اروپایی ۱۲ ماهه، با یک‌سری شروطی همراه است که بتواند مقدماتی برای شورای امنیت و مذاکره‌ای برای طرفین باشد.

با این وجود، اقدامات اروپایی‌ها از ابتدا تاکنون نشان داده است آنها از حیث هدف‌های غایی مانند آمریکا فکر می‌کنند، اما تفاوت آنها در روش حصول به نتیجه است. اروپا همان هدف ترامپ را در پروسه نرم و با ایجاد شرایط آن دنبال می‌کند، اما آمریکا در دوره ترامپ، روش پروسه‌ای و نرم اوایما و اروپا را وقت‌کشی تلقی می‌کند و راه خروج و فشار برای بازنگری در برجام را رنالیستی می‌داند. با همه انتقاداتی که اروپایی‌ها از ترامپ دارند، اما نمی‌توانند موضوع برنامه تسلیحاتی ایران را رها کنند و همچنین در آینده نیز نمی‌توانند به سادگی بپذیرند که محدودیت‌های غنی‌سازی هسته‌ای و سایر برنامه‌ها در ۲۰۲۵ برداشته شود، کما اینکه رؤسای جمهوری تروئیکای اروپایی بارها این موضوع را اعلام کردند. شواهد زیادی برای این منظور است، عدم اجرای ۱۱ تعهد برجامی اروپا، طرح‌های معامله برای فراهم‌سازی مذاکره ایران و آمریکا برای بازنگری برجام، عدم راه‌اندازی اینستکس، فعال‌سازی سازوکار حل اختلاف، اسنپ‌بک (snapback) با طرح تفکیک‌سازی بچه‌گانه عدم بازگشت تحریم و فراهم‌سازی گفت‌وگو. تهیه قطعنامه محکومیت ایران در آژانس فقط به دلیل ادعاهای واهی که در جریان مذاکرات برجام متعهد شدند پرونده گذشته هسته‌ای ایران به دلیل شفاف شدن، بسته شود که در واقع این اقدام اروپایی‌ها به نوعی نقض برجامی به شمار می‌آید؛ بنابراین، دستگاه دیپلماسی ایران و همه آحاد سیاسیون بارها و بارها باید سخنان و تدابیر رهبر معظم انقلاب را از ابتدای مذاکرات برجامی بازخوانی کنند. رهبر معظم انقلاب فرمودند: به اروپایی‌ها هم نمی‌توان اعتماد کرد. به نظر می‌رسد روند رفتارهای تروئیکای اروپایی که آخرین آن صدور قطعنامه محکومیت ایران بود، بار دیگر نشان داد تشخیص رهبر معظم انقلاب درست و دقیق بوده است، اما بر مبنای این تشخیص راهبردها و سیاست‌ها در قبال این کشورها تدبیر نشد.

۳- سومین اقدام آمریکای فعال‌سازی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای فشار بر ایران با هدف‌های چندگانه است. تا قبل از ریاست جدید آژانس، این سازمان ۱۵ بار در گزارش‌های خود همکاری ایران را کاملاً در چارچوب توصیف و رضایت‌مندی آژانس را از عملکرد ایران گزارش کرده بود؛ اما از زمان روی کار آمدن «رافائل گروسی» آژانس تحت فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی سناریوی بازگشایی پرونده سراسر کذب گذشته هسته‌ای ایران را کلید زد. در ابتدا ادعاهایی مضحک را نتانیا هو مطرح کرد سپس مقامات آمریکایی، به ویژه وزیر خارجه آن این ادعاهای واهی را به همراه ادعاهای دیگری در سطح رسانهای و دیپلماسی پی گرفتند. با این زمینه‌سازی‌ها و با همکاری رافائل گروسی، موفق شدند این ادعاها را به موضوعی حساس در آژانس تبدیل کنند؛ تا جایی که اروپایی‌ها به میدان آمدند و قطعنامه‌ای را با آرای قابل توجهی علیه ایران صادر کردند. یکی از هدف‌های آمریکا که همراه کردن اروپا و حساس‌سازی بخش از دولت‌ها بود، از این طریق حاصل شد. گام دیگر آنها این است که بتوانند از این هیجان به دست آمده سناریوی بازگشت تحریم‌ها یا تمدید تحریم‌های تسلیحاتی در برجام را از طریق شورای امنیت سازمان ملل به دست آورند. از آنجا که اروپایی‌ها بارها نشان داده‌اند با برنامه موشکی ایران مخالفند، آمریکایی‌ها سناریوهای خودشان را طوری چیدند که از این ظرفیت و گرایش هماهنگ اروپایی‌ها در مخالفت با لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران بهره ببرند. یکی از نشانه‌های حساسیت اروپا در زمینه موشکی ایران گزارش شورای اروپایی روابط خارجی است که فروش موشک به ایران از سوی روسیه پس از پایان تحریم تسلیحاتی ایران می‌تواند یک تحول تغییردهنده بازی در منطقه باشد. کشورها همچنین باید فروش سیستم‌های خودکار و بدون سرنشین را که فراتر از توان تولید داخلی ایران است، محدود کنند

گزینه‌های اروپا

اروپایی‌ها با چند گزینه روبه‌رو هستند که هر یک از گزینه‌ها آثاری راهبردی بر روند چالش‌ها خواهد گذاشت:

۱- گزینه اول، تمدید تحریم‌ها را آن‌گونه که آمریکا دنبال می‌کند، نادیده بگیرند و هیچ نوع همکاری با آمریکا نداشته باشند. کاخ سفید به همین دلیل برنامه‌های فشار و چالش‌آفرینی‌ها را به گونه‌ای رقم زده است که اروپا به هر دلیلی مسکوت گذاشتن تمدید تحریم‌ها را خطرناک توصیف کند، از جمله اینکه به این محاسبات اشتباه برسد که اگر این موضوع را مسکوت بگذارد، آمریکا با بردن قطعنامه در شورای امنیت موجب نابودی برجام خواهد شد.

۲- گزینه دوم تمدید تحریم‌های تسلیحاتی را آن‌گونه که آمریکایی‌ها دنبال می‌کنند، بپذیرند؛ یعنی تمدید دائمی یا طولانی‌را به ایران تحمیل کنند؛ در این صورت اروپایی‌ها واقف هستند که این اقدام آنها با توجه به سابقه واکنش‌های ایران، بسیار شدید خواهد

تا حدودی تروئیکای اروپایی از آن وحشت داشتند؛ این پدیده، یکی از همان بندهای غروب آفتاب برجام است که در ۲۷ مهر ماه رخ خواهد داد؛ یعنی برداشته شدن محدودیت‌های تسلیحاتی ایران. از این رو تحرکات آمریکا و بعدها اروپا وارد فاز جدیدی شد.

اقدامات آمریکا

در این فاز جدید آمریکا چند اقدام با هدف‌های خاص را از اواخر مهرماه سال ۱۳۹۸ آغاز کرد:

۱- اولین اقدام کاخ سفید، متهم‌سازی ایران به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل بود؛ البته قبل از این تاریخ نیز مقامات آمریکایی ایران را به نقض قطعنامه متهم می‌کردند تا از این طریق اروپایی‌ها را وادار به همکاری مستقیم در تحریم علیه ایران کنند. از اواخر مهرماه سال گذشته، سناریوی متهم‌سازی نقض قطعنامه، با دو هدف فراهم کردن زمینه‌های طرح قطعنامه جدید در شورای امنیت سازمان ملل و همراه کردن اروپایی‌ها برای تصویب آن بود؛ از این‌رو، آمریکا در ادبیات ماه سال جاری، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را آماده کرد و به اعضای این شورا ارائه داد که با واکنش‌های چین، روسیه و تا حدودی اروپا روبه‌رو شد.

۲- دومین اقدام دولت‌مداران کاخ سفید، طرح بازگشت به برجام در ابتدای سال ۱۳۹۹ بود؛ وزارت خارجه آمریکا در توجیه این موضوع گفت: دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور این کشور قصد ندارد تعهداتش ذیل برجام را اجرا کند، بلکه می‌خواهد از حقوقش در قطعنامه ۲۲۳۱ بهره ببرد. به زعم آمریکایی‌ها این طرح می‌تواند دو مشکل یا گره آمریکا درباره ایران را باز کند:

نخست، به نظر دولت‌مداران آمریکا تحریم‌های‌شان با همه وسعت، دامنه و عمق آن به این دلیل اثربخشی نام و تعیین‌کننده‌ای در تغییر رفتار ایران نداشته که یک‌جانبه بود و از مشروعیت جهانی برخوردار نبود؛ از این‌رو، با بازگشت به برجام و استفاده از سازوکار اسنپ‌بک (snapback) یا مکانیسم ماشه می‌تواند همه قطعنامه‌های گذشته را بازگرداند و از این رهگذر، به تحریم‌ها علیه ایران ذیل ماده هفتم منشور ملل متحد مشروعیت ببخشد و اثربخشی فشار حداکثری را به اوج خود برساند. دوم، بازگشت به برجام با تفسیر «پمپنو» وزیر خارجه آمریکا، می‌تواند به همراه قطعنامه رسمی تمدید تحریم تسلیحاتی و ارائه آن در شورای امنیت، از انقضای زمان بند غروب آفتاب مربوط به تحریم‌های تسلیحاتی ایران جلوگیری کند؛ در همین راستا، دولت‌مداران کاخ سفید سیاست‌های تبلیغاتی را در قالب هشدار به راه انداختند که در صورت ناکامی در تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران، به دنبال فعال کردن «مکانیسم ماشه» خواهند بود. کارکرد این هشدار در درجه اول تحریک اروپا برای همراهی با هدف مدنظر ترامپ است؛ چنانکه برخی تحلیل‌گران نوشتند: «تهدید آمریکا درباره به کار بستن مکانیسم بازگرداندن تحریم‌ها با هدف ترساندن اروپایی‌ها به منظور جلب حمایت آنها، از راه‌های دیگر زنده نگه داشتن تحریم تسلیحاتی است.»

سیامک باقری

عضویت علمی پژوهشگاه امام‌صادق (ع)



چالش‌های هسته‌ای وارد فاز جدید و چه بسا خطرناکی شده است. از نیمه دوم سال ۱۳۹۸ دو پدیده مهم و اثرگذار در فرایند مواجهه آمریکا و اروپا با ایران زمینه‌ساز این فاز جدید شده است پدیده اول ناکامی سیاست فشار حداکثری ترامپ و تیم او در سه سال و نیم دوره ریاست‌جمهوری اش است. دولت‌مداران آمریکایی با وجود سیاست‌های اعلامی و تبلیغاتی‌شان در اثربخشی تحریم‌ها بر ایران، این حقیقت را به خوبی درک می‌کنند که هیچ یک از هدف‌های اصلی تحریمی تحقق نیافته است. اکثر نشریات و تحلیل‌گران آمریکایی و اروپایی، نظیر «بلومبرگ» در آبان سال ۱۳۹۸، نشریه آمریکایی «نشنال اینترست» در آذر سال ۱۳۹۸ و... نیز این حقیقت را آشکار کردند که فشار حداکثری ترامپ علیه ایران شکست خورده است. پدیده دوم، معکوس شدن نتایج سیاست‌های مرزبانه تروئیکا اروپایی در هم‌دستی پنهان با آمریکا و فشارهای غیرتبلیغاتی از طریق اجرا نکردن تعهدات برجامی خود، بازگشایی واقعی اینستکس روی ایران و به‌ویژه آخرین اقدام رئیس‌جمهور فرانسه برای فراهم‌سازی یک معامله با آمریکا است. نتیجه سیاست‌های غیرمعتولانه و زیاده‌خواهانه اروپا موجب برداشتن پنج گام کاهش تعهدات برجامی ایران شد که آمریکا و اروپا با توجه به فشارهای حداکثری تصورشان را نمی‌کردند.

همه این اصرارها و تلاش‌های شتاب‌آلود برای جلوگیری از بندهای غروب آفتاب در برجام بوده که از طریق کشاندن ایران به دور جدید مذاکرات و تحمیل برجامی جدید انجام گرفته است که در آن محدودیت‌های برنامه هسته‌ای و تسلیحاتی ایران ابدی شوند و ایران از هر نوع فرایند غنی‌سازی محروم بماند و سیاست‌های اصولی کشورمان در مسائل منطقه‌ای مطابق با نظم منطقه‌ای مورد نظر آمریکا و اروپا باشد. یادآوری این سخن برایان هوک تبیین‌کننده این موضوع است:

«نمی‌توان به ایران اجازه داد هم‌زمان با توسعه برنامه هسته‌ای، توانمندی‌های موشک‌های بالستیک خود را هم توسعه دهد. توافق هسته‌ای ایران این اجماع بین‌المللی را از بین برد. در خود این توافق از هیچ بندی برای محدود کردن برنامه موشک بالستیک ایران استفاده نشده است. این توافق، تحریم‌ها علیه ایران را تخفیف داد، در حالی که به این کشور اجازه داد زرادخانه موشکی‌اش را توسعه دهد و آن را پالایش کند. از آن بدتر اینکه جامعه بین‌المللی از اجماع بر سر اینکه موشک‌ها و برنامه هسته‌ای ایران در هم تنیده هستند، عقب‌نشینی کرد.»

اما ایستادگی و مقاومت ایران در برابر فشار حداکثری نه تنها این امید و انتظار آمریکا را تقریباً به یأس تبدیل کرد، از حیث راهبردی پدیده سومی را به وقوع نزدیک کرد که دولت‌مداران فعلی آمریکایی و

دیپلماسی قبیله

بازخوانی عوامل قدرت انصارالله یمن



ایوب منادی

کارشناس مسائل یمن

گذشت پنج سال از جنگ یمن و مقایسه دستاوردهای طرفین درگیر در جنگ، این سؤال را بیش از گذشته به ذهن متبادر می‌کند که چرا تاکنون ائتلاف شکست‌خورده عربی نتوانسته اهدافی را که در ابتدای هجوم به یمن ترسیم کرده بود، محقق کند، ولی در مقابل انصارالله روز به روز پیروزی‌های بیشتری به نام خود ثبت می‌کند؟ گذشته از مسائل معنوی همچون اراده الهی بر پیروزی حق و شکست باطل، پاسخ به این پرسش را می‌توان در مطالعه ساختار اجتماعی یمن و نقش مهم «قبیله» در آن جست‌وجو کرد. ساختار اجتماعی در یمن، ساختاری قبیله‌پایه است؛ به این معنی که آنچه سیاست شکل می‌دهد، ائتلاف با هم‌پیمانی سران قبیله با گروه‌ها و صاحبان قدرت است و روستاها و اکثریت شهرها در اختیار سران قبیله قرار دارند. این نظام قبل از اسلام موجود بوده و پس از گذشت قرن‌ها همچنان جاری است. در طول تاریخ، رقابت‌های قبیله‌ای گاه موجب می‌شد چند قبیله با یکدیگر هم‌پیمان شوند و قبیله بزرگ‌تری تشکیل دهند و بزرگی و کوچکی قبیله آن‌قدر اهمیت داشته است. بخشی از پیروزی‌های بزرگ انصارالله در عملیات‌های سرنوشت‌ساز اخیر عربستان علیه یمن را نیز می‌توان محصول همین پیوند و دقت این جنبش در تعامل با قبیله و ایجاد ائتلاف با آنان دانست. هم‌پیمانی با قبیله می‌تواند دستاوردهای زیر را برای انصارالله به همراه داشته باشد:

۱. تأمین نیروی انسانی: با فرسایشی شدن جنگ در یمن، جایگزین کردن دوره‌های رزمندگان جبهه‌ها و تجدید قوای نیروهای مردمی ضرورتی انکارناپذیر است که با ورود هر قبیله به دایره هم‌پیمانان انصارالله، جوانان تازه‌نفس آن قبیله به صفوف رزمندگان اضافه و علیه متجاوزان سعودی و اماراتی وارد عمل می‌شوند.

۲. سلاح: طبق آمارهای معتبر بین‌المللی، پس از ایالات متحده، یمن دومین کشوری است که در آن بیشترین تعداد سلاح در دست شهروندان قرار دارد. در برخی آمارها تعداد سلاح در دست مردم در یمن تا حدود ۶۰ میلیون قبضه ذکر شده است و این یعنی برخی افراد بیش از دو سلاح در اختیار دارند. ائتلاف با قبیله سبب می‌شود سلاح قبیله نیز به نفع انصارالله به میدان بیاید و هم در طول درگیری‌ها و هم پس از فتح هر منطقه، امنیت هر شهر و روستا با جوانان بومی همان منطقه و اسلحه شخصی آنان تأمین شود.

۳. غذا: نیاز دیگر و مهم هر کشوری در طول جنگ، تأمین غذایی مردم و جبهه‌هاست که با توجه به محاصره همه‌جانبه، اوضاع در یمن به شدت وخیم و در حال تبدیل شدن به بحران گرسنگی است؛ اما قبیله که قطب تولید محصولات کشاورزی در یمن شمرده می‌شوند، ضمن تأمین نیازهای اولیه خود، گاه با ارسال محموله‌های غذایی به جبهه‌ها، رزمندگان و نیروهای مستقر در میدان جنگ را نیز از امکانات غذایی بهره‌مند می‌کنند. در مقابل، انصارالله نیز در طول جنگ نتوانسته است این مهم را به سران و اشراف قبیله اثبات کند که در تأمین امنیت و اداره مناطق تحت سیطره خود کارآمدتر از دولت مستعفی عمل کرده است و همین امر موجب شد در آزادسازی مناطق شرق صنعا و استان الجوف، سران قبیله با آغوش باز پیشنهاد ائتلاف با انصارالله را بپذیرند. برخی مشوق‌های انصار، همچون آزادسازی اسرای قبیله درگیر در جنگ و صدور عفو عمومی برای تعدادی از قبیله نیز به موفقیت بیشتر «دیپلماسی قبیله» در یمن افزوده است.

با توجه به اینکه کانون درگیری آینده در یمن استان مأرب، یعنی آخرین پایگاه حزب اصلاح و قطب اقتصادی یمن خواهد بود، باید منتظر بود و دید آیا انصارالله می‌تواند قبیله این استان را نیز مجاب به هم‌پیمانی با خود کند یا خیر؟

شکست حداکثری ترامپ

فراهم می‌کند. سوریه گرسنه نخواهد ماند، تسلیم نخواهد شد و با تجاوزگری آمریکا و قانون سزار (قیصر) که به منزله اعلام جنگ است، مقابله خواهد کرد.

نژادپرستی را پایان دهید

فارین پالیسی: آنچه در ایالات متحده و در آفریقا کمتر شناخته شده است، این است که واشنگتن امروز، مسئول خشونت‌های مداوم علیه آفریقای‌ها در آفریقا است. نظامی‌گری ایالات متحده در این قاره ناگزیر منجر به کشته شدن غیرنظامیان غیرمسلم در سومالی و جاهای دیگر آفریقا می‌شود و بازتاب قتل سیاه‌پوستان آمریکایی به دست پلیس است. تقویت حضور ارتش آمریکا در آفریقا، در واقع زانوی یک سفیدپوست آمریکایی بر کردن آفریقا است. آفریقایی‌ها در طول تاریخ اهداف این خشونت بودند، چه به صورت برده، چه به صورت آزاد، مهاجر یا در خانه‌شان در قاره آفریقا. درخواست‌های امروز ما برای خاتمه نژادپرستی نهادینه و نظامی‌سازی قوی در ایالات متحده آمریکا باید شامل درخواست خاتمه نژادپرستی نهادینه سیاست خارجی آمریکا هم باشد.

فشار حداکثری بی نتیجه

واشنگتن‌پست: سیاست اعمال فشار حداکثری دولت ترامپ که علیه ایران با هدف وادار کردن آن به حضور مجدد پای میز مذاکره بر سر یک توافق هسته‌ای جدید، و علیه ونزوئلا با هدف وادار کردن «نیکلاس ماسدورو» به کناره‌گیری از قدرت اعمال شده، دو کشور هدف تحریم‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده و سبب شده است آنها در صدد به چالش کشیدن آمریکا و خجالت‌زده کردن آن در جامعه بین‌المللی برآیند.

سوریه شکست نمی‌خورد

رای‌ال‌یوم: ائتلاف آمریکا و اسرائیل نتوانست نظام سوریه را با پشتیبانی مخالفان مسلح، مداخله مستقیم نظامی و هزینه‌های میلیاردی از خزانه‌های خود، هم‌پیمانان و متحدانش در حوزه خلیج فارس سرنگون کند و امروز، به دنبال اجرای سناریوی عراق به شکل معکوس است؛ یعنی آغاز محاصره اقتصادی برای به زانو درآوردن ملت سوریه و سوق دادن آنها به سمت جست‌وجوی جایگزین (نظام) و راهی از این وضعیت که زمینه تهاجم سپس اشغال این کشور از سوی آنها را

چهره‌عریان غرب

نگاهی به آنچه در آمریکا می‌گذرد



حسن مرداخانی

کارشناس مسائل سیاسی

«ژان بودریار» نویسنده پست‌مدرن فرانسوی در کتاب «آمریکا» بیان می‌کند آمریکا «وفور معنا، در مقابل بیابان‌های بی‌معنایی» و «معجزه امر مستهجن» است. توصیف آمریکا از زبان بودریار چنین است: «آنچه اهمیت دارد، نه کشف آداب و رسوم محلی، بلکه کشف غیراخلاقی بودن فضایی است که باید در آن مسافرت کنید، و این امر، مسئله کاملاً متفاوتی است. اینجا در اخلاقی‌ترین جامعه‌ای که وجود دارد، فضا حقیقتاً غیراخلاقی است. اینجا در کلیسایی‌ترین جامعه، ابعاد غیراخلاقی هستند. در این سفر تنها سؤال این است: تا کجا می‌توانیم در ناپودی معنا پیش برویم؟ ویرانی مدرن واقعاً شگفت‌انگیز است. تحمل احمقانه تمدنی ثروتمند، تمدنی که با این همه شاید مثل شکارچیان بدوی از تاریکی شب می‌ترسند. برای اروپایی‌ها، حتی امروز، آمریکا باز نمود چیزی شبیه تبعید است، نوعی فانتزی مهاجرت و بنابراین، شکلی از درونی‌سازی فرهنگ خود آنها. آمریکا از مسئله اصل و نسب ظفره می‌رود، نه اصل و نسبی را پرورش می‌دهد و نه اصالتی اسطوره‌ای را، هیچ گذشته و حقیقت بنیادینی ندارد. مسا در اروپا گرفتار روال قدیمی پرستش تفاوت هستیم؛ به همین دلیل وقتی نوبت به مدرنیته تمام‌عیار می‌رسد که مبتنی بر فقدان تفاوت است، معلولیت مهمی پیدا می‌کنیم، فقط با نهایت اکراه مدرن و بی‌تفاوت می‌شویم؛ به همین دلیل مدرنیته ما تا این حد بی‌فروغ است؛ به همین دلیل کارهای ما فاقد روح مدرن است. ما حتی نبوغ شیطانی مدرنیته را هم نداریم؛ همان نبوغی که نواوری را به افراط می‌کشاند و با این کار نوعی آزادی ناممکن را از نو کشف می‌کند. از این جهت، به نظر ما، کل آمریکا بیابان است. فرهنگ در آنجا در حالتی وحشی به سر می‌برد، هرگونه عقل و زیبایی‌شناسی را در جریان بازنویسی به صورت امر واقعی، قربانی می‌کند. بدون شک این

وحشی‌گری ناشی از مرکززدایی اولیه در قلمرو بکر است، گرچه مسلماً آن را بدون موافقت سرخ‌پوستان به دست آورده است، همان سرخ‌پوستانی که آنها را نابود کرد.» کشته شدن «جورج فلویید» در سال ۲۰۲۰، ادامه روند بهره‌کشی نظام غرب از بردگانی بود که پس از قرون وسطی از کشورهای آفریقایی و آسیایی به اروپا و آمریکا منتقل می‌شدند تا تحت استثمار وحشیانه نظام سرمایه‌قرار گیرند. هر ساله در آمریکا، جورج فلوییدهای بسیاری قربانی آرایش طبیعی شان، یعنی رنگ پوست‌شان و به تعبیری نژادپرستی می‌شوند که خطوط درخشان «آلکس هیلی» در کتاب «ریشه‌ها» را برای آدمی تداعی می‌کند. جورج فلویید در واقع جزء نقش‌های اصلی کتاب ریشه‌هاست. مرگ او نتیجه عملکرد سیستمی است که فرایند آن در نحوه برخورد غربی‌ها با سیاه‌پوستان در کتاب ریشه‌ها نقش بسته و جنبش ضد نژادپرستی که در آمریکا به وقوع پیوسته است و به سایر نقاط دنیای سرایت می‌کند. مرگ جورج فلویید نتیجه عینی اخلاق مدرن غربی بود که به تعبیر خودشان هیچ‌گونه ارتباطی با دیانت نداشت؛ چراکه فاتحه دیانت را از قرون وسطی خوانده بودند. اخلاق مدرنی خواهد بود که ریشه انسانیت را به زرق و برق مدرنیته فروخته است. از آنجا که آمریکا اولویت اصلی خود را به سیاست‌های تهی نمودن انسان از معنا اختصاص داده، به پوچی عمیقی در راستای انسانیت رسیده است. جنبشی که از قبل مرگ جورج فلویید در آمریکا شکل گرفت، افتادن تکه‌های دومینوی نظام سرمایه‌داری از جنبش وال‌استریت و اعتراضات خیابانی فرانسه تا جنبش ضدنژادپرستی آمریکاست که نهایتاً باید به برافتادن کلیت نظام سرمایه‌داری بینجامد. مشاهده تکه‌های پازل افول قدرت آمریکا با تکمیل آخرین مهره‌های این پازل، می‌تواند به فروپاشی چنین قدرتی منتهی شود که پس‌لرزه‌های آن را ورود نفت‌کش‌های ایران با پرچم ایران به حیاط خلوت آمریکا در ونزوئلا به صدا درآورده است.



ورود به منطقه ناشناخته

گاردین: الحاق کرانه باختری به اسرائیل همه چیز را بدتر خواهد کرد؛ از جمله ریسک‌های کوتاه‌مدت و سقوط تشکیلات خودگردان فلسطین و پایان یافتن آنچه توافق اسلوبا باقی مانده است و می‌توان انتظار بحران در روابط اسرائیل با اردن و مصر و هم‌پیمانان دوفاکتوی آن در خلیج فارس و فراتر از آنها از سرگیری خشونت‌ها را در پی داشته باشد. این موضوع همچنین سبب بی‌ثباتی یک منطقه حساس می‌شود. الحاق یک‌جانبه اراضی منجر به این خواهد شد که نزاع میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها وارد منطقه ناشناخته‌شود.

جهان

شماره ۹۵۵ | دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

سوریزاسیون لیبی

غلامعلی مصطفوی

کارشناس مسائل ترکیه

با شروع بحران در لیبی، ناتو و قطر به عنوان نخستین بازیگران و به دنبال آنها کشورهای عربی مخالف قطر، همچون عربستان، امارات و مصر که مخالف به قدرت رسیدن «جنبش‌های اخوانی» در منطقه هستند، وارد بحران این کشور شدند؛ کشورهای مذکور با حمایت از «خلیفه خنصر» به دنبال این هستند که وی همان نقشی را در این کشور ایفا کند که «السیسی» در مصر بازی کرد؛ هر چند این کشورها هنوز هم در معادلات لیبی دخالت می‌کنند، اما وقتی بحث از نقش آفرینی قدرت‌های خارجی به میان می‌آید، بیشتر توجهات روی دو کشور ترکیه و روسیه معطوف می‌شود. جدای از انگیزه‌های ورود دو کشور روسیه و ترکیه به بحران لیبی، آنچه اخیراً به آن توجه شده است، احتمال توافق دو کشور در لیبی و تکرار سناریوی سوریه است. چنین اقدامی اولین بار نیست در روابط دو طرف به چشم می‌خورد؛ پس از گسترش روابط دو کشور در مسائل منطقه‌ای، هر زمان اوضاع به نقطه حساس و بحرانی می‌رسد، رؤسای جمهور ترکیه و روسیه در اقدام مشترک، بحران را تحت کنترل در می‌آورند؛ در واقع می‌توان گفت تناقضی در رویکرد و سیاست‌های دو کشور نسبت به هم وجود دارد؛ از یک سو مقابل هم قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر برای رسیدن به یک راه حل سیاسی و دیپلماتیک با هم همکاری می‌کنند. تحولات اخیر لیبی نشان می‌دهد این کشور به دو راهی جدید و پیچیده‌ای وارد شده است. در چنین شرایطی تلاش‌های روسیه برای شکل‌گیری مذاکرات نشان می‌دهد طرف‌های درگیر به دنبال اجرای مدل سوریه در لیبی هستند؛ یعنی در عین درگیری، همکاری و هماهنگی را ادامه می‌دهند. در هر دو کشور نیروهای دولتی که سازمان ملل آنها را تأیید کرده است، کنترل اوضاع را برعهده دارند، با این تفاوت که موضوع رویکرد بازیگران اصلی متفاوت است. در سوریه حمایت ترکیه از مخالفان مسلح نظام حاکم بوده است، اما در لیبی، ترکیه از نیروهای دولتی حمایت می‌کند. برعکس، سیاست روسیه حمایت از «بشار اسد» در سوریه و حمایت از مخالفان «فائز سراج» دولت قانونی لیبی است. در صحنه سوریه با توجه به اینکه برتری میدانی با بشار اسد و حامیان وی است در صورت بروز درگیری میان نیروهای دولتی و معارضان، ابتکار عمل در دست حاکمیت است؛ بنابراین ترکیه، دیپلماسی و بازگشت به میز مذاکرات را راه حل مناسبی برای جلوگیری از گسترش نیروهای دولتی و حامیان آنها و همچنین باقی ماندن در صحنه سوریه می‌بیند؛ اما در صحنه لیبی با توجه به برتری میدانی با سراج و حامی وی ترکیه، این روسیه است که بحث دیپلماسی را راهکار مناسبی عنوان می‌کند. اجرای سیاست فوق به برخی عوامل و شرایط بازیگران فعال در این کشور بستگی دارد. بازیگران صحنه لیبی مخالف توافق ترکیه و روسیه هستند؛ چراکه همکاری دو کشور منجر به تضعیف جبهه غربی در این کشور خواهد شد. همچنین کشورهای غربی و برخی کشورهای مدیترانه شرقی از همکاری ترکیه و روسیه در لیبی نگران هستند. این کشورها خاطره خوبی از همکاری ترکیه و روسیه، از جمله خرید سامانه اس-۴۰۰ و ورود سیستم دفاعی روسی به حوزه استحفاظی ناتو ندارند. کشورهای مدیترانه، از جمله یونان، قبرس و مصر نیز از افزایش نقش ترکیه در تحولات لیبی و تبدیل شدن آن به کشور محوری در این تحولات که سبب افزایش چانه‌زنی آن در میز مذاکرات مربوط به مسئله انرژی در شرق مدیترانه خواهد شد، نگران هستند.

یادداشت

بانک وکیل است نه مالک!

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد



شکی نیست ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی ایران در یک دهه اخیر، مانند افزایش نرخ تورم و بیکاری و... هدایت نشدن نقدینگی‌ها به سمت فعالیت‌های مولد و جهت پیدا کردن نقدینگی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه یا غیر مولد است. در این میان نمی‌توان نقش نظام بانکی به عنوان محلی برای تأمین سرمایه فعالیت‌های اقتصادی در ایران را نادیده گرفت؛ یکی از ایرادات بزرگ نظام بانکداری ایران را می‌توان تشخیص ندادن وکالت و مالکیت منابع بانکی از سوی بانک دانست. بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، منابع سپرده‌گذاران بانکی باید در ۱۳ عقد، از جمله مضاربه، مزارعه، فروش اقساطی، مشارکت، قرض الحسنه، سرمایه‌گذاری مستقیم و... در اختیار متقاضیان قرار گیرد. در این میان و در تمام عقود (غیر از عقد سپرده‌گذاران ندا و صرفاً بر اساس جایگاه و نقش تخصصی خود وکیل سپرده‌گذاران است؛ موضوعی که البته صرفاً روی کاغذ می‌آید و در مقام عمل به گونه‌ای دیگر است. به این توضیحات دقت کنید:

من از شما مبلغی را قرض می‌گیرم. طبیعی است طبق نظر شارع مقدس، این قرض صرفاً می‌تواند قرض الحسنه باشد. قرض دهنده عاقل است و کسی او را مجبور به انجام این کار نکرده است؛ در واقع در عقد قرض، قرض دهنده با نیت خیرخواهانه حاضر می‌شود برای مدت مشخصی پول خود را (مالکیت پول خود را) در اختیار قرض گیرنده قرار دهد؛ یعنی عموماً هیچ قرض دهنده‌ای نحوه هزینه‌کرد مبلغ قرض داده‌شده را مشخص نمی‌کند؛ برای نمونه وقتی فردی به فرد دیگری قرض الحسنه می‌دهد، برای مدت مشخصی مالکیت پول خود را به قرض گیرنده منتقل کرده است و قرض گیرنده را مجبور به هزینه‌کرد این پول در مسیر یا موضوع مشخصی نمی‌کند. در نظام بانکی نیز عقد قرض به همین گونه است؛ یعنی بانک به عنوان قرض دهنده (نه نمایندگی از سپرده‌گذاران حساب‌های قرض الحسنه) مالکیت پول خود را برای مدت مشخصی به افراد متقاضی وام قرض الحسنه واگذار می‌کند، اما نکته جالب در نظام بانکداری ما این است که موضوع انتقال مالکیت سپرده‌ها به بانک و بانک به وام‌گیرندگان فقط و فقط باید در عقد قرض وجود داشته باشد و در مابقی عقود سپرده‌گذار وکالت منابع خود به مالکیت منابع رده به بانک واگذار می‌کند، اما آنچه امروز در نظام بانکداری ایران رخ داده، این است که اگر چه در ظاهر، عقود مختلفی با عناوین مختلف در قانون بانکداری بدون ربا وجود دارد، اما تمام منابع بانکی تحت لوای یک عقد (عقد قرض ربوی) درآمده و بانک تبدیل به مالک (نه وکیل) منابع سپرده‌گذاران خود شده است؛ مالکی که هر کاری را صلاح می‌داند و سود و منفعت بیشتری برایش به همراه دارد، با این منابع انجام می‌دهد. تشخیص ندادن وکالت و مالکیت منابع و سپرده‌های بانک‌ها سبب تولد و گسترش پدیده‌هایی چون مطالبات معوق و بنگاهداری بانک‌ها شده است؛ ریشه تمام این مشکلات در یک عبارت ساده است: «بانک‌ها وکیل سپرده‌های مردم هستند، نه مالک آنها.»

معاون اسبق بانک مرکزی در گفت‌وگو با صبح صادق

خلق پول فساد آفرین است

افزایش لجام‌گسیخته نقدینگی، هدایت نشدن منابع بانکی به سمت فعالیت‌های مولد، نقش نقدینگی در افزایش تورم و چالش‌های موجود در ساختار نظام بانکی ایران از جمله مباحثی است که هفته‌نامه صبح صادق در گفت‌وگو با «دکتر حیدر مستخدمین حسینی» آن را بررسی کرده است. مستخدمین حسینی، به سبب مسئولیت‌هایی، چون معاونت وزارت اقتصاد، معاونت بانک مرکزی و ریاست هیئت مدیره بورس طی دو دهه اخیر، از جمله افرادی است که تسلط بالایی روی مباحث روز اقتصاد ایران از جمله مسائل مربوط به نظام بانکی و مسائل پولی و مالی دارد. او در این گفت‌وگو دلایل افزایش نقدینگی و ریشه‌های آن طی یک دهه اخیر را ذکر کرده و معتقد است هر میزان از نقدینگی افزایش یافته که منجر به تولید کالا نشود، تأثیر مستقیمی بر افزایش تورم در سال‌های آینده خواهد داشت. متن کامل این گفت‌وگو از نظر تان می‌گذرد:



حمید رضا جوانبخت

خبرنگار



آقای دکتر، اگر اجازه بدهید گفت‌وگو را با موضوع افزایش حجم نقدینگی، دلایل و پیامدهای آن آغاز کنم. آمارها حکایت از رشد ۲۵ درصدی نقدینگی در سال دارد. پرسش مشخص من این است که جدا از نحوه هدایت نقدینگی، اصلاً چنین افزایشی معقول و طبیعی است؟

اجازه بدهید قبل از پاسخ به این پرسش این موضوع را بررسی کنیم که اصولاً مرز کشورها و جوامع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته یا مقوله پیشرفت و پسرفت را می‌توان بر اساس میزان از رشد نقدینگی در یک کشور در تولید و چه میزان از این افزایش در تورم نشسته مشخص می‌شود؛ اگر آمار کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته را بررسی کنید، خواهید دید درصد پایینی از ارقام رشد نقدینگی در تورم می‌نشیند و عمده آن به سمت تولید می‌رود؛ از این رو در گام اول مسئله مهم، هدایت نقدینگی است. اگر جامعه‌ای رشد ۲۵ درصدی نقدینگی داشته باشد، اما ۲۲ درصد از این افزایش به سمت تولید برود، یعنی فقط ۳ درصد آن در تورم می‌نشیند که این روند عادی است و مشکلی ایجاد نمی‌کند.

منظورتان این است اگر نقدینگی ایجاد شده منجر به تولید کالا نشود، خودش را در تورم نشان خواهد داد؟

بله، صددرصد.

خب حالا با توجه به شرایط اقتصاد ایران، افزایش نقدینگی به گونه‌ای است که بخش قابل توجهی از این نقدینگی به سمت تولید نمی‌رود. به نظر تان دلیل ریشه‌ای این موضوع چیست؟

یکی از دلایل ریشه‌ای آن، ساختار اقتصادی ماست که بیشتر به سمت بخش واردات سوق پیدا کرده است. واردات هم راحت‌تر و ارزان‌تر است و هم در دسترس‌تری دارد؛ ضمن اینکه منافع عده‌ای نیز در میان است؛ اما تولید شناسنامه‌دار است و باید عوارض و مالیات پرداخت کند. یکی از مباحث و انتقادات به دولت این است که چرا دولت به دنبال ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، مثل مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد نیست؟ فلسفه اصلی وجود کارت ملی و کد اقتصادی برای هر فرد این است که هر ایرانی یک شناسنامه داشته باشد و تمام هزینه‌ها و درآمدهای آنها شناسنامه‌دار باشد؛ پس دلیل اول پاسخ به این پرسش که چرا این نقدینگی در ایران به سمت تولید نمی‌رود، به ساختارهای اقتصادی ایران مربوط است؛ نکته بعدی این است که از گذشته همواره یک نظم و ضابطه‌ای درباره نقدینگی وجود داشت؛ این نظم حتی تا اواخر دهه ۷۰ نیز بود، به گونه‌ای که در اسفندماه در بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار درباره سیاست‌های اعتباری بحث، بررسی و تصمیم‌سازی صورت می‌گرفت؛ نتایج این مباحث نیز به ملاحظه رئیس جمهور می‌رسید و رئیس جمهور آن را تأیید

می‌کرد. در آنجا سیاست‌های اعتباری به گونه‌ای بود که برای سال بعد تعیین می‌شد؛ برای نمونه باید صنعت ساختمان فعال شود، یا به بخش کشاورزی توجه ویژه‌ای شود، یا تعیین می‌شد که برای سال آینده باید از این ۱۰۰ درصد تسهیلات، ۲۵ درصد در اختیار بخش مسکن و مثلاً ۲۰ درصد در اختیار بخش صنعت قرار بگیرد؛ اما الان بیش از یک دهه است که این موضوع لحاظ نمی‌شود و حذف شده است؛ در واقع این اختیار به بانک‌ها داده شد که هر طور خواستند تسهیلات را به بخش‌های مختلف پرداخت کنند. به نظر من این سیاست نشان‌دهنده این است که اقتصاد رهاست؛ یعنی مشخص نیست که هدف دولت برای پنج سال یا حتی یک سال آینده چیست تا در اسفند ماه هر سال برای سال بعد تصمیم بگیرد.

این موضوع به صورت قانونی حذف شده است؟

نه، این موضوع یک‌باره حذف شد و الان بیش از یک دهه است که وجود ندارد.

در واقع اختیارات بانک‌های تجاری بیشتر شد و آنها این امکان را پیدا کردند به طریقی که خودشان می‌خواهند، تسهیلات بدهند.

احسنت، اگر ریشه‌یابی کنیم، این نقطه آغازی برای به هم ریختن وضعیت نقدینگی بود؛ حتی اگر خاطراتان باشد در دوران ریاست آقای مظاهری بر بانک مرکزی، من نیز در بانک مرکزی بودم؛ ما ابتدا بسته سیاستی و چند سالی بسته سیاست اعتباری می‌دادیم و در آنجا این موضوع را که به هر بخش چه درصدی از تسهیلات و منابع بانکی تعلق بگیرد، بررسی و مشخص می‌کردیم. آن زمان علاوه بر این موضوع، جهت‌دهی‌ها را هم اضافه کردیم؛ اما این ماجرا سبب شد این روند به هم بریزد و بانک‌ها بر اساس اختیارات و سلاقی خودشان تسهیلات دهند. در این شرایط بانک‌ها، به خصوص بانک‌های بخش خصوصی بیشتر به سمت فعالیت‌های غیر تولیدی رفتند؛ چراکه این نوع تسهیلات‌دهی راحت‌تر بود. طبیعتاً وقتی شما برای واردات تسهیلات می‌دهید، منابع این تسهیلات مثلاً سه ماهه به بانک بر می‌گردد و بانک مجدداً می‌تواند تسهیلات دهد؛ اما تولید این گونه نیست، در تسهیلات‌دهی به بخش تولید هم سختی‌های کار بیشتر است و هم بازپرداخت منابع زمان‌بر است؛ چراکه به هر حال باید کالاهای تولیدشده به فروش برسند.

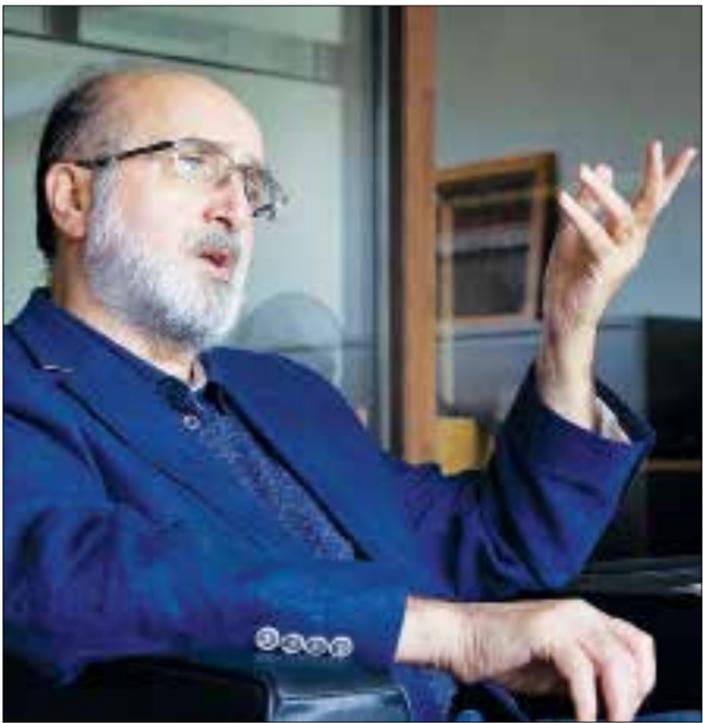
ضمن اینکه سوق یافتن تسهیلات بانکی به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی و کوتاه‌مدت، سرعت گردش پول را هم افزایش می‌دهد.

دقیقاً همین طور است. الان سال‌هاست رهبر معظم انقلاب روی موضوع تولید تأکید دارند. برای تحقق این امر باید سازوکار عملیاتی و اجرایی آن در سیاست‌های پولی و مالی قانونمند شود؛ در حالی

که ما چنین چیزی نداریم. در بحث حمایت از تولید جز توصیه هیچ موضوع عملیاتی از سوی دولت‌ها و سیاست‌گذاران دیده نمی‌شود. با این روند حمایت از تولید اتفاق نمی‌افتد؛ از این رو اقدام اول این است که سیاست‌های پولی مان را در این جهت هدایت و هدفمند کنیم.

آقای دکتر، جدا از مباحثی که گفتید و اینکه این نقدینگی به سمت تولید هدایت می‌شود یا نه، اصل این افزایش ۲۵ تا ۲۰ درصدی حجم نقدینگی در سال طبیعی است؟ برخی می‌گویند اگر نقدینگی موجود و میزان افزایش نقدینگی به مسیر درستی هدایت شود؛ نه تنها مشکل‌زا نیست، بلکه فرصت است؛ اما برخی دیگر معتقدند اصلاً این رشد نقدینگی عجیب است، به طوری که ما بعد از کشورهایمانند ونزویلا و سودان بیشترین حجم رشد نقدینگی در سال ۲۰۱۸ را داشته‌ایم. نظر شما چیست؟

اصلاً اینطور نیست که این رشد، طبیعی باشد؛ البته از طرفی این نکته که اگر این نقدینگی هدایت شود، مشکلی پیش نمی‌آید نیز درست است؛ اما اینکه بگوییم این رشد نقدینگی طبیعی است، گزاره اشتباهی است. اصل و فلسفه کلی بانک تجهیز و تخصیص منابع است؛ اما بانک‌های ما خلق اعتبار و خلق پول می‌کنند و این خلق اعتبار و خلق پول مضراتی دارد. اگر افزایش نقدینگی بر پایه برنامه مشخصی نباشد، بانک‌ها می‌توانند بی‌نیابت اعتبار ایجاد کنند؛ برای نمونه اگر فردی از بانک الف ۱۰۰



واحد تسهیلات بگیرد و این منابع را در همان بانک یا در بانک دیگری سپرده‌گذاری کند، وقتی پول در بانک ب سپرده‌گذاری می‌شود، بانک ب سپرده قانونی را برمی‌دارد و مابقی آن را به حساب نصف یا دوبرابر یا به همان اندازه تسهیلات می‌دهد؛ در واقع به پشتوانه پولی که در بانک گذاشته‌ایم، تسهیلات جدیدی پرداخت می‌شود؛ اینجا بانک خلق پول کرده است. من آن مبلغ اولیه به علاوه مبلغی را که به من اعتبار داده شده است یا در همان بانک یا بانک سوم سپرده‌گذاری می‌کنم، بانک سوم نیز دوباره نصف، معادل یا دوبرابر این سپرده به من تسهیلات می‌دهد، باز دوباره و دوباره این روند تکرار می‌شود؛ یعنی از یک پول اولیه که ۱۰۰ واحد بود، من به حدود ۴۰۰ واحد رسیده‌ام که این در واقع همان خلق پول یا ایجاد نقدینگی است؛ یعنی افراد این منابع را وارد بازارهای مختلف می‌کنند و همین نقدینگی‌ها موجب گرانی دلار یا مسکن می‌شود؛ در واقع یکی از کانون‌های فساد همین خلق پول از سوی بانک‌هاست که اگر دولت، به ویژه بانک مرکزی در این زمینه محدودیت ایجاد نکند، مسائل دیگر نیز سامان نمی‌یابد. زمانی که من در بانک مرکزی حضور داشتم، اگر خاطر تان باشد آمدم و منابع را سه‌گفته و شش‌گفته کردیم و به بانک‌ها اجازه ندادیم از منابع بانک‌ها برداشت کنند. بانک‌ها معمولاً بین ۸۰ تا ۸۵ درصد منابع‌شان را تسهیلات می‌دهند، اما وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم خیلی از بانک‌ها بالای ۱۰۰ درصد منابع‌شان را تسهیلات می‌دهند؛ در واقع آمده‌اند ۱۲۰ تا ۱۳۰ درصد تسهیلات داده‌اند که این اضافه را از بانک مرکزی برداشت کردند؛ در واقع تسهیلات داده‌اند و اصطلاحاً چک کشیده‌اند و بانک مرکزی هم پرداخت کرده است.

افزوده

تفاوت توسعه و رشد

میان دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» باید تمایز قائل شد؛ چرا که رشد اقتصادی، مفهومی صرفاً کمی است و عموماً در بازه‌های یک‌ساله سنجیده می‌شود، اما توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است که عموماً در میان‌مدت یا بلندمدت محقق می‌شود. توسعه اقتصادی را می‌توان رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی دانست؛ در واقع اصلی‌ترین تفاوت رشد و توسعه اقتصادی را می‌توان متکی بودن رشد به عوامل صرفاً کمی و اقتصادی دانست، در حالی که برای تحقق توسعه اقتصادی صرفاً پیشرفت‌های کمی کافی نیست.

شاخص

وضعیت قرمز

بر اساس گزارش «راشاتودی»، «ریک‌رول» مدیر عامل مؤسسه «استروت یو اس هلدینگز» می‌گوید: با توجه به اینکه اکثر شرکت‌های فعال در صنعت نفت شیل آمریکا به سبب افزایش شدید هزینه‌های سرمایه‌ای و پایین آمدن قیمت نفت در بازار جهانی ورشکست شده‌اند یا در معرض ورشکستگی قرار دارند، بعید است شاهد رشد دوباره این صنعت در آمریکا باشیم. وی معتقد است با وجود اینکه قیمت نفت در بازار جهانی نسبت به ماه آوریل که به حداقل رسیده بود، رشد کرده است و احتمالاً به روند افزایشی خود ادامه خواهد داد، اما این رویکرد مشکل شرکت‌های نفتی آمریکایی را حل نخواهد کرد.

منهای نفت

مصرف بهینه

کشور ما کشوری در حال توسعه است؛ از این رو برای دستیابی به توسعه، باید از همه منابع و امکانات کشور، از جمله منابع نفت و گاز، به بهترین نحو استفاده شود. نفت می‌تواند دو نقش عمده را ایفا کند؛ اول اینکه، درآمد حاصل از نفت می‌تواند منبعی برای تأمین سرمایه‌گذاری باشد؛ دوم اینکه، صنعت نفت و صنایع پستین و پیشین مرتبط با نفت می‌تواند به عنوان بخش‌های کلیدی، محرک و زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی کشور باشند؛ بنابراین صرف وجود نفت نمی‌تواند توجیه‌کننده وضعیت نامناسب اقتصادی کشور باشد؛ بلکه سیاست‌ها و مدیریت نامناسب منابع بهره‌برداری بهینه شده است.

لقبی که امام رضا(ع) به خواهر خود عطا فرمود

گفتاری از استاد شیخ حسین انصاریان



«منظور من، قبر شریف حضرت معصومه(س) در قم است.» سپس افزود: «به دلیل مصالحتی، خداوند می خواهد محل قبر شریف حضرت زهرا(س) پنهان بماند؛ از این رو قبر حضرت معصومه(س) را تجلی گاه قبر شریف حضرت زهرا(س) قرار داده است. اگر قرار بود قبر آن حضرت ظاهر باشد و جلال و جبروتی برای آن مقدر بود، خداوند همان جلال و جبروت را به قبر مطهر حضرت معصومه(س) داده است.» مرحوم مرعشی نجفی هنگامی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت رخت سفر بپوشد و به قصد زیارت حضرت معصومه(س) رهسپار ایران شود. وی بی درنگ آماده سفر شد و همراه خانواده اش نجف اشرف را به قصد زیارت کریمه اهل بیت(س) ترک کرد. (کریمه اهل بیت، ص ۴۳)

ماجرای این رؤیای صادقه به این شرح است: مرحوم آیت الله «سید محمود مرعشی نجفی» پدر بزرگوار آیت الله «سید شهاب الدین مرعشی(ره)» بسیار علاقه مند بود که محل قبر شریف حضرت صدیقه طاهره(س) را به دست آورد. ختم مجزی انتخاب کرد و ۴۰ شب آن را انجام داد. شب چهلیم پس از به پایان رساندن ختم و توسل بسیار، استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) مشرف شد. امام(ع) به ایشان فرمودند: «عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ»؛ یعنی به دامان کریمه اهل بیت(ع) جنگ بزن. ایشان به گمان اینکه منظور امام(ع) حضرت زهرا(س) است، عرض کرد: «قریانت کردم، من این ختم قرآن را برای دانستن محل دقیق قبر شریف آن حضرت گرفتم تا بهتر به زیارتش مشرف شوم.» امام(ع) فرمود:

امام رضا(علیه السلام) در روایتی فرمود: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ يَوْمَ كَسَنَ زَارَتِي»؛ هر کس معصومه(س) را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است. (ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸) این لقب، که از سوی امام معصوم(ع) به این بانوی بزرگوار داده شده، گویای جایگاه والای ایشان است. امام رضا(ع) در روایتی دیگر می فرماید: «هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در «قم» زیارت کند که ثواب زیارت مرا در می یابد.» (زبدة التصانيف، ج ۶، ص ۱۵۹)

یکی از مهم ترین القاب حضرت معصومه(س) «کریمه اهل بیت» است. این لقب نیز بر اساس رؤیای صادقه آن بانوی بزرگوار، از سوی اهل بیت(ع) به این بانوی گران قدر داده شده است.

امام و فهم قرآن

محمد عینی زاده موحد

دکترای تفسیر تطبیقی قرآن



«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ...» «خدا آیات را فرستاد، یک بخش آن آیات محکمات است که أم الکتاب هستند و یک سری از آیات متشابهات. آنها که در دلشان انحراف دارند و منافق هستند، آیات متشابه را تبعیت می کنند؛ زیرا دنبال فتنه هستند...» (آل عمران/۷) فتنه یعنی چه؟ فتنه یعنی جامعه ای که در آن رهبر معلوم نباشد. در فقه اهل سنت بابی هست با این موضوع که در زمان فتنه نماز جمعه را چه کسی باید بخواند؟ چون زمام امور دست فرد خاصی نیست، آیا می شود نماز جمعه را خواند یا نه؟ خداوند در آیه ۷ سوره آل عمران می فرماید: «منافقان از آیات متشابه برای فتنه استفاده می کنند؛ یعنی در جامعه، رهبری را گم می کنند تا جامعه دنبال رهبر الهی نباشد. اگر به این ویژگی دقت کنیم، در تعریف آیه محکم و متشابه نوعی روشنایی ایجاد می شود و معنای واقعی آن رخ می نماید. باید دید دشمن و منافق برای اینکه جامعه را به فتنه بکشاند، از کدام آیات استفاده می کند. در این آیه هم برای «لِيُغَيِّبُوا اللَّهُ» معنای مورد نظر خود را بیان می کند و برای آن مثال می آورد، یعنی می گوید: اگر شما گفتید یا علی، پس حضرت علی(ع) را عبادت کرده اید، و چون امام اول شیعیان غیر خداست، پس شما مشرک هستید و با گفتن یا علی، یا حسین و... برای خدا شریک قائل شده اید. پس می توان دریافت که «متشابه» یعنی معنای واقعی کلام الهی با معنای غلط جایگزین بشود و این دریافت اشتباه در جامعه رواج بیابد. اما این کار ناشایست را چه کسی رواج می دهد؟ «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ»؛ یعنی کسانی که در قلبشان میل و علاقه به باطل وجود دارد. واژه «زَيْغ» یعنی انحراف و کژ رفتاری؛ یعنی کسانی که قرآن را به میل باطل خود تفسیر و تأویل می کنند. آن کسی که امروز کل افغانستان، سوریه، عراق و امت اسلامی را به فتنه کشاند، چگونه به اینجا رسیده است؟ منافق با همین تصویرسازی غلط و منحرفانه، ریا در قرآنست قرآن و تدین ساختگی، ذهن افراد تشنه به علوم الهی را در زمینه های گوناگون دینی آلوده می کند و دشمن در پوشش دین داری، آنچه را به نفع خودش باشد، به آنها القا می کند. پس فقط با خوانده شدن آیات جامعه نجات پیدا نمی کند. آیات الله آن هنگام که از سوی رسول و نایبان برحقش تلاوت شود، جامعه را نجات می دهد؛ اما مگر تلاوت رسول و پیروان واقعی او چه ویژگی ای دارد؟ آیات الهی نور است، داروست. اگر یک طبیب حاذق و دلسوز بیماری را مداوا کند و آن را درست تشخیص دهد، دارویی که علاج بیماری است، تجویز کند و بیمار هم به آن نسخه عمل کند، این وضعیت منجر به شفای بیمار می شود. امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه تلاوت را نقطه مقابل تحریف آورده است و می فرماید: عده ای آیات را در جای مناسب به کار نمی برند. وقتی آیه در جای مناسب به کار نرود چه می شود؟ حضرت علی(ع) از جامعه ای به خدا شکایت می برد که جاهلان زندگی می کنند و گمراه می میرند. در این جامعه هیچ کالایی کسادتر از کتاب خدا نیست، وقتی در جای درست تلاوت نشود.

جنگ اسلام با دشمن سفاک و منافق

به مناسبت روز اول ذوالقعدة سالروز به درک واصل شدن اشعث بن قیس کندی

و بخشیده شد و ولایت آذربایجان را به عهده گرفت. اشعث تا شش ماه پس از خلافت امیرالمؤمنین(ع) در این سمت بود. حجر بن عدی از طرف امام(ع) به آذربایجان رفت و او را به مدینه آورد. (الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۱۱) از بدو ورودش به مدینه، امام(ع) با او برخورد تندی کردند و او را لایق استفاده از بیت المال مسلمانان ندانستند؛ اما او حسنین(ع) را به شفاعت گرفت تا امام(ع) مقداری درهم به او دادند و فرمودند: ای کاش این مقدار را هم نمی گرفتی. اشعث از مدینه بیرون آمد، به سمت کوفه عزیمت کرد و در آنجا سکنی گزید. او از فرماندهان سپاه امام علی(ع) در جنگ صفین بود که از حکمت «ابوموسی اشعری» پشتیبانی کرد و مانع ادامه جنگ با معاویه شد. اشعث فردی خودخواه از قبیله کنده و خصم مومن یمن بود. به سبب هم وطن بودن با مالک اشتر، همیشه دنبال برتری جویی نسبت به مالک و اثبات خود بود. گاهی این حسش توانست به او در برخی اتفاقات، مانند پس گرفتن شریعه از لشکر معاویه در جنگ صفین کمک کند؛ اما در کل این حسادت و وزیدن ها موجب سقوط او شد؛ زیرا معاویه وقتی این روحیه را در او پیدا کرد، به شیوه های مختلف سعی کرد با او ارتباط بگیرد و از حسادت او نسبت به مالک بهره ببرد.

همراهی نکردن مردم در عزل اشعث

اشعث امارت کنده و ربیع را بر عهده داشت، اما امام علی(ع) او را از هر دو برکنار کردند. عده ای

اسلام موجب شد منافقانی چون اشعث قدرت یابند و با تمام توان شان اسلام، امامان شیعه و مسلمانان را تضعیف کنند و سبب شکست های زیادی شوند. اشعث هیبت و هویتی برای خود ساخته بود و مردم کورکورانه به دنبال او می رفتند و از او حرف شنوی داشتند؛ این حمایت ها موجب می شد در مقابل امیرالمؤمنین(ع) بایستد و صراحتاً با دستورات ایشان مخالفت داشته باشد و شکست های پی در پی را نصیب اسلام و مسلمانان کند. حضرت امام علی(ع) در خطبه ۱۹ نهج البلاغه درباره اشعث می فرماید: «... تو چه می فهمی چه چیز به ضرر یا به سود من است؟ نفرین خدا و نفرین کنندگان بر تو باد، دروغ باف پسر دروغ باف، منافق کافر زاده، در بی عقلی تو همین بس که دو بار اسیر شدی؛ یک بار در حال کفر و دیگر بار در اسلام. مال و تبارت هم موجب نجات تو نشد. آری، آن کس که برای دشمن جاسوسی کند و خاندان خویش را به کشتن دهد، سزوار خشم و دشمنی نزدیکان و بی اعتمادی غریبان خواهد بود.»

زندگی و رفتار اشعث

«أَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ كَنْدِيُّ» ۲۳ سال قبل از هجرت به دنیا آمد. در سال دهم هجرت مسلمان شد؛ اما پس از شهادت پیامبر(ص) مرتد شد و قبیله خود را از دادن زکات منع کرد. او بیکر گروهی را به جنگ با او فرستاد که او را محاصره کردند و دست بسته به مدینه آوردند. او قول هایی داد

حجت الاسلام سید حسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف



یکی از کارهای منافق این است که دقیقاً در لحظه ای که همه توان ها باید برای یاری اسلام و دفع شرارت دشمنان به کار گرفته شود، با رفتار و گفتاری خاص میان مسلمانان تفرقه می اندازد و وحدت را متزلزل می کند. منافق هیچ وقت آن کاری را که باید انجام شود، انجام نمی دهد و با سنگ اندازی و ایجاد مانع در برابر انجام کارهای اساسی و بنیادین، خسارت عظیمی به اسلام و مسلمانان وارد می کند. منافقان گاهی مخفیانه میان امت می خزند و توطئه می کنند، و گاهی با تزویر و مکر در میان امت هویتی جعل و آشکارا کارشکنی می کنند. بی شک یکی از جسورترین منافقان در صدر اسلام «اشعث بن قیس کندی» بود. او به صورت آشکار با حق مخالفت می کرد و خسارت های مادی و معنوی بسیاری به اهل قبیله خود و مسلمانان وارد کرد. پیش از مرور زندگانی اشعث، باید پرسید آیا منافقان به تنهایی کار خود را جلو می برند یا کسانی هستند که آنها را یاری کنند؟ اگر نگاهی به صفحات تاریخ ببینیم، می بینیم منافقان از حمایت های نرم افزاری و سخت افزاری برخوردار بودند؛ قسم اول را «ابلهان» نمایندگی می کنند و قسم دوم را «دشمنان»؛ به عبارتی، بلاهت مردم در صدر

نهی از ضرر رساندن حتی کوچک

کردند. «یکارین ابی بکر حضری» از حضرت ابی عبدالله(ع) می پرسد: «شخصی به قلع و ظرف طعامش می دمد، این چه صورت دارد؟ حضرت می فرماید: اشکالی ندارد فقط مکروه است، مشروط به اینکه با شخص دیگری باشد؛ زیرا مکروه است با دمیدن، هم غذای خود را از تناول معاف دارد. و نیز پرسید: فوت کردن شخص در طعام چه صورت دارد؟ فرمود: «مگر قصدش این نیست که غذا سرد شود؟» عرض کرد: آری، فرمود: «اشکالی ندارد.» ائمه اطهار(ع) با مکروه اعلام کردن یک فعل می خواهند برخی از رفتارهای عادی ما که تعرضی هرچند کوچک به هم نوعمان است از ما نهد؛ به این دلیل است که می توانیم به قبیح بودن برخی رفتارهای به اصطلاح عادی و کوچک که نوعی آزار است، پی ببریم. در این زمینه مثلاً هر کار غیر بهداشتی که مضر به افراد دیگر باشد، نوعی بی اخلاقی به شمار می آید که برخی از آنان تناول کنند که ائمه(ع) این کار را نوعی بی انصافی دانستند و مردم را از آن نهی

در مکتب تشیع به کسی که درس فقه خوانده و قدرت استدلال و استنباط داشته باشد و بتواند احکام اسلامی را از میان احادیث استخراج کند، می گویند مجتهد؛ یعنی دارای قدرت اجتهاد. مجتهد در استنباطات خود باید به اصطلاحات لغوی، عرفیات، خلیقات و عادات مردم صدر اسلام و زمان زندگی اهل بیت(ع) آشنا باشد تا افعال و رفتار آنها در نحوه پاسخ گویی ائمه(ع) به پرسش ها را بفهمد و در صدور فتوای حلیت، حرمت، استحباب، کراهت و حتی اباحه به کارش بگیرد؛ برای نمونه زیاد شنیده ایم در احکام یا احادیث، دمیدن یا فوت کردن به غذا را مکروه دانستند، گاهی هم خودسر استنباطات علمی به آن اضافه کردیم. اما، حقیقت آن است که در زمان ائمه(ع) مردم، در غذا خوردن ظرفی مشترک داشتند و برخی افسرد با دمیدن به غذا قصد می کردند شریک خود را از خوردن غذا منصرف کنند و تنها همه غذا را تناول کنند که ائمه(ع) این کار را نوعی بی انصافی دانستند و مردم را از آن نهی

پاداش به نیت خیر مؤمن

بی قید بار آمده و نتوانسته است خود را در مسیر اخلاق الهی تربیت کند. ضمن آنکه نیت مؤمن آفت زده نمی شود، ولی علمش می تواند آسیب پذیر باشد. «زید شحام» می گوید محضر مبارک حضرت ابی عبدالله امام صادق(ع) عرض کردم، شنیده ام که فرموده اید: «نیت مؤمن از عملش بهتر است.» سؤال این است که چگونه نیت، بهتر از عمل است؟ حضرت(ع) فرمودند: «زیرا عمل بسا از روی ریا صورت گرفته در حالی که نیت خالص برای پروردگار است؛ از این رو حق تعالی، در مقابل نیت چیزی عطا می فرماید که در قبال عمل منظور نمی کند.» حضرت امام صادق(ع)، به عنوان شاهد این گفتار فرمودند: «بنده ای در روز نیت می کند که در شب نماز نافله بخواند؛ ولی به واسطه غلبه خواب این عبادت از او فوت می شود. حق تبارک و تعالی برایش نماز ثبت و ضبط کرده و نفسش را تسبیح و خوابش را صدقه به شمار می آورد.» ضمن آنکه، اگر کافر نمی تواند نیت خیر داشته باشد؛ به دلیل تربیت اخلاقی ناپاک اوست.

امتیازدهی اسلام به انسان ها حتی با مکتب های فکری و دینی دیگر فرق دارد. خداوند ارزش گذاری ها را بر مبنای نیت قلبی قرار می دهد و فقط به ظاهر افراد توجه نمی کند. به همین منظور در دین اسلام به نیت افراد اهمیت ویژه ای داده می شود. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «بی تردید اعمال به نیت ها بستگی دارند و بی گمان، آن از آن هر کس، همان چیزی است که نیت کرده (و در اندیشه گذرانده) است.» همچنین حضرت امام علی(ع)، می فرمایند: «نیت درست یکی از دو عمل است.» امیرالمؤمنین(ع) نیست را هم، عمل خطاب می کنند؛ زیرا برخاسته از روح تقوای افراد است. به عبارتی نحوه عمل افراد به نحوه تربیت اخلاقی آنان در زندگی شان برمی گردد؛ به همین دلیل به نیت خیر و نیک مؤمن پاداش می دهند. انسان متقی سالها در مبارزه با نفس خود موفق بوده، آن را پاک نگه داشته و قلبش را آلوده نکرده است تا هر چه از او سر می زند خیر و نیکی باشد؛ در مقابل آنکه قصد شر می کند،

تقویم انقلاب

روز تعیین کننده انقلاب

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



فاجعه هفتم تیر ۱۳۶۰ از رویدادهایی در تقویم تاریخی انقلاب است که با گذشت ۳۹ سال، هنوز در بررسی و تحلیل آن حق مطلب به جا آورده نشده، به عمق این فاجعه پی برده نشده و بررسی این موضوع در دستور کار مجموعه متخصص قرار نگرفته است. این مختصر نوشته به چند نکته مهم و اساسی درباره انفجار روز هفتم تیر اشاره دارد:

۱- نوع وارد کردن عنصر نفوذی در تشکیلات گروهی سازمان یافته از جریان معتقد به خط امام (ره)، شیوه فریب کاری در دعوت کردن و کشاندن بسیاری از شخصیت های مؤثر انقلاب مانند بعضی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، نظیر شهید محمد منتظری و شهید محمدعلی رجایی (البته اشخاص دیگری مانند شهید باهنر و مرحوم هاشمی رفسنجانی هم حضور داشتند که بعضاً بر حسب ضرورت هایی از جلسه خارج شده بودند)، روش انتقال مواد منفجره و بمب گذاری زیر ستون ساختمان با مهندسی حساب شده حکایت از یک برنامه ریزی طراحی شده از قبل می کند که از سوی یک جریان قوی تروریستی دنبال شده است.

۲- وقتی این انفجار صورت گرفت، خبر آن رعب و وحشتی در فضای عمومی کشور به وجود آورد و علاوه بر آن، شمارش میزان خسارت های جانی که به وجود آورده بود، دل هر انسان آزاده ای را می سوزاند. در این فاجعه شخصیت های بلندپایه ای به شهادت رسیدند که هنوز پس از ۳۹ سال، درد و غم از دست دادن آنها بر جای مانده است.

۳- اعضای گروه نهضت آزادی که مدتی مسئولیت دولت موقت را عهده دار بودند، به همراه تعدادی دیگر از گروهک موسوم به جبهه ملی و سایر افراد از طیف لیبرال مسلک که به مجلس وقت راه یافته بودند، نه تنها این اقدام تروریستی را محکوم نکردند، بلکه بعضاً از مواضع و اقدامات آنها حمایت کردند و بعضی از آنها هنوز هم به دنبال تطهیر این جنایت کاران هستند؛ اینها با کمال وقاحت از حضور در مجلس خودداری کردند که مجلس از حد نصاب بیفتد و به سمت انحلال برود.

۴- در این انفجار جنایت کارانه این نکته مهم را باید در نظر داشت که آنچه موجب خنثی شدن توطئه ها و حفظ نظام شد، اقدام هوشمندانه و مقتدرانه امام خمینی (ره) بود؛ ایشان همچون کوه استوار در برابر این حادثه وحشتناک ایستادند و به سرعت هر تهدیدی را به فرصت تبدیل کردند و با سخنرانی معنوی و حماسی، روحیه مردم غم زده را تقویت کردند و با صدور بیانیهای تحلیلی، راه انقلاب و هدف دشمن را ترسیم کردند. از طرف دیگر، حضور به هنگام مردم در محل انفجار، شرکت در برگزاری مراسم تشییع و خاکسپاری و سوگواری برای شهدا موجب شد گروهک های لیبرال و تروریستی در موضع انفعال و نوعی انسوا و اختفا قرار گیرند. این اقدامات معنادار مردم پیامی ویژه به دشمنان، توطئه گران و تروریست ها داد و روز ۷ تیر ماه سال ۱۳۶۰، روزی تعیین کننده در مسیر انقلاب شد.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

پایه های ایالات متحده بر غارت و کشتار مردمان سرخ پوستی شکل گرفته است که صاحبان واقعی این سرزمین به حساب می آیند. آشنایان با تاریخ شکل گیری آمریکا به خوبی می دانند قتل «جورج فلوید» اتفاقی نادر در این سرزمین نیست؛ بنیان این کشور بر قتل هزاران «جورج فلوید» سرخ پوست و سیاه پوست شکل گرفته است. برگ برگ دفتر تاریخ شکل گیری آمریکا مملو از جنایاتی است که قتل فلوید در برابر آنها کوچک و ناچیز است؛ یکی از این حوادث تلخ، ماجرای قتل عام سرخ پوستان در ووند نی (wounded Knee) است. در سال ۱۸۷۷، سرخ پوست «سیوکس»، سرزمین های «پاودریور» و «بلک هیلز» را از دست داده بودند و قرارگاه ایشان به منطقه ای با مساحت ۵۵ هزار کیلومتر مربع در سرزمین «داکوتا» محدود شده بود؛ با افزایش مهاجرت سفیدپوستان، جمعیت زیادی در مرز شرقی داکوتا سکنی گزیدند و دولت به زمین های بیشتری برای اسکان سفیدپوستان احتیاج پیدا کرد.

۲۲ هزار کیلومتر در ازای چند گاؤ!

در سال ۱۸۸۲، ایالات متحده تصمیم گرفت سرخ پوستان بومی را وادار به فروش زمین های بیشتری کند؛ اما سرخ پوستان به هیچ وجه زیر بار نرفتند؛ هیئت اعزامی، از بی سوادی رؤسای سرخ پوست سوءاستفاده کرد و با فریب دادن آنها قراردادی را به امضای ایشان رساند که به موجب آن ۲۲ هزار کیلومتر مربع از زمین های سرخ پوستان در ازای تعدادی گاؤ به سفیدپوستان واگذار می شد. خوشبختانه، دوستان سرخ پوست ها در واشنگتن با این قرارداد مخالفت کردند؛ زیرا بر طبق قرارداد قبلی، هر قرارداد جدید باید به امضای سه چهارم افراد ذکور و بالغ قوم سیوکس می رسید.

یا فروش یا تصاحب!

در سال ۱۸۸۸، مسئله تصرف اراضی سرخ پوستان مجدداً مطرح شد؛ این بار هیئت اعزامی پیشنهاد خرید اراضی را به سرخ پوستان داد؛ اما گاونشسته که از معتبرترین رؤسای قبیله بود، با امضای قرارداد مخالفت کرد؛ سرانجام «ژنرال کروک» با صحبت های بسیار و عنوان کردن این

مسئله که در صورت نفروختن زمین ها، دولت آنها را به زور تصاحب خواهد کرد، توانست تقریباً امضای تمام قبایل سرخ پوست، به جز قبیله گاونشسته را به دست آورد. به موجب این موافقت نامه، سرزمین سیوکس ها به شش اقامتگاه کوچک تقسیم شده بود و باقی آن به سفیدپوستان اختصاص می یافت.

امید به بازگشت روزهای خوش گذشته

در سال ۱۸۹۰، اخباری از ظهور «ووکا»، مسیح قبیله «پایوت» که مؤسس طریقت مذهبی رقص ارواح بود، منتشر شد. رؤسای سرخ پوست به دیدار وی شتافتند و او به سرخ پوستان وعده داد تا سال آینده زمین با خاک تازه ای پوشیده خواهد شد و همه سفیدپوستان زیر آن دفن می شوند؛ در زمین چشمه ها جاری خواهند شد، مراتع سرسبز می شوند، درختان فراوان می رویند و گله های گاؤ وحشی در سرزمین سرخ پوستان ساکن خواهند شد؛ وی همچنین رقص ارواح را به ایشان یاد داد و وعده داد کسانی که رقص ارواح کرده باشند، از سیل مخرب جان به در خواهند برد و دوباره در زمین نوشده به زندگی خود ادامه خواهند داد. هنگام بازگشت سران قبیله، مسیح ووکا از ایشان خواست همه آنچه آموخته اند، به سایرین نیز یاد بدهند و طولی نکشید که رقص ارواح میان سرخ پوستان رواج فراوان یافت. سفیدپوستان که با دیده شک و تردید به این مراسم عجیب نگاه می کردند، در نهایت انجام این مراسم را ممنوع اعلام کردند؛ اما اجرای آن با سرعت در میان قبایل

مهمانان قاتل!

مروری بر جنایت استعمارگران آمریکایی در مواجهه با سرخ پوستان، صاحبان اصلی آمریکا



سرخ پوست رواج می یافت؛ سرانجام دفتر امور سرخ پوستان در واشنگتن دستور داد فهرستی از مسیحیان و مروجان این مراسم تهیه شود. با وجود اینکه گاونشسته دخالتی در به وجود آمدن این شرایط نداشت، اما نام وی نیز در این فهرست گنجانیده شد.

آغاز کشتار

در ۱۵ دسامبر ۱۸۹۰، کلبه گاؤ نشسته از سوی پلیس سرخ پوست محاصره شد و او در جریان درگیری بین نیروهای پلیس و افراد قبیله کشته شد. فرد دیگری که نامش در این فهرست به چشم می خورد، «پابزرگ» بود. وی پس از اطلاع از کشته شدن گاؤ نشسته با قوم خود به سمت «پاین ریج» گریخت؛ اما در میانه راه دستگیر شد و به اردوگاه نظامی «ووند نی» منتقل شد. صبح روز بعد، سربازان اقدام به خلع سلاح سرخ پوستان کردند. یکی از سرخ پوستان به نام «گرگ سیاه» ناشنوا بود و متوجه خاسته سربازان نشد و سلاح خود را تحویل نداد. سربازان به سمت وی هجوم بردند تا تفنگش را بگیرند و وی نیز به سمت آنها شلیک کرد. با شلیک نخستین تیر، نبرد آغاز شد و صدای گلوله باران کرکننده ای در اردوگاه پیچید. در میان کشته شدگان، پابزرگ نیز دیده می شد. مکت کوتاهی در گلوله باران پیدا شد که در فاصله آن، دسته های کوچکی از سرخ پوستان و سربازان، تن به تن به جان هم افتاده بودند و با دشنه، گرز و تپانچه خون یکدیگر را می ریختند؛ چون فقط عده محدودی از

سرخ پوستان اسلحه در اختیار داشتند، فقط یک راه در پیش پای ایشان بود و آن اینکه بگریزند. بلافاصله مسلسل های «هاج کیس» آتش به روی فراریان گشودند. چادرها از باران گلوله تکه تکه شدند و مردان و زنان و کودکان بر خاک افتادند. «لونیوز لابلت» از بازماندگان کشتار، بعدها چنین نقل کرد: «ما کوشیدیم دوان دوان جان به در بریم؛ ولی سربازان چنان به ما تیراندازی می کردند که گفتم ما یک کله گاؤ وحشی هستیم. آن سربازان که زنان و کودکان را قتل عام کردند، رذل های بدبختی بیش نبودند. سرخ پوستان هرگز با فرزندان سفیدپوستان چنین رفتار نمی کردند. وقتی جنون آدم کشی پایان گرفت، پابزرگ و بیش از نیمی از قومش کشته و زخمی شده بودند. در محل کشتار، ۱۵۳ جسد یافتند و عده زیادی از زخمیان بعدها در فرار یأس آمیز خود را پا در آمدند. طبق برآوردی که در همان زمان صورت گرفت، تعداد کل کشته شدگان به ۳۰۰ نفر رسید. ارتش به سربازانی که در پی تعقیب و یافتن سرخ پوستان گریخته از مهلکه بر آمده بودند، ۲۰ مدال افتخار اعطا کرد. فعالان سرخ پوست اصرار داشتند مدال ها باز پس گرفته شود و آنها را مدال رسوایی و زدالت می دانستند. «ویلیام تاندرهاک» از اعضای قبیله لاکوتا، در این باره می نویسد: «مدال افتخار، وسیله ای برای پاداش دادن به سربازانی است که عمل قهرمانانه ای از خود نشان داده باشند؛ حال آنکه در کشتار «ووند نی» سربازان فقط خشونت و ستم از خود نشان داده بودند.»

دهلیز

مهم ترین عامل مؤثر در شکل گیری غرب جدید
یهودیت و حیات اقتصادی نوین

فرارگاه های مطمئن و افق های بازی بود که این اقلیت خاص در آن مأوا گزیدند. یهودی ها در همه ممالک پیشرفته دنیا به چنین روابط مالی و زنجیره ای دست زده اند و مالک صدها مؤسسه مالی پر سود شده اند. به نوشته ورنر سومبارت، یهودیان، صنایع نیشکر خود را از جزیره سن توماس به برزیل منتقل کردند و نخستین مجتمع بزرگ پلانته ها و صنایع شکر در قاره آمریکا را ساختند. سومبارت می نویسد این مستعمره در آغاز به طور کامل با یهودیان و مجرمان انباشته شد. سالیانه دو کشتی حامل این دو گروه از پرتغال به برزیل به آنجا می رفت. چنین بود که «یهودیان به سرعت به طبقه مسلط بدل شدند و تعداد قابل توجهی از ثروتمندترین تجار برزیل مسیحیان نوکیش بودند». همچنین وی «کریستف کلمب» را مدیری اجرایی در خدمت قوم یهود می داند. وی بر این باور است که دست کم بودجه دو سفر اول کلمب از منابع یهودی تأمین شده است. ورنر همچنین تأکید دارد در میان همراهان کلمب، چندین یهودی حضور داشتند و اولین اروپایی که بر خاک آمریکا پا نهاد، یک یهودی به نام «لوئیس دو تورس» بود. وی به اظهارات «دون سلسو گارسیا دو لا ریگا» محقق برجسته در گردهمایی جامعه جغرافی دانان مادرید اشاره می کند که وی در آنجا با اسنادی اثبات می کند کلمب به خاندانی یهودی تعلق دارد.



حافظه

نگاهی به تاریخ تجارت برده در جهان
خرید و فروش انسان!



تجارت جهانی برده در نیمه دوم سده پانزدهم از سوی خاندان سلطنتی پرتغال و یکی از شاهزادگان پرتغالی به نام هنری (۱۳۹۴-۱۴۶۰ میلادی) بنیان نهاده شد. این سفر در سال ۱۴۱۵، ۷۷ سال پیش از سفر «کریستف کلمب» به قاره آمریکا و ۸۲ سال پیش از سفر «واسکو دو گاما» به شرق بود. هنری برای اشغال بندر «سیتا» در ساحل مراکش، راهی شمال آفریقا شد. وی که بعدها به «هنری دریانورد» شهرت یافت، بندر سیتا را اشغال کرد و دزدی استوار در آن بنیان نهاد. این نخستین مستعمره ماوراء بحار اروپایی ها و سرآغاز تهاجم های پسین دریایی آنان به شرق و غرب است. هر چند در تاریخ نگاری غرب می کوشند هنری را «کاشفی بزرگ» و «شفیفته و بانی دانش دریانوردی» جلوه دهند، ولی این نکته پنهان نیست که انگیزه اصلی او «توسعه تجارت پرتغالی طلا و برده» و «جنگ با مسلمانان به منظور گسترش مسیحیت» بود. او در سال ۱۴۵۸، تهاجمی بزرگ را علیه دولت مسلمان مراکش انجام داد. نخستین بار در سال ۱۴۴۱، زمانی که «هنری دریانورد» در جستجوی راه دریایی هند به ساحل غربی آفریقا رسید، ۱۲ مرد و زن و کودک را به اسارت گرفت و آنان را با خود به عنوان برده به پرتغال برد و در بازار لیسبون فروخت. در هفت سال بعدی، حدود یک هزار آفریقایی «شکار» شدند و در بازار لیسبون به فروش رفتند. با این حال، با ورود

کریستف کلمب به قاره آمریکا و تسخیر سرزمین های پهناور آن بود که تجارت برده اهمیت اقتصادی فوق العاده ای یافت. تا این زمان از بردگان به عنوان غلامان و کنیزان خانگی، در کاخ های اعضای خاندان های سلطنتی و اشراف پرتغال و اسپانیا استفاده می شد؛ اما از این پس، بردگان به یکی از ابزارهای تولید و یکی از سه عامل اصلی اقتصاد مزارع بزرگ بدل شدند. در دوران ۵۰ ساله پس از ورود کلمب به باهاماس، اسپانیایی ها مکزیکی، پرو و جزایر هند غربی را تصرف کردند و در سال ۱۵۴۲، پرتغالی ها اشغال برزیل را آغاز کردند. در این سرزمین ها نه تنها معادن عظیم طلا و نقره به چنگ آنان افتاد، بلکه کشتزارهای وسیع تباکو و نیشکر نیز پدید آمد. اسپانیایی ها و پرتغالی ها در به کارگیری بومیان قاره آمریکا توفیقی نداشتند؛ از این رو برای تأمین نیروی کار لازم خود به «شکار» سیاهان آفریقایی روی آوردند. میسیونرهای اسپانیایی، به رهبری کشیشی به نام «لاس کازاس»، که بعدها اولین اسقف مکزیکی شد، تجارت برده را تشویق می کردند.

قلب حقیقت



حوزه علمی

دکتری اندیشه سیاسی



فساد با انواعی از شاخه‌هایش، موضوعی است که در جامعه علمی ایران تأملات نظری پیرامون آن چندان گسترش نیافته و بیش از همه این پدیده در حیطه اقدام و رفتاری خلاف قانون تعریف شده است. به تبع این نگرش و تعریف نیز، نوع مواجهه با این موضوع بیشتر حقوقی و قضائی است. مسلماً این نوع مواجهه هم بخشی لازم و مهم در برخورد با فساد است؛ اما وقتی پیشگیری از فساد را مهم بدانیم، تأملات نظری درباره آن اهمیت زیادی مییابد و این نوشتار در حیطه چنین تأملاتی تعریف میشود؛ اما نقطه عزیمت بحث از چگونگی مواجهه زبانی با فساد است.

◆ فساد بستری برای القای ناامیدی

این روزها دادگاه مفاصد اقتصادی اکبر طبری، که سالها از مدیران ارشد قوه قضائیه بود، به خبر اصلی بسیاری از رسانهها تبدیل شده و واکنشهای فراوانی را برانگیخته است. مفاصد اقتصادی طبری در حالی است که وجود مشکلات اقتصادی فراوان، از تورم و گرانی تا بیکاری و پایین بودن نرخ دستمزد طبقات فقیر جامعه، پرسشهای زیادی را در افکار عمومی جامعه ایجاد و فرصتی را برای دشمنان مهیا کرده است تا با القا و ترسیم چشماندازی ناامیدکننده پیش روی شهروند ایرانی، حل مشکلات کنونی را ناممکن جلوه دهند. به نظر میرسد این پرسشها مهم‌ترین ابهامات و دغدغههای است که خاص و عام را درگیر خود کرده است. برخی خواص از این پرسشها در رنج و محنت به سر میرند و تمام تلاش خود را برای پاسخ به آنها به کار گرفته‌اند و برخی دیگر وجود این پرسشها را فرصتی برای بهره‌برداری سیاسی میدانند. نزد عامه مردم، اما، این پرسشها چیزی جز ناامیدی و بی‌اعتمادی نمیافزاید.

در چنین وضعیتی، پاسخ به این پرسشها باید مسئله اساسی نیروهای ارزشی باشد؛ اما در چگونگی پاسخهایی که داده میشود، جای نقد و نظر بسیار است. در حالیکه در قبال این پرسشها پاسخهای متنوع و زیادی ارائه شده است، میتوان گفت بخشی از پاسخها با اهداف سیاسی

خاص، مشکلات را بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی میکنند. برخی جریانات و رسانهها با رویکردی محافظهکارانه سعی میکنند این مشکلات را بزرگ تلقی نکنند و آنان که منتقد حاکمیت شمرده میشوند، سعی دارند این مشکلات را تا آنجا بزرگ کنند که حاکمیت را از حل آنها ناتوان جلوه دهند و راه‌حل مشکلات را بیرون از کشور معرفی کنند. در این میان، پاره‌ای از پاسخها نیز هر چند سعی در توجه به اصل مشکل دارند، اما پُررنگ بودن وجه خطایی و شعاری آنها مانع پذیرش این پاسخها نزد افکار عمومی میشود. از اینجا باید گفت، هنگام بررسی موضوع مفاصد اقتصادی باید دو کار انجام داد: اولاً، باید این نگرشهای منفی، پرسشها و تردیدهای مردم را مهم دانست و آن را به مرکز تأمل و اندیشه‌پژوهی آورد و ثانیاً، در پاسخهایی که به آنها داده میشود، باید تأمل و بازنگری کرد.

◆ پدیدارشناسی مسئله فساد

با نقد و ردّ پاسخهای رایج به نگرش منفی و پرسش‌های افکار عمومی نسبت به مفاصد اقتصادی برخی مسئولان، چه پاسخی تجویز میشود و چگونه باید با این مشکل مواجه شد؟

پاسخ این نوشتار تأکید بر رویکرد پدیدارشناسی است که سعی دارد اولاً، به واقعیت مشکل توجه کند و از بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی خودداری کند، ثانیاً، از خطابه و تبلیغ دوری کند و ثالثاً، گامی فراتر بگذارد و ضمن پاسخ به اصل مشکل، امکانهای

جلوگیری از شکلگیری چنین مشکلات و مفاصدی را نیز آشکار کنند. در رویکرد پدیدارشناسانه، پژوهشگر با تعلیق مفروضات و پیش‌داوریهای خود، مواجههای بیواسطه با پدیده دارد؛ یعنی با قصد و نیت خاصی آن را تفسیر نمیکند، بلکه اجازه در بیان این تجلیات و به زبان درآوردن آنها، مسلماً علایق و گرایش‌های محقق نقش ایفا میکنند؛ از همینرو، محقق باید تفاسیر و پیش‌داوریهای خود را به‌طور دیالکتیک همراه با متن، درون چرخه تأویلی (دور هرمنوتیکی که فهم اجزا را وابسته به کل و فهم کل را وابسته به فهم اجزا میداند) قرار دهد و پدیدارها را به‌عنوان ایزهای خارج از ذهن قلمداد نکند که زیر سلطه نگاه او به هر طریقی که تمایل دارد، تفسیر کند. با این رویکرد، تجلیات فساد در جامعه امروز ما چنین معنایی را برمی‌انگیزند که ماهیت این مفاصد ربط وثیقی با چگونگی تفسیر آن دارد. به عبارت دیگر، فساد و زبان رایجی که آن را توصیف و تفسیر میکند، هر دو در یک امر مشترک هستند و آن ایستادن در مقابل حق و حقیقت است. فساد، حقی را ناحق میکند و زبان فاسد، حقیقت مبتنی بر خواست، علایق و منافع شخصی است و پدیدارشناسی، تدبیری برای مقابله با چنین نگرشها و تفاسیری است. حال اینکه پدیدارشناسی چگونه امکانهای جلوگیری از شکلگیری فساد را به ما نشان میدهد و این امکانها چیست، موضوعی است که در نوشتارهای بعدی باید آن را بررسی کنیم.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۸

مفهوم‌شناسی

در ذهن نخبگان و روشنفکران جامعه است، مستتبا و متمایز است؛ نگاه‌هایی که یا با الهام از تفکرات مارکسیستی، وجوه مادی و اقتصادی انقلاب‌ها را برجسته کرده‌اند و استمرار انقلاب را با ملاک اقتصاد و تضاد طبقاتی، سنجش و تحلیل می‌کنند یا ملهم از مکتب لیبرالیسم، با دید منفی به انقلاب، آن را بیماری دانسته است که باید ریشه‌کن شود.

در نظریه نظام انقلابی، آنچه به عنوان انقلابی بودن نظام مطرح است، در واقع به ماهیت اشاره دارد و وجه تمایز اصلی این نظام با سایر نظام‌های سیاسی قرار می‌گیرد؛ با این توضیح که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی به هیچ وجه تفکیک‌پذیر نیستند، اینها با هم یکی است؛ ارزش‌های انقلابی همان ارزش‌های اسلامی است.

در نظریه نظام انقلابی اول اینکه انقلاب مقوله‌ای است که در امتداد بعثت انبیا(ع)، از لایه درون انسان‌ها آغاز شده است و همچون پدیده‌های زنده و بارآهه با فطرت بشر در همه عصرها سرشته شده است؛ دوم اینکه در این نظریه، استمرار انقلاب به معنای حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب مدنظر است که تاکنون توانسته است یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهد و اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شود.

محسن محمدی الموتری
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید مطهری(ره)



مبتنی بر مفهوم‌شناسی انجام‌شده در مفاهیم مرتبط با موضوع انقلاب، نظریه انقلاب و انقلاب اسلامی در چند شماره گذشته، نکات زیر در تعریف نظریه نظام انقلابی قابل طرح است:

۱- بسیاری از نظریه‌های جدید بعد از تجربیات عملی، مفهوم‌سازی و برای آنها نظریه‌پردازی شده است. بر این اساس، نمود عینی نظریه نظام انقلابی تجربه موفق انقلاب اسلامی ایران و ۴۰ سال حکمرانی نظام جمهوری اسلامی در گام اول با وجود چالش‌ها و موانع فراوانی آن بوده است؛ بنابراین در گام دوم انقلاب اسلامی باید تلاش شود تجربیات موفق گام اول به مثابه نظریه، مبنای عمل در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی باشد؛ از این رو منظور از نظریه نظام انقلابی، تلاش برای مبنای قرار دادن تجربیات و اندوخته‌هایی است که در گام اول انقلاب حاصل شده است.

۲- این نظریه به دلیل آنکه منبعث از آموزه‌ها و مبانی فلسفی اسلام از سوی عالم و فقیه‌ی دینی، یعنی رهبر معظم انقلاب مفهوم‌پردازی شده است، از نگاه‌های نظری پیرامون مقوله انقلاب که عمدتاً حاصل رسوخ مبنائی و نظریه‌های دانشمندان غربی

ریزش‌ها

فراز و فرود بهزاد نبوی - ۶

نامه‌نگار جام زهر!

نقش بهزاد نبوی برای اصلاح‌طلبان به قدری مؤثر و راهگشا بود که برخی کارشناسان، دست‌مایه فکری وی را پشتوانه بسیاری از طرح‌های مجلس می‌دانند. نبوی نقش ویژه‌ای به مثابه فرمانده عملیاتی اصلاح‌طلبان در مجلس ششم را بر عهده گرفت؛ وی که روزگاری از چهره‌های اصلی چپ(معروف به ضد آمریکایی) به‌شمار می‌آمد، پس از تجدیدنظر در مسائل داخلی، در حوزه سیاست خارجی هم روند استحالته‌ای ۱۸۰ درجه‌ای را طوسی کرد؛ به گونه‌ای که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و گسترش تهدیدات آمریکا علیه ایران، مانند برخی از هم‌فکرانش بر مدار تسلیم در برابر آمریکا قرار گرفت.

نقش بهزاد نبوی در پیگیری تصویب لایحه سه‌فوریتی اعضای پروتکل الحاقی بر کسی پوشیده نیست. نبوی در این باره می‌گوید: «ما باید پروتکل الحاقی را بدون قید و شرط امضا کنیم و از برخوردهای شعارگونه پرهیز نماییم.» او پا را فراتر از این گذاشت و اساس ضرورت انرژی و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را زیر سؤال برد. نبوی و جمعی دیگر از نمایندگان افراطی مجلس ششم طی نامه‌ای اهانت‌آمیز به رهبر معظم انقلاب، رسماً از ایشان خواستند جام زهر را بنوشند و در مقابل آمریکا سر تعظیم فرود آورند. نبوی دو سال بعد از پایان مجلس ششم با اعتراف و شرمندگی نسبت به سیاست‌زدگی این مجلس اعلام کرد: «مجلس ششم در این مدت هیچ مصوبه‌ای که به درد مردم بخورد، نداشت.»

«بهزاد نبوی» در کابینه «شهید باهنر» وزیر مشاور بود و در کابینه جانشین او، یعنی «آیت‌الله مهدوی‌کنی»، به عنوان وزیر مشاور در امور اجرایی منصوب شد. وی در کابینه اول، «موسوی» نیز به عنوان وزیر مشاور و در کابینه دوم به عنوان وزیر صنایع سنگین به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۷۰، نبوی به فکر تجدید حیات سازمان مجاهدین انقلاب افتاد و پی‌ریزی فعالیت‌هایی با تغییرات متناسب با زمان برای سازمان را وجهه همت خود قرار داد. در دولت «هاشمی» هم به عنوان معاون «سیدمحمد خاتمی» در وزارت فرهنگ برگزیده شد؛ البته در همان سال که به عنوان کارمند ریاست جمهوری حکم دریافت کرده بود، به دنبال برخی پروژه‌های اقتصادی، از جمله پتروپارس، ایران خودرو و مینا بود. بعد از دوم خرداد، بهزاد نبوی به عنوان مشاور سیدمحمد خاتمی در کنار وی ایفای نقش کرد؛ با فرارسیدن موعد انتخابات مجلس از این مقام استعفا داد و به عنوان نائبر رئیس «مهدی کروبی» برگزیده شد.



په‌نوشته:
۱- روزنامه همبستگی، ۲۶ شهریور ۱۳۸۲.
۲- روزنامه کیهان، ۲۲ شهریور ۱۳۸۲.

سیاست نامه

اندیشه سیاسی علامه نائینی - ۷

بایستگی نظم مشروطه

فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

«نائینی» پس از گونه‌شناسی حکومت به استبدادی و مشروطه، بر اساس استنباطی که از فقه سیاسی شیعه دارد، حکومت مشروطه را به مثابه «ثانوی مشروع» و از باب اضطرار دسترسی نداشتن به ولی معصوم(ع) یا فقیه جامع‌الشرایط برمی‌گزیند. وی در کتاب «تنبیه‌الامه» می‌نویسد: «حکومت مشروطه از باب ضرورت و به عنوان ثانوی مشروع است؛ زیرا حکومت در مرحله نخست حقّ امام معصوم(ع) و در دوره غیبت از باب ولایت فقیه یا حسبیه از آن فقیهانی است که شرایط لازم را دارا باشند، اما اینکه که به قدر امکان پذیر نیست، مهار ستم و استبداد استبداد حاکم است و حکومت معصوم(ع) و فقیه امکان‌پذیر نیست، مهار ستم و استبداد به قدر امکان از ضروریات دین اسلام است.» میرزای نائینی حکومت پیشنهادی خود در قالب نظام مشروطه را از باب اینکه حکومت اسلامی مطلوب نیست، حکومت قدر مقدور یا قدر قوه می‌نامد که در شرایط خاص انقلاب مشروطه، بهتر از حکومت پادشاهی خودکامه قاجاریه است. نائینی برای توضیح مطلب بالا به سه اصل فقهی استناد می‌کند:

یکدنبی از منکر: اگر کسی کارهای زشت بسیاری را انجام دهد، مبارزه با هر یک از آن کارهای ناپسند تکلیفی است مستقل؛ بنابراین اگر شخصی کارهای زشت بسیاری را انجام می‌دهد و ما توان نداریم از همه آنها جلوگیری کنیم، واجب است به هر اندازه که می‌توانیم او را از انجام زشتی‌ها باز داریم. دو- اداره کشور از وظایف فقیهان: اداره کشور و حفظ نظم کشورهای اسلامی و جلوگیری از ستم و استبداد از همه امور بااهمیت‌تر است. اگر نیابت عامه فقها را در همه مناصب نپذیرفتم، امور حسبیه قدر مؤیقن است؛ بنابراین اداره کشور و جلوگیری از ستم به گونه قطع بر عهده فقهاست.

سه- بایستگی قلمرودار کردن حکومت ستم: در باب ولایت بر امور همانند اوقاف خاصه و عامه همه فقیهان برآند که اگر غاصبی موقوفه‌ای را در دست گرفت و ما توان نداشتیم که همه موقوفه را از دست او به درآوریم، به اندازه توان باید دایره دست‌اندازی‌های وی را محدود کنیم.

نائینی پس از ذکر اصول بالا اینچنین نتیجه می‌گیرد: «دگرگون کردن حکومت از استبدادی به مشروطه برای کاستن ظلم و استبداد لازم است؛ زیرا در حکومت استبدادی سه گونه غصب و ستمگری وجود دارد: الف- ستم به خدا: از آن جهت که حکمرانان مستبد، احکام خدا را زیر پا می‌گذارند و حق حاکمیت او را بی‌روا از دست شایستگان به در می‌آورند و در دست خود می‌گیرند؛ بد- ستم به مقام ولایت: چون حکمرانان ستمگر مقام و منصب او را به ناحق تصرف می‌کنند؛ ج- ستم به مردم: چون حکمرانان ستمگر بر کشور، جان، مال و عرض مردم سلطه به ناحق می‌یابند.»

وی در ادامه با استدلال عقلایی معتقد است: «با محدود کردن حکمرانان ستم‌پیشه به قوانین اسلامی و نظارت نمایندگان برگزیده مردم، در واقع، ستم از سه مرحله به یک مرحله کاهش می‌یابد؛ زیرا به وسیله قانون و مجلس، ستم به خدا و ملت برداشته می‌شود؛ هر چند که ستم به مقام امام معصوم(ع) از جهت غصب مقام امامت همچنان باقی می‌ماند؛ بنابراین تشکیل حکومت مشروطه چون از غصب و ستم بیشتر جلوگیری می‌کند، لازم و واجب است.»

په‌نوشته در دفتر نشریه موجود است.

داستان

تکیه‌گاه

نقیسه محمدی
دبیر گروه جامعه

خستگی هایش را پشت در جا گذاشت. باید هرطور که بود خودش را خوب نشان می‌داد. عزیز خانم، از روی تختش نیم خیز شد و فاطمه را نگاه کرد.

«اومدی مادر؟ دیر شده، بدو لباس هات رو عوض کن! الا نه که برسن...»

فاطمه با یک دنیا دودلی جواب مادر زمین گیرش را داد. دلش نمی‌خواست خوشحالی پیرزن را نادیده بگیرد. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت. محسن همانی بود که در خیالش از خدا خواسته بود، ولی مادرش را چه می‌کرد؟ چطور می‌توانست او را تنها بگذارد و برود؟ بعضی گلویش را فشرده. اصلاً نمی‌توانست بفهمد عزیز خانم به فکر تنهایی خودش هم هست یا نه؟ شاید هم فکر می‌کرد، اما به رو نمی‌آورد. عزیز خانم آرزو داشت فاطمه را در لباس عروسی ببیند؛ البته بیشتر از اینکه به آرزویش فکر کند، به فاطمه فکر می‌کرد. به اینکه نباید تنها بماند و خودش را پابند مادرش کند. اکرم خانم که در نبود فاطمه به کارهای خانه می‌رسید، چادرش را روی سرش انداخت و به سمت فاطمه رفت.

«عروس خانم خوشگل، میوه‌ها رو شستم، خونه رو هم مرتب کردم، فقط چایی رو خودت دم کن که اون‌ها رسیدن تازه باشه، ایشالا خوشبخت بشی... فاطمه با نگاه غمگینش اکرم خانم را برانداز کرد. کاش حداقل خواهری مثل او داشت.

«ها چنته؟ داری عروس می‌شی‌ها... چرا غمباد گرفتی؟ چانه‌اش از بغض سنگینی که در گلو داشت لرزید.

«مادرم رو چی کار کنم؟ تنها بمونه؟ کاش هیچ‌وقت بگرام خواستگار نمی‌اومد... چادر اکرم از روی سرش سر خورد. با مهربانی نگاهش کرد. دلش می‌خواست چیزی بگوید که فاطمه را آرام کند.

«ما هستیم فاطمه جون! خودت هم می‌آی سر می‌زنی، چند روز مادرت رو می‌بری پیش خودت، چند روز شما می‌آیید اینجا، تا چشم به هم بزنی دو سه تا نوه برات می‌آری از تنهایی در می‌آد، غصه نخور خدا بزرگه... فاطمه دلش را به حرف‌هایی که کنار صریح به بی‌بی گفته بود، خوش کرده بود. از همان اول همه حرف‌هایش را با حضرت معصومه (س) در میان گذاشته بود. بی‌بی می‌دانست فاطمه و عزیز خانم مثل خودش غریب هستند و هیچ‌وقت خوشحالی‌شان را بی‌جواب نگذاشته بود. محسن با اجازه بزرگ‌ترها وارد اتاق شد تا با هم چند کلمه‌ای حرف بزنند. فاطمه اما، دل توی دلش نبود. نمی‌دانست چطور خواسته‌اش را به زبان بیاورد. صبر کرد تا حرف‌های محسن تمام شد. با کلی اکراه و ناراحتی حرف از عزیز خانم زد. جوابی که از محسن شنید قلبش را فشرده. دهانش خشک شد. چیزی توی سرش صدا داد.

«می‌تونیم بذاریمش خانه سالمندان... اشک‌های فاطمه جوشید. چه تصویری از محسن در ذهنش داشت و چقدر اشتباه بود. محسن لبخند شیطن‌آمیزی تحویل چشم‌های هراسان عروس داد: «واقعاً فکر کردین جدی گفتیم؟ غلط کردم بابا، شوخی بود. عزیز خانم تاج سر منه، هر جا باشم ایشون هم باید باشه، اصلاً من شما رو بدون عزیز تو خونه راه نمی‌دم...» اشک و لبخند، چهره نگرانش را در آغوش گرفت. فاطمه تکیه‌گاش را پیدا کرده بود.

میان سنت و مدرنیته!

کودکی فرزندان امروز با گذشته چه تفاوت‌هایی دارد؟



حمیدرضا حیدری

روزنامه‌نگار

شمسی، تعداد فرزندان خانواده‌ها بسیار بیشتر از اکنون بود. نوع تربیت فرزندان هم بسیار متفاوت بود. در آن زمان خانواده‌ها درگیر عملکرد فرزندان‌شان نبودند. استقلال دادن به فرزندان بخشی از روند تربیتی آنها بود؛ البته شاید تعدد فرزندان هم در این باره بی‌تأثیر نبود؛ بودن پنج شش فرزند در خانواده سبب می‌شد هم فضای خانه برای فرزندان گرم‌تر شود و هم با تقسیم محبت بین همه، فرزندان به شکل امروزی وابسته به خانواده بار نیابند. اما امروزه با وجود یک یا حداکثر دو فرزند و گسیل همه محبت‌ها از سوی خانواده و فامیل به او، فرزند به لحاظ شخصیتی بسیار ضعیف بار خواهد آمد و در زمانی هم که باید خودش مسئولیت زندگی را به دوش بکشد، نیازمند دیگران خواهد بود؛ پس آن بخش مهم شخصیتی این فرد، یعنی استقلال، در او شکل نگرفته است. در گذشته به دلیل کم بودن امکانات، فرزندان هم مشکلات خانواده را کاملاً احساس می‌کردند و با آن بزرگ می‌شوند و قد می‌کشیدند حتی برای رفع آن تلاش می‌کردند؛ اما حالا هم رفاه خانواده‌ها بیشتر

شده است و هم توجه خانواده‌ها به فرزندان موجب می‌شود پدر و مادر تمام تلاش خود را به کار گیرند تا فرزندشان سستی‌های زندگی را احساس نکنند و در رفاه کامل بزرگ شود. در دوره تحصیلات متوسطه معلمی داشتیم که همیشه به ما گوشزد می‌کرد اگر در آینده فرزندی داشتیم، سعی کنیم او را با دشواری‌های زندگی آشنا کنیم، پیش از آنکه زمانه بخواهد آن روی تلخش را به آنها بنمایاند. در واقع اگر فرزند را با تمام امکانات بزرگ کنید و هر چه خواست بدون هیچ وقفه‌ای در اختیارش قرار دهید، به او خدمتی نکرده‌اید، بلکه سبب شده‌اید او عادت کند به هر چیزی که می‌خواهد، به سرعت برسد و در آینده اگر بخواهد با امکانات بیشتری دست پیدا کند، صبوری لازم را برای رسیدن به آن نخواهد داشت. اگر با تحمل ناگامی‌ها به سمت اعتیاد و بزه هم کشیده نشود، باید بگوییم در کارهای اقتصادی و زندگی شخصی، فرد موفق نخواهد بود؛ چرا که او یاد گرفته است امکانات را بدون تلاش دریافت کند.

نکته آخر که باید به آن اشاره کنیم، این است که نوع جدید تربیت فرزندان، آنها را از طبیعت جدا کرده است. همه ما در گذشته یکی از تقریحات مان بازی در حیاط خانه و با گل و خاک بود. ساعت‌ها بازی این چنینی هیچ‌گاه موجب نمی‌شد کودکی بیمار شود یا مشکل حادی برایش پیش بیاید. پزشکان معتقدند تماس داشتن بچه‌ها با باکتری‌هایی که به تکامل سیستم ایمنی‌شان کمک می‌کنند، سبب می‌شود قدرت دفاعی‌شان در برابر بیماری‌ها و آلرژی‌ها بالا برود؛ اما اکثر خانواده‌ها به سبب مراقبت شدید از این موضوع غافل مانده‌اند. اصل کلام این است که والدین نباید با توهم مراقبت و محافظت از کودک، او را از بهترین و شیرین‌ترین لحظات عمرش بی‌بهره بگذارند. کودکی که ساعت‌ها پای بازی‌های کامپیوتری، موبایل و تبلت می‌نشیند، نه تنها سلامت جسمی‌اش تضمین نمی‌شود، بلکه در آینده دچار مشکلات روحی و روانی نیز خواهد شد و برای تشکیل یک زندگی مستقل و محکم آماده نخواهد شد.

خانه

حد و مرزهای رفاه فرزندان

از دیگر سو، کودکانی که در ناز و نعمت رشد کرده‌اند و فاصله‌ای میان خواسته‌ها و داشته‌های‌شان وجود نداشته است، هرگز قدر تلاش‌های والدین و پولی را که در اختیار دارند، نمی‌دانند و نه تنها نیازی به تشکر و قدردانی از پدر و مادر نمی‌بینند؛ بلکه همواره مانند طلبکار، آنها را موظف به اجرای خواسته‌های‌شان می‌دانند؛ در حالی که فرزندان که در رفاه نسبی بزرگ شده‌اند و گاهی پاسخ منفی والدین را در برابر برخی خواسته‌های‌شان دریافت کرده‌اند، بیش از سایر هم‌سالان، قدر زحمات والدین را می‌دانند و در مدیریت هزینه‌ها موفق‌تر و حساب‌برس‌تر عمل می‌کنند و همواره خود را مدیون تلاش‌ها و خدمات والدین می‌دانند.

بنابراین رفاه کامل فرزندان علاوه بر اینکه هیچ پیامد مثبتی برای آنها به همراه نخواهد داشت، لازم است والدین از حمایت‌های افراطی و زیاده‌روی در برآوردن نیازهای فرزندان پرهیز و گاهی با نه گفتن در برابر خواسته‌های غیرمنطقی و غیرضروری، آنها را برای مقابله با چالش‌های زندگی آینده آماده کنند. ضمن اینکه بیش از رفاه اقتصادی، به فکر امنیت و آرامش روانی فرزندان باشند و به جای اینکه تمام وقت خود را صرف کار و تأمین نیازهای فرزندان کنند، زمان بیشتری را برای بودن در کنار آنها اختصاص دهند و وقت خرج کردن را جایگزین پول خرج کردن کنند.

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

رفاه مادی فرزندان و تأمین نیازهای فیزیکی آنها یکی از دغدغه‌های اساسی والدین و اهداف اصلی آنها برای تلاش و کار شبانه‌روزی است. والدین می‌کوشند وسایل رفاه فرزندان‌شان را فراتر از حد توان‌شان فراهم کنند و در این مسیر، از بسیاری لذت‌ها و شادی‌ها می‌گذرند؛ اما سوآلی که مطرح است اینکه فرزندان ما تا چه حد باید در رفاه و آسایش باشند؟ و اساساً رشد فرزندان در شرایط رفاهی کامل، برای آنها سودمند است یا مضر و زیان‌بار؟

حقیقت این است بر خلاف تصور والدین، رفاه و آسایش کودکی و نوجوانی، به هیچ وجه ضامن خوشبختی و موفقیت فرزندان در بزرگسالی نیست. آنها نیاز دارند که دو حس «داشتن» و «نداشتن» را کنار یکدیگر تجربه کنند تا برای کنار آمدن با نرسیدن‌ها و نداشتن‌های دوران بزرگسالی آماده شوند؛ چرا که دوران بزرگسالی و استقلال از والدین، ممکن است با انبوهی از ناگامی‌ها همراه باشد که لازمه رویه‌رویی با آنها، کسب مهارت‌های اجتماعی و تجربه برخی نداشتن‌ها در دوران کودکی است؛ تجربه‌ای که انگیزه تلاش و قدرت کنار آمدن با ناگامی‌ها را در بزرگسالی به همراه خواهد داشت.

راه‌رفته

محبت و صداقت خواهرانه

فراوانی دارند و این امتیازی طلایی است؛ پس از این فرصت بهره‌مند شوید و مقدمات ارتباط دوستانه‌تر و مستحکم‌تر را ایجاد کنید. خودتان هم نظرات‌تان را همیشه به صورت پیشنهاد اعلام کنید، نه تحمیلی و اجبارگونه و به خواهر بزرگ‌ترتان بگویید چقدر به نظرات وی احترام می‌گذارید، ولی شما هم نظر خاص خود را دارید. در زمان‌هایی که با افکار خواهرتان مخالف هستید، به طور صریح و روشن همراه با ادب و احترام حتی گاهی با در آغوش کشیدن وی، نظر خود را ابراز کنید. از ذکر حرف‌ها و عقایدش مقابل دیگران به عنوان یک موضوع خنده‌دار خودداری کنید. هیچ‌گاه به علت صمیمیت زیاد بین‌تان، وسایل شخصی وی را بررسی نکنید؛ چرا که باعث بی‌اعتمادی می‌شود. هرگز پشت سر هم بدگویی نکنید. اگر ازدواج کرده‌اید و دور از هم هستید، صمیمانه‌تر با هم برخورد کنید. به‌سادگی و با زبان نرم و لحن خوب در موقعیت‌های مختلف از هم انتقاد کنید، البته به دور از سرزنش و نصیحت. با انجام کارهای کوچک و هدیه دادن خواهرتان را خوشحال کنید، به او نشان دهید که از خوشحالی او خوشحال و با ناراحتی وی غمگین می‌شوید. در آخر، با خواهرتان صداقت‌ها بر خورد کنید، احساس واقعی خود را بیان کنید و به او نشان دهید که چقدر با دیدنش خوشحال می‌شوید و دوستش دارید.



مدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده

پرسش: خواهرم سه سال از من بزرگتر است. در بعضی موارد که با من اختلاف نظر دارد، خیلی تلاش می‌کند به هر نحوی که شده باشد نظرش را به من تحمیل کند و اگر قبول نکنم تا مدتی ارتباطش را قطع می‌کند و خیلی ناراحت می‌شود. برای حل این موضوع چه کنم؟

پاسخ: پرسشگر عزیز، روابط بین فرزندان خانواده بسیار به نحوه برخورد والدین، مقایسه کردن آنها و نحوه ارتباط‌گیری و تعاملات بین‌شان با یکدیگر بستگی دارد. با توجه به اینکه شما سه سال کوچک‌تر از خواهرتان هستید، مطمئناً در تیررس مقایسه، رقابت، مشاجره حتی حسادت قرار گرفته‌اید و همچنین خواهرتان هم مسلماً بی‌نصیب نبوده است. با این اوصاف سعی کنید در برخورد با خواهرتان علاوه بر داشتن گذشت و بخشش فردی، متفکر، محتاط و با ملاحظه باشید. زمانی را با هم باشید و از دغدغه‌های ذهنی‌تان برای‌شان صحبت کنید و کمی از انتظارات خود را لابه‌لای حرف‌ها به میان بیاورید. فرزندان به دلیل اینکه در یک خانواده، با ارزش‌های یکسان بزرگ شده‌اند، اشتراکات

چراغ



به اهالی روستا آموزش می‌دادند و در ماه مبارک رمضان هم علاوه بر بردن افطاری، بسته فرهنگی هم هدیه می‌دادیم. گروه ما در ایام کرونا و قبل از اینکه رهبر معظم انقلاب بحث همدلی را مطرح کنند آزمایش برگزار می‌کرد؛ به این صورت که خانواده‌های نیازمند را شناسایی می‌کردیم و برای آنها اوراق و بسته فرهنگی تهیه می‌کردیم و تأکید داشتیم حتماً بسته فرهنگی کنار اوراق باشد که بعد از صحبت‌های حضرت آقا رزمایش‌های گروه گسترده‌تر شد.»

دلیل نداشتن بضاعت مالی دیوارهای رنگ نشده بود، رفتیم و رنگ‌آمیزی کردیم، یا به کمک بچه‌ها به یکی از روستاهای محروم اطراف قم به نام «دولت‌آباد» رفتیم که فقر شدید فرهنگی هم داشتند و ما سعی می‌کردیم علاوه بر هدیه اوراق و بسته فرهنگی، بچه‌های‌شان را در مسجد جمع کنیم و با بازی و ترفند، برخی مسائل را به آنها آموزش دهیم و روزی خوب را برای‌شان ایجاد می‌کردیم.» وی ادامه می‌دهد: «حتی خانم‌های طلبه، همراه ما می‌آمدند و یک سری احکام را

بسجی جهادگر فائزه آرزومندیان در گفت‌وگو با صبح صادق

شاگردان مکتب شهداییم

شرکت می‌کردم.» فائزه ادامه می‌دهد: «جرعه شروع کارهای جهادی این بود که در اردوها سعی می‌شد نگاه جهادی را به ما بیاموزند. با شروع سال تحصیلی کارهای جهادی‌ام را آغاز کردم که با شیوع بیماری کرونا، خیلی برجسته‌تر شد.» آرزومندیان می‌گوید اسم گروه را «حاج قاسم سلیمانی» گذاشته‌اند: «هر کاری که انجام می‌دهیم به نیت حاج قاسم است. کارهای مختلفی در این گروه انجام داده‌ایم؛ برای نمونه به همراه خواهران و برادران به مدرسه‌ای که به

۱۷ ساله و دانش‌آموز پایه ۱۱ مدرسه است. یک سالی می‌شود فرمانده بسجج مدرسه‌شان شده و معتقد است شهدا آموزگاران کار جهادی هستند. «فائزه آرزومندیان» درباره فعالیت‌های خود در گروه بسجج می‌گوید: «توفیق داشتم امسال فرمانده بسجج مدرسه باشم و به کمک خانم‌های جهادگر بسججی توانستیم خدمت‌های خوب و مفیدی طی این مدت انجام دهیم؛ البته از دوره راهنمایی عضو گروه پویندگان بسجج دانش‌آموزی بودم و در اردوهای تعلیم و تربیتی که برگزار می‌کردند

قطع نفس مجاهدان با بازی بودجه‌ای

سازمان صداوسیما به شرکت خدمات ماهواره‌ای یوتل‌ست عنوان شد.

«محمدحسین رنجبران» مدیرکل روابط عمومی رسانه ملی، همان زمان و پس از توقف پخش الکوثر روی یوتل‌ست اعلام کرد: «یکی از مهم‌ترین شبکه‌های جبهه رسانه‌ای مقاومت در حالی قطع می‌شود که چند ماه است همه مراحل قانونی برای تخصیص بودجه ارزی طی شده و همه مخاطرات آن برای مسئولان اجرایی توضیح داده شده است.»

به فاصله یک هفته پس از آن بود که مجدداً خبر قطعی یک شبکه دیگر نیز رسانه‌ای شد؛ این بار نوبت به شبکه سحر اردو رسید؛ شبکه‌ای که به گفته «داوود اسکندری» مدیر این شبکه، در تمام این سال‌ها که فعالیت داشته است، مخاطبان ثابتی را به دست آورده و توانسته بود بیندگانی با تعداد بالای ۵۰۰ میلیون نفر را پای آنتن خود بنشاند.

فرصتی که از دست می‌رود

البته به نظر می‌رسد قرار نیست داستان تعطیلی و قطع شبکه‌های برون مرزی به همین جا ختم شود؛ چراکه «پیمان جبلی» معاونت برون مرزی صداوسیما، در این باره گفته بود: «ما مشکل قطعی را درباره بقیه شبکه‌های مان هم داریم و طی روزها و هفته‌های آینده شبکه‌های مهم، مثل پرس‌تی‌وی، العالم، آی‌فیلم انگلیسی و عربی نیز از روی ماهواره حذف خواهند شد.»

دقیقاً چند روز پس از اظهارات جبلی بود که ماهواره «گالکسی ۱۹» اعلام کرد شبکه‌های تلویزیونی پرس‌تی‌وی و کانال انگلیسی شبکه آی‌فیلم را تا چند روز آینده قطع می‌کند.

این ماهواره که پخش پرس‌تی‌وی و آی‌فیلم انگلیسی را برای حوزه جغرافیایی آمریکای شمالی و مرکزی پوشش می‌داد، در مکاتباتی اعلام کرد



نسیم اسدپور
دبیر گروه فرهنگ

یکی از جدی‌ترین جنگ‌های عصر حاضر، جنگ رسانه‌ای است. رسانه در قرن ۲۱ چنان قدرتی دارد که شاید بتوان گفت ذره‌ذره پیروزی یا شکست را از آن کشوری می‌کند که این جنگ را جدی گرفته و خود را در ابعاد مختلف آن قوی‌تر کرده است؛ اما نباید فراموش کرد که در این جنگ، یکی از مهم‌ترین فاکتورها پوشش وسیع رسانه‌ای است؛ در واقع پیروزی در این مبارزه مستلزم این است که نگاه‌مان فقط به داخل نباشد، بلکه توجه به خارج می‌تواند رکن اصلی پیروزی در این جنگ نرم به حساب بیاید.

در این زمینه شبکه‌های برون مرزی سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌توانند مهم‌ترین نقش پیام‌رسانی انقلاب اسلامی را در اقصی نقاط جهان برعهده داشته باشند که تاکنون نیز در این امر توانسته‌اند موفقیت نسبی را به دست آورند و تا حد زیادی در زمینه روشنگری در جهان، به‌ویژه جهان اسلام قدم‌های مؤثری بردارند.

فعال بودن ۳۲ رادیو با زبان‌ها و زمان پخش‌های متفاوت در معاونت برون مرزی رسانه ملی و ۱۴ شبکه تلویزیونی، قطعاً سهم عمده‌ای در بیان حقایق برای مخاطبان خود در اقصی نقاط جهان داشته است و دارد؛ برای نمونه می‌توان به موفقیت شبکه‌های «پرس‌تی‌وی»، «سحر» و «الکوثر» اشاره کرد، به‌ویژه در روزهای حساس برای منطقه که خیلی خوب از عهده مسئولیت خود برآمدند؛ اما متأسفانه با وجود عیان بودن تأثیر این شبکه‌ها در ابلاغ پیام جمهوری اسلامی، مدتی قبل خبری مبنی بر قطع شدن شبکه الکوثر منتشر شد و دلیل این قطعی نیز پرداخت نشدن بدهی‌های



نوش دارو بعد از مرگ سهراب می‌رسد؟

در حالی که مسئولان صداوسیما پرداخت نشدن بودجه را دلیل اصلی قطعی شبکه‌های ماهواره‌ای می‌دانستند، مدیران مربوطه دولتی اذعان می‌کنند بودجه به صداوسیما پرداخت شده است.

ادامه این روال قطعاً به این معناست که خودمان با دستان خود نقش سربازان خط مقدم انقلاب اسلامی را در جنگی نابرابر گرفته‌ایم و قرارگاه‌های مقابله با دشمن را در جنگ نرم و دیپلماسی عمومی را نابود کرده‌ایم. باید مسئولان مربوطه در این زمینه جوابگو باشند و اسناد خود را ارائه دهند؛ در حقیقت مقصر این وضعیت هر که هست، باید در پیشگاه مردم کشورش جوابگو باشد.

در حال حاضر نیز باید هر چه سریع‌تر و پیش از اینکه یک به یک تمام این شبکه‌ها را از دست بدهیم، فکری به حال ایس‌اتفاقات کنیم و به نوش داروی پس از مرگ سهراب راضی نشاییم.

اگر بدهی سازمان صداوسیما به آن در یک بازه زمانی مشخص پرداخت نشود، پخش پرس‌تی‌وی و آی‌فیلم انگلیسی را روی آمریکا متوقف خواهد کرد.

در همان زمان قطعی شبکه الکوثر بود که سازمان صداوسیما اعلام کرد دلیل این قطعی‌ها پرداخت نشدن بودجه از سوی دولت به صداوسیماست؛ اما جبلی در گفت‌وگوی رسانه‌ای با گلابیه از وضعیت موجود گفته است: «من متأسفم که ظاهر آدر کشور مسئولان و نهادهایی که مسئول تأمین بودجه صداوسیما و به‌ویژه مسئول تأمین ارزی صداوسیما هستند، یا متوجه فجایعی که اتفاق می‌افتد، نیستند یا برای‌شان اهمیت ندارد و در هر دو صورت ما روز به روز بی‌دفاع‌تر می‌شویم در مقابل تبلیغات دشمنان و زمینه‌چینی که در افکار عمومی منطقه و جهان علیه ما می‌کند و اینکه فرصت معرفی ظرفیت‌های ایران به خارج از کشور را از دست می‌دهیم.»

برداشت

نگاهی به آثار تألیف شده درباره امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)

روایت کرامت

کتاب درباره امام موسی الرضا المرتضی(ع) به چاپ رسیده که ۵۹ عنوان آن چاپ نخست بود و ۳۳ عنوان نیز اقبال تجدید چاپ را پیدا کردند. از جمله آثار دیگری که از آنها استقبال شد، می‌توان به کتاب‌هایی مانند «پاپوس: آموزه‌هایی برای زیارت مطلوب» نوشته سعید تیمورزاده، «در حریم دوست: آداب خدمتگزاری در حرم مطهر رضوی» از مهدی نیلی‌پور، «از چشمه تا دریا: حکایاتی از زندگی امام رضا(ع)» به قلم غلامرضا حیدری‌بهری و «زیارت عاشورا: برگرفته از مفاتیح‌الجنان حرم مطهر امام رضا(ع)

تلاش می‌کنیم برخی آثار را که بیشتر به آنها توجه شده یا در سال‌های گذشته به چاپ رسیده‌اند، معرفی کنیم، از جمله آنها کتاب «یک مقممه دریا: صد قصه و نکته از زندگی امام رضا(ع)» است.

سال ۱۳۹۷، این کتاب به نویسندگی محمدهادی زاهدی با ۲۵۰ هزار نسخه در چاپ نخست خود، توانست عنوان یکی از کتاب‌های پرتیراژ درباره امام رضا(ع) را از آن خود کند. البته در همان سال و بر اساس گزارش اطلاعات کتاب‌شناسی مؤسسه خانه کتاب، ۹۲ عنوان

دهه کرامت با نام دو عزیز بزرگوار گره خورده است؛ امام رضا(ع) که همه ما ایرانیان بر سر خون رحمتش نشسته‌ایم و خواهر بزرگوارشان حضرت معصومه(س) که وجود مبارکشان سرآغاز چشمه هدایت در قم بوده است.

فرارسیلین این دهه سبب شد به این بهانه برخی از بهترین آثار نوشته و منتشرشده درباره زندگی و شخصیت امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) را بررسی کنیم.

هر چند درباره این دو بزرگوار از گذشته تاکنون کتاب کم نبوده است، با این حال در این یادداشت

انیمیشن

چهل شاهد

انیمیشن زندگی سردار سلیمانی



رئیس مرکز پویانمایی صبا گفت: «انیمیشن «از کودکی تا شهادت سردار سلیمانی» هم‌زمان با سالگرد شهادت این شهید بزرگوار پخش می‌شود.» «محمدرحیم لیوانی» درباره تولید انیمیشن «سردار سلیمانی» در مجموعه انیمیشن «چهل شاهد» گفت: «تا الان، تولید یک فصل از این مجموعه

انیمیشن به پایان رسیده است. این مجموعه در چهار قسمت تهیه و تولید می‌شود که یک قسمت چهل دقیقه‌ای از آن درباره زندگی سردار سلیمانی در روز سالگرد ایشان از تلویزیون پخش می‌شود.»

مستند

روایت دهه ۱۳۳۰

تاریخ ورزش ایران مستند می‌شود



«جواد خیابانی» گزارشگر فوتبال و از برنامه‌سازان صدا و سیما از ساخت فیلم مستند «تاریخ ورزش ایران» با بهره‌گیری از منابع سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران خبر داد. مستند تاریخ ورزش ایران در ۵۲ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای در حال تهیه است و تاکنون ۱۲ قسمت از آن

تکمیل و ساخته شده است بخش قابل توجهی از این مستند به اتفاقات و وقایع ورزشی در سال‌های دهه ۱۳۳۰ اختصاص خواهد داشت، اتفاقاتی پیرامون زندگی جهان پهلوان غلامرضا تختی، تیم شاهین، خسروانی خواهد بود.

ادبیات

شعر خردسالان

جدیدترین تولید کانون پرورش فکری



کتاب شعر «عروس کیه؟ دو ماد کیه؟» جدیدترین اثر «پیوند فرهادی» برای خردسالان تا چندین دیگر از سوی انتشارات کانون پرورش فکری وارد بازار کتاب می‌شود. پیوند فرهادی درباره ویژگی‌های کتاب «عروس کیه؟ دو ماد کیه؟» تصریح کرد: «شعرهای این کتاب محاوره است. در این شعرها سعی کردم به طنز و شادی‌انگیزی ویژه اشعار خردسالان توجه زیادی داشته باشم و پیوندهای آوایی را به پیوندهای معنایی مطابق با سلیقه مخاطبم ترجیح دادم. اغلب اشعار این کتاب نیز در قالب مثنوی است. این اثر مناسب گروه سنی بالای چهار سال است.

سینما

امید به ۱۲ داوطلب



شاهرخ صالحی
روزنامه‌نگار

در حالی که یک ماه از شکل‌گیری مجلس یازدهم گذشته است، ترکیب کمیسیون‌ها نشان می‌دهد نمایندگان چنداند تمایلی به کمیسیون فرهنگی ندارند و فقط ۱۲ نفر از ۲۷۵ نماینده راهیافته به مجلس یازدهم داوطلب عضویت در این کمیسیون شده‌اند. مجلس شورای اسلامی دارای ۱۳ کمیسیون تخصصی دارد که در این میان کمیسیون‌هایی، نظیر امنیت ملی و سیاست خارجی، اقتصادی، برنامه و بودجه و انرژی پرطرفدار هستند و نمایندگان بسیاری در همان ابتدای امر برای عضویت در آنها اعلام آمادگی می‌کنند؛ اما نکته قابل تأمل برای اهالی فرهنگ و هنر این است که کمیسیون فرهنگی مجلس همواره یکی از کم‌طرفدارترین کمیسیون‌ها در دوره‌های مختلف مجلس بوده است و نمایندگان رغبت و انگیزه اندکی برای حضور در این کمیسیون داشته‌اند. از سوی دیگر، پس از تقسیم نمایندگان در کمیسیون‌های تخصصی، نمایندگانی که در کمیسیون‌هایی که تقاضا کرده‌اند، عضو نشده‌اند، به کمیسیون فرهنگی هدایت می‌شوند. با این حساب، چگونه از نمایندگانی که نه تنها علاقه به عضویت در کمیسیون نداشتند، بلکه از سر اجبار به کمیسیون فرهنگی راه یافته‌اند، می‌توان انتظار داشت دغدغه فرهنگ داشته و به دنبال تصویب طرح‌ها و لوایح اثرگذار در این حوزه باشند؟ اگرچه دلایل مختلفی برای این بی‌رغبتی نمایندگان برای عضویت در کمیسیون فرهنگی مطرح شده، اما واقعیت این است که نمایندگان ترجیح می‌دهند در کمیسیون‌هایی عضویت داشته باشند که یا مانند کمیسیون امنیت ملی برای آنها وجهه رسانه‌ای و سیاسی داشته باشد یا مانند کمیسیون اقتصادی یا برنامه و بودجه امکان چانه‌زنی و دریافت بودجه را برای توسعه حوزه انتخابیه‌شان ایجاد کند؛ بنابراین کمیسیون فرهنگی که نه وجهه رسانه‌ای دارد و نه جای چانه‌زنی، چندان با استقبال رویه‌رو نخواهد شد. از سوی دیگر، موضوعات فرهنگی، اقداماتی زمان‌بر و طولانی‌مدت هستند تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنند؛ بنابراین دستیابی به یک طرح یا مصوبه فرهنگی که خیلی زود به نتیجه برسد و اثرگذار شود، انتظاری بیهوده است و برای نماینده‌ای که از روز اول ورود به مجلس، نیم‌نگاهی به حضور در دوره‌های بعدی مجلس هم دارد، اقدامات فرهنگی نمی‌تواند گزینه خوبی برای جلب نظر و رضایت مردم رأی‌دهنده به نماینده در حوزه انتخابیه به حساب بیاید. در کنار این دلایل، تخصصی بودن موضوعات فرهنگی و هنری را هم باید اضافه کرد؛ شساید کمتر نماینده‌ای باشد که در موضوعات تخصصی تئاتر یا سینما بتواند اظهارنظر مؤثر و کارشناسی داشته باشد و همین مشکل هم در طول ادوار مجلس شورای اسلامی سبب شده است هم شاهد مشارکت اندک نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی در رویدادهای مهم فرهنگی و هنری کشور باشیم و هم شاهد بی‌رغبتی به ارائه طرح‌ها یا بررسی لوایح مؤثر در این حوزه. اگرچه اکنون برای قضاوت درباره عملکرد مجلس یازدهم بسیار زود است، اما شاید بتوان امیدوار بود همین ۱۲ یا ۱۳ نفری که با علاقه خودشان وارد کمیسیون فرهنگی مجلس شده‌اند، پشتکار و انگیزه لازم برای فعالیت جدی در این حوزه را داشته و مردم هم شاهد یک گام رو به جلو در فعالیت‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی در حوزه «فرهنگ» باشند.



عبدالله گنجی: آمریکا تحریم‌های گسترده‌ای را علیه سوریه و هر کشوری که با آن تجارت کند، شروع کرد؛ واقعا سوریه جنگ‌زده چه تهدیدی را متوجه منافع آمریکا می‌کند؟ واقعت این است که آمریکا با تحریم ایران منتظر فروپاشی مقاومت بود که نتیجه نگرفت و فهمید اقتصاد سوریه وابسته به ایران نیست، حال مستقیم وارد شد.



علی خضریان: در شرایطی که با رشد اقتصادی منفی ۷ درصدی مواجه هستیم و توجه به اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند راهگشا باشد، طرح جهش تولید دانش‌بنیان را که به دنبال تسهیل حضور جوانان و نخبگان، به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد ملی و عرصه‌های تولیدی کشور است، با ۶۰ امضا تقدیم هیئت رئیسه کردیم.



مهدی محمدی: جالب است؛ اروپایی که می‌گفت به برجام نیاز امنیتی دارد، حالا در شورای حکام خود بانی قطعنامه‌ای شده که از حیث سیاسی به معنای تنزل برجام به مرتبه‌ای پایین‌تر از کاغذپاره است.



سیدعباس صالحی: قطرات خون شهید سلیمانی یادآور خون بیحیای نبی(ع) است که می‌جوشید و نمی‌خشکید. ترامپ و قاتلان او تا پایان عمر نفس خوشی نخواهند داشت. بیهوده دستکش مخملین خونین را پیش نیاورند. انتقام سخت الهی برای‌شان آغاز شده است.

نرم افزار

آموزش همگانی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در بین دستگاه‌ها و سازمان‌های پر تعداد فعال در عرصه فضای مجازی، از جمله پیشروترین سازمان‌ها شناخته می‌شود؛ زیرا سبب مسئولیت ویژه این نهاد در حوزه حفظ نظم و امنیت عمومی در جامعه، حضور این نیرو در فضای مجازی از ابتدای ورود اینترنت به کشورمان لازم و ضروری بوده است؛ و منجر به ایجاد یک مجموعه تخصصی با عنوان پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات، یا همان «پلیس فتا» زده شد. البته حضور پلیس در فضای مجازی صرفاً محدود به حوزه مقابله با جرائم فضای مجازی نیست و این نهاد، فعالیت‌های فرهنگی مختلفی را برای ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه در حوزه امنیت عمومی پیگیری می‌کند؛ یکی از جدیدترین این اقدامات ارائه «نرم‌افزار کاربردی آموزش همگانی پلیس» است که استفاده از آن را به شما توصیه می‌کنیم.



آموزش همگانی

نگاهی به پیشنهاد استفاده از تکنولوژی تشخیص چهره از سوی پلیس

فصل جدید امنیت

از بروز حوادث مرگبار در معابر کشور بیش از پیش جلوگیری شود. با توجه به توضیحات رئیس پلیس راهور ناجا، به نظر می‌رسد سامانه‌ای که به آن اشاره شد، مبتنی بر تکنولوژی تشخیص چهره یا Facial Recognition System و با اتصال به بانک اطلاعاتی کدهای ملی شهروندان فعالیت خواهد کرد و با استفاده از پردازش‌های هوشمند رایانه‌ای قادر خواهد بود در صورت عبور یک عابر از مسیر غیرمجاز یا ایفای نقش وی در یک سانحه رانندگی، بدون نیاز به حضور فیزیکی پلیس، او را اعمال قانون کند، حتی در صورت اتصال به پایگاه‌های اطلاعاتی بانک‌ها، مبلغ جریمه را از حساب بانکی افراد متخلف کسر کند. بدون شک، این طرح را می‌توان یکی از مهم‌ترین و البته جنجالی‌ترین

طرح‌های تکنولوژیک کشور در نظر گرفت؛ زیرا فارغ از ابعاد فنی و پیچیده آن، اجرای این طرح نیازمند زیرساخت‌های حقوقی ویژه‌ای است و اجرای موفق آن منوط به همراهی افکار عمومی است. البته، پرواضح است افکار عمومی کشور و به ویژه شهروندان قانون‌مدار از اجرای این طرح استقبال می‌کنند؛ زیرا با پیاده‌سازی این تکنولوژی نظارتی نوپدید، برخورد با بسیاری از تخلفات و آسیب‌های اجتماعی تسهیل و تسریع می‌شود؛ برای نمونه، دو سال قبل پلیس چین به سبب استفاده از تکنولوژی تشخیص چهره توانست یک مجرم فراری را از بین یک جمعیت ۵۰ هزار نفری که به تماشای یک جشن عمومی نشسته بودند، شناسایی و دستگیر کند. جالب اینکه این مجرم چینی با این تصور



که در میان جمعیت کسی قادر به شناسایی وی نخواهد بود، از مخفیگاهش خارج و به محل برگزاری جشن آمده بود، اما هیچ‌گاه به ذهنش خطور نمی‌کرد ممکن است پلیس با استفاده از سامانه‌های تشخیص چهره او را در میان خیل جمعیت شناسایی و دستگیر کند. این تجربه موفق به خوبی از کاربردهای بی‌نظیر سامانه‌های تشخیص چهره در افزایش سطح امنیت اجتماعی یک جامعه پرده برمی‌دارد و در یک کلام، موجب تحقق مفهوم نوظهور امنیت هوشمند یا Smart Security در جامعه می‌شود که اهمیت کلیدی آن را می‌توان در مواقع آشوب و اغتشاشات خیابانی که حجم انبوهی از قانون‌شکنان در خیابان‌ها زور آزمایی می‌کنند و شناسایی و مهار آنها نیازمند حجم قابل توجهی از عوامل انتظامی است، به خوبی درک کرد. البته بدیهی است در نخستین ماه‌ها و سال‌های پیاده‌سازی سامانه تشخیص چهره از سوی پلیس، نمی‌توان انتظار تحقق تمام و کمال امنیت هوشمند را در کشورمان داشت؛ زیرا امنیت هوشمند بخشی از یک مفهوم بزرگ‌تر و پیچیده‌تر به عنوان جامعه هوشمند یا Smart Society است و شکل‌گیری جامعه هوشمند علاوه بر زیرساخت‌های فنی مناسب و یکپارچه، از جمله بانک‌های اطلاعاتی ملی، نیازمند همراهی افکار عمومی است؛ از این‌رو ریسانه‌های کشور باید در این حوزه به یاری پلیس بشتابند و با آگاهی بخشی مناسب، زمینه پذیرش این دست‌سامانه‌های نوین نظارتی را در جامعه فراهم کنند.

ترفندستان

بازیابی رمز عبور

این کار کافی است روی نماد network در نوار ابزار، راست کلیک کنید و «open network and sharing center» را انتخاب کنید. در ادامه، روی «Change adapter settings» راست کلیک کنید و شبکه Wi-Fi خود، راست کلیک کرده و از فهرست کشویی «status» را انتخاب کنید. حال، در پنجره بازشوی جدید، «Wireless Properties» را انتخاب و روی برگه Security کلیک کنید. در این مرحله، برای مشاهده رمز شبکه وای‌فای خود کافی است «show characters» را انتخاب کنید تا رمز ذخیره شده در حافظه دستگاه خود را ملاحظه کنید. البته به این نکته باید توجه داشته باشید که اینترفند در صورتی به کار می‌آید که شما قبلاً از رایانه خود برای اتصال به مودم بی‌سیم‌تان استفاده کرده باشید و رمز فعلی شما هم همان رمزی باشد که پیش‌تر از طریق آن رایانه را به شبکه بی‌سیم متصل کرده بودید؛ زیرا در غیر این صورت رمز نمایش داده شده به شما یک رمز قدیمی و تاریخ‌مصرف گذشته خواهد بود.

حامد مظلومی

پژوهشگر

مودم‌های بی‌سیم یا همان مودم‌های ADSL Wireless امروزه، یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های اتصال کاربران به فضای مجازی به شمار می‌آیند و معمولاً در هر خانه‌ای یک مودم بی‌سیم می‌توان یافت. تکنولوژی اتصال بدون سیم این مودم‌ها موجب تسهیل شیوه اتصال کاربران به فضای مجازی شده است؛ اما این مودم‌ها مشکلات خاص خود را هم دارند که مهم‌ترین آنها آسیب‌پذیری شدید ارتباطات بی‌سیم در مقابل هک و دست‌رسی غیرمجاز است؛ از این‌رو کاربران برای کاهش خطر نفوذ افراد بیگانه به شبکه بدون سیم منزل یا محل کار خود، معمولاً رمزهای پیچیده و ترکیبی انتخاب می‌کنند تا ریسک هک ارتباطات بی‌سیم خود را کاهش دهند؛ و با یادگیری یکترفند ساده می‌توانید به راحتی رمز عبور شبکه بی‌سیم خود را در محیط ویندوز بازیابی کنید. برای

پژواک

هفت نخر!

محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات

را تا مدتی بدون هیچ دلیلی به فروشگاه پس دهد و پول خود را بگیرد؛ این کالا پس از بازگشت، از چرخه فروش دوباره خارج می‌شود و به عنوان استوک فروش می‌رود، یا کالایی مدت زیادی در انبار برای فروش باقی می‌ماند و آخر سر، فروشگاه از فروش آن صرف‌نظر می‌کند و با قیمت پایین‌تر به عنوان استوک یا عمده به فروش می‌رساند. هنگامی که کالایی را به عنوان استوک می‌خرید، حتماً به سال ساخت و ظاهر آن دقت کنید. لپ‌تاپی که ۱۰ سال از ساخت آن می‌گذرد و ظاهر تمیزی هم ندارد، استوک نیست و باید به عنوان یک کالای دست دوم به آن نگاه کنید که نهایتاً دو سال دیگر مستعمل خواهد بود. برخی کالاها استوک به دلیل تولید بسیار محدود، هیچ‌گونه لوازم جانبی ندارند؛ فرض کنید جاروبرقی استوکی خریدید و مدتی بعد نیاز دارید لوله آن را عوض کنید؛ اما هیچ‌جا برای فروش آن پیدا نمی‌کنید. در خرید کالاهای استوک و سواست بیشتری به خرج دهید و قیمت به‌ظاهر مناسب این کالاها شما را گول نزنند؛ هیچ ارزانی‌ای بی‌حکمت نیست.

مجازستان

سفر به فضا!

فضایی‌های اسپیس ایکس قادر به اعزام هم‌زمان هفت نفر به ایستگاه فضایی بین‌المللی است؛ در حالی که مهم‌ترین رقیب این پروژه، یعنی سازمان فضایی روسیه، فقط امکان اعزام سه فضانورد به فضا را دارد و با نظر به اینکه ناسا فقط قصد زرو چهار صندلی فضایی اسپیس ایکس را دارد، عملاً این شرکت می‌تواند سه صندلی خود را در اختیار گردشگران و علاقه‌مندان به فضانوردی قرار دهد و از قبال آن میلیون‌ها دلار درآمد کسب کند. در واقع هدف اصلی این شرکت نیز باز کردن بابی جدید در حوزه گردشگری، آن‌هم در فضای خارج از جو زمین است و طبیعتاً این اقدام می‌تواند درآمد قابل توجهی برای این شرکت به همراه داشته باشد؛ البته هدف‌گذاری اسپیس ایکس بر گردشگری از ایستگاه فضایی بین‌المللی نیست، بلکه این شرکت به دنبال راه‌اندازی تورهایی گردشگری فضایی در مسافت‌های طولانی حتی به مقصد مریخ است و موفقیت اخیر این شرکت می‌تواند رویای مسکونی کردن فضا را به حقیقت نزدیک‌تر کند.

استارت‌آپ

آنلاین بیاموز

وب‌سایت موفق تلاش کرده است تا به شکلی مناسب و مخاطب‌پسند محتوای آموزشی را به کاربران فارسی زبان خود عرضه کند و در این مسیر تاکنون موفق شده است بیش از شش هزار محتوای آموزشی تولید و منتشر کند. جالب است بدانید وب‌سایت بیاموز از سال ۱۳۸۷ با هدف توسعه و ارتقای سطح آموزش کاربران در حوزه فناوری اطلاعات فعالیت خود را آغاز کرده و امروز پارا از این حوزه فراتر گذاشته و مباحث آموزشی متنوعی را به سبد محصولات خود افزوده است؛ زیرا در همان بدو راه‌اندازی این استارت‌آپ و در سند چشم‌انداز آن، زمینه‌های آموزش سایر علوم، از جمله زبان انگلیسی، علوم قرآنی و... نیز پیش‌بینی شده بود. مدیران این استارت‌آپ موفق ایرانی هدف اصلی خود از راه‌اندازی این مجموعه آموزشی را ارتقای سطح دانش فنی و ارتقای توانمندی‌های کاربران اعلام کرده‌اند که این نوع هدف‌گذاری نشان از روحیه بسیجی این نخبگان جوان ایرانی دارد و طبعاً وجود این روحیه، اثربخشی فعالیت این دست‌استارت‌آپ‌ها را در جامعه بیشتر می‌کند.

برای راه‌اندازی یک استارت‌آپ موفق الزماً نیازی به خلق ایده‌ای کاملاً جدید و بکر نیست؛ بلکه می‌توان با کمی جست‌وجو تجربیات موفق گذشته استفاده کرد و کسب‌کار جدید و پرمخاطبی را شکل داد. برای نمونه «آموزشگاه بیاموز» که از جمله استارت‌آپ‌های موفق حوزه آموزش کشورمان شمرده می‌شود، رسماً با الگوبرداری از استارت‌آپ آموزشی W3Schools فعالیت خود را آغاز کرده و هم‌اکنون به یک مرجع آموزشی پرمخاطب بدل شده است. «دبلیو تری سکولز» که الگوی استارت‌آپ بیاموز بوده، یک وب‌سایت آموزشی معروف در حوزه دانش وب است و با مراجعه به آن می‌توان با زبان‌های برنامه‌نویسی معروف، مانند پی‌اچ‌پی، مای‌اس‌کیوال، اچ‌تی‌ام‌ال، سی‌اس‌اس، جاوااسکریپت، پایتون، اکس‌ام‌ال و جی‌کوتزی به طور کامل آشنا شد؛ به طوری که اغلب فعالان حوزه برنامه‌نویسی و توسعه‌وب از آن به عنوان معتبرترین مرجع آموزشی موجود یاد می‌کنند. به همین دلیل نیز استارت‌آپ «آموزشگاه بیاموز» با الگوبرداری از این

چهره ماندگار انقلاب

علیرضا جلالیان

دبیر گروه سپاه



فضلی هم یک مکتب است. به تعبیری او خود نه علمدار، بلکه راه و علم است. حاج‌قاسم سلیمانی او را «شهید فضل‌ی» خطاب می‌کرد. نماد ایثار و اخلاق و محبوب دل‌ها. در زمانی که این سردار رشید اسلام کم‌کم از دوره نقاهت بیماری خود خلاص می‌شود، برای پاسداشت او بر آن شدیم تا در گفت‌وگو با یکی از نزدیکان و همراهانش به ابعاد مختلف شخصیت حاج‌علی فضل‌ی را بررسی کنیم تا همچون قاسم سلیمانی، این شهید زنده را قبل از شهادت خوب بشناسیم. «احمد زارع‌دار» مسئول دفتر فرماندهی لشکر ۱۰ سیدالشهدا از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ مسئول دفتر سردار علی فضل‌ی بوده است. ورودی سال ۱۳۶۰ در سپاه قزوین و فرمانده سپاه آبیگ است و از سال ۱۳۶۵ مسئولیت دفتر فرماندهی لشکر سیدالشهدا را برعهده دارد. با او در یک گفت‌وگوی مفصل همراه شدیم که در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را می‌خوانید.



روحانی بود که شاید ده سال جوان‌تر از حاجی بود، اما با ایشان خیلی با احترام رفتار می‌کرد. حاجی وقتی به سخنرانی می‌رفت احترام نظامی به جمعیت می‌گذاشت. محبوب دل مردم بود. وقتی سخنرانی عمومی می‌رفت بنا به تجربه لباس اضافه به ما شین می‌آوردم تا اگر در اثر هجوم مردم لباس پاره شد، برای جلسات رسمی بعدی مشکلی نباشد. واقعاً باید حاجی را وقتی در بین مردم عبور می‌کرد، دوره می‌کردیم.

من در خانه خودم می‌دیدم هر بار فرزند پنج شش ساله من هم وارد اتاق می‌شد، این جانباز بزرگوار برایش بلند می‌شد. همین رفتار را برای سربازان و سایرین داشت. همه افتخار شایسته سبزه پاسداری بود.

خیلی ابهت دارد. رفتن بیرون، سلام کرد سریع و با عصبانیت گفت چرا کولر روشن کردید؟ همین الان خودت شخصاً می‌روی کولر را برمی‌داری می‌روی سنگر مخابرات فلان گردان نصب می‌کنی و می‌آیی، تا بچه‌ها توی سنگر کولر و پنکه ندارند، در سنگر فرماندهی کولر و پنکه ممنوع است. من گفتم شما بیاید داخل من الان می‌رم. گفت نه، رفتی انجام دادی، بیا با هم می‌رویم داخل. واقعاً هم تا آخر زیر آفتاب ایستاد تا من کولر را ببرم. ما اصلاً نفهمیدیم حاجی کی آمده، کی رفته همه سنگر‌ها را سرکشی کرده و بعد آمده است سنگر فرماندهی.

معلولیت دارد و در خانه از او نگهداری می‌کنند. برادرش هم شهید شده. داماد حاجی هم فوت کرده بود و ایشان باید همه اینها را سرپرستی می‌کرد. از طرفی، حاج‌علی تا سال ۱۳۷۰ منزل اجاره‌ای داشت و در نهایت با کمک دوستان لشکر برای ایشان زمینی خریداری کردیم که با یکی دیگر از بچه‌های لشکر شریک بودند و توانستند خانه بسازند. خاطرات زیادی از مهمانی‌ها و سفره‌های افطار در خانه هم داریم.

حاج‌علی اهل شوخی هم هست؟

اقتدار و جدیت حاجی سرجای خودش، اما وقتی که می‌خواهد شوخی کند و شیطنتش گل می‌کند، باید خدا به شما رحم کند. در مراسم ولیمه حج خودم، حاج‌علی چند تا از بچه‌ها را مأمور کرد بروند پشت بام و همه را خیس کنند. یک بار در اردوگاهی که کنار سد داشتیم، از مهمان‌هایش با آب خنک پذیرایی کرد و به من گفت فلانی را بنده توی آب و اگر نمی‌آنداختم، خودم محکوم بودم به پرتاب شدن در آب سرد سد. شما سراغ شوخی‌های حاجی را باید از فرماندهان دیگر لشکر بگیرید.

حاج‌علی ذهنی قوی دارد، من این را در روایت‌های ایشان از جنگ دیدم، با جزئیات کامل سخن می‌گوید.

بله، از خصوصیت‌های مهم حاج‌علی همین ذهن ایشان است؛ مثلاً من در قطار کار تابل حاجی را می‌آوردم تا نامه‌هایی را که خودش باید دستور می‌داد، برایش بخوانم. برخی نامه‌ها هم گزارش هفتگی و ماهانه معاونت‌های لشکر بود. دیدم حاجی هم‌زمان چند ورق نامه را دارد می‌خواند و اخبار را هم از رادیو گوش می‌دهد. شروع کردم به خواندن نامه‌ها، گزارش هفتگی نیروی انسانی را خواندم و وسطش متوقف شدم، گفتم حاجی حواسش به نامه‌های خودش است که یک‌دفعه گفت ادامه بده، گفتم حاجی شما حواس‌تان نیست، کارتان تمام شد، می‌خوانم. وقتی حاجی گفت حواسم هست و تمام اطلاعات گزارش نیروی انسانی از آمار گردان‌ها را که خوانده بودم، برابرم دوباره گفت، من به‌تازه شدم. حاجی محال است با کسی چند ثانیه حرف بزند و چند سال بعد او را ببیند و یادش نباشد او کیست و آن زمان کجا و چه به حاجی گفته، واقعاً نابخه است.

چطور شد مسئول دفتر فرمانده لشکر شدید؟

ظاهراً حاج‌علی دنبال یک مسئول دفتر می‌گشت تا تشکیلات دفتر فرماندهی را به صورت منسجم تشکیل دهد. به پرسنلی لشکر سپرده بود تا فرد مناسب را پیدا کنند. من خوش خط بودم و قلمم هم خوب بود. بیرون دفتر پرسنلی نشسته بودم که مسئول نیروی انسانی لشکر با حاج‌علی تلفنی صحبت می‌کرد و می‌گفت فردی را که می‌خواستم، پیدا کردم. حاج‌علی تازه از حج برگشته بود.

عملکرد حاج‌علی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حاج‌علی تابع محض ولایت است. وقتی فرمان می‌رسد، دیگر هیچ چیز برایش مفهوم ندارد. او در هیچ کجا ناموفق نبود. از غائله قزوین تا حوادث سال ۱۳۸۸ که در دوره فرماندهی ایشان بر لشکر ۱۰ سیدالشهدا اتفاق افتاد، با تدبیر حاجی صحنه مدیریت شد.

درباره ساده‌زیستی حاجی بفرمایید.

خیلی از مواقع پیش می‌آمد که ما با قطار درجه دو و سه به عنوان ستاد فرماندهی لشکر به منطقه عملیاتی می‌رفتیم. در دفتر فرماندهی کولر ممنوع بود؛ چون همه سنگرها و دفترهای ستاد لشکر کولر نداشتند. در ماشین هم کولر ممنوع بود. غذای حاجی و سایر نیروهای لشکر یکی بود، بدون هیچ اضافه‌ای؛ هر کسی موقع ناهار در مجموعه بود، چه بسیجی و چه هر کس دیگر، باید با حاجی هم‌سفره می‌شد و همه هم یک غذا داشتند.

همان حادثه حج خونین؟

بله ظاهراً. بعد از چند روز که حاجی به لشکر آمد، ما شاکله دفتر فرماندهی را درست کردیم. قبلاً حاجی مسئول دفتر داشت، اما دفتر شاکله کاملاً نداشت.

در اولین جلسه که با حاج‌علی فضل‌ی داشتیم، ایشان تأکید کرد ما اینجا ساعت کاری نداریم و درباره بسیجی‌ها خیلی تأکید کرد. یکی از خصوصیت‌های مهم حاج‌علی اهمیت است که به بسیجی‌ها می‌دهد. خانواده شهیدها خیلی برایش مهم است. چند پدر شهید در لشکر حضور داشتند، می‌گفت اینها حبیب‌های لشکر هستند. سفارش می‌کرد هر کدام از بسیجی‌ها با من کار داشت، حتی موقع استراحت بود به من بگو، هیچ یک از این عزیزان را که با من کار دارند، رد نکن. وقتی که با ماشین مثلاً به قرارگاه برای جلسه یا هر کار دیگری می‌رفتیم، در مسیر حتماً بسیجی‌ها را سوار می‌کرد.

با توجه به روابط خانوادگی که با هم دارید، از همسر حاج‌علی بگویید؟

حاج‌علی فضل‌ی به تنهایی حاج‌علی فضل‌ی نشده، یک شیرزن پشت حاج‌علی است. خود حاج‌علی جانباز است و در خانه نیاز به مراقبت و مواظبت دارد، دختر حاجی معلولیت دارد، حاجی به سبب مسئولیت، خودش مهمان زیاد داشت و دو فرزند دیگر حاجی هم بودند، خود حاج‌علی هم نمی‌توانست خیلی بیرون خرید انجام دهد؛ با همه این اوصاف، آن شیرزن همیشه پشت حاجی بوده و هست. حاجی چنین همسری دارد و همسر خود من شاهد این زحمات خانم حاجی بوده است.

از سایر خصوصیات ایشان بفرمایید؟

شهید حاج‌قاسم سلیمانی می‌گفت حاج‌علی فضل‌ی از فرماندهانی بود که می‌گفت بیا، نمی‌گفت برو؛ یعنی خودش از همه جلوتر در خط بود. بارها دیدم وقتی جایی از خط گیر می‌کرد، حاجی خودش را می‌رساند به خط مقدم برای حل کردن مشکل و ما هم نمی‌توانستیم مانع شویم. برای روحانیت خیلی احترام قائل بود؛ کاری نداشت طلبه جوان است یا مسن. مسئول تبلیغات لشکر یک

حاج‌علی جانباز است، به خصوص از ناحیه چشم، در این باره بفرمایید.

حاجی شب‌ها دیگر اصلاً دید نداشت و حتماً باید دستش را می‌گرفت تا بتواند جایی برود. یک چشم‌شان تخلیه شده است؛ ولی همین حاج‌علی مردی خستگی‌ناپذیر بود؛ من و بعضی دوستانی که جانبازی نداشتیم، برای جلسات و کارهای حاجی کم می‌آوردیم. تا نیمه‌های شب جلسه بود، می‌گفتم حاجی بچه‌ها خسته شدند، کم‌کم جلسه تمام می‌شد و تازه جلسات فردی شروع می‌شد؛ حاجی کسی را رد نمی‌کرد، حرف همه را گوش می‌کرد؛ یعنی جانبازی مانعی برای او نبود. یک بار دیدم از شدت کم‌خوابی آن یکی چشم حاجی هم خون افتاده است. حاج‌علی برای بچه‌ها پدر و برادر بود.

از زندگی خصوصی حاجی چیزی می‌دانید؟

بله، رفت‌وآمد خانوادگی داریم. حاجی به شدت ساده‌زیست است. یکی از دختر خانم‌های حاجی

از زندگی خصوصی حاجی چیزی می‌دانید؟

بله، رفت‌وآمد خانوادگی داریم. حاجی به شدت ساده‌زیست است. یکی از دختر خانم‌های حاجی

یادداشت شفاهی

شفایافته حضرت امام (ره)

سردار ابوالفضل مسجدی



مسئول روایان سپاه و بسیج

حاج‌علی فضل‌ی شفایافته به دست امام خمینی (ره) است. او در ابتدای دوران دفاع مقدس در جبهه ذوالفقاری آبادان از ناحیه سر مجروح و نابینا می‌شود. ایشان در بیمارستان مصطفی خمینی بستری شده بود که قرار ملاقات با امام (ره) را برای‌شان می‌گذارند. حضرت امام (ره) دستی بر سر و روی حاج‌علی می‌کشند و به دعای ایشان حاج‌علی شفا پیدا می‌کند. این در کتاب کرامات حضرت امام خمینی (ره) نقل شده است. او تقریباً در همه عملیات‌ها حضور داشت. سردار علی فضل‌ی از تاریخ عبرت گرفته بود؛ از مالک اشتر و محمدابن‌ابی‌بکر در ولایت‌مداری و از بی‌بصیرتی بسیاری دیگر عبرت گرفته بود و نمی‌خواست تاریخ تلخ دوباره تکرار شود. علی فضل‌ی هرگز دچار تردید نشد. در دفاع مقدس هر جا قرار می‌گرفت، آن سرزمین را به کربلا و روزهای آن را به عاشورا تبدیل می‌کرد. حماسه‌های آنچنان در دل دشمن رعب انداخت که در عملیات والفجر ۸ دشمن برای سر او جایزه گذاشت. در کربلای ۵ مصداق آن فرماندهان و پاسدارانی بود که به قول رهبر معظم انقلاب، کربلا را در شلمچه مشفق می‌کردند. با اینکه لشکر ۱۰ شهیدها و مجروحان بسیار زیادی داد، اما در این جنگ تمام‌قوات حاضر شد؛ حاج‌علی حتی نیروهای آشپزخانه را هم راهی خطوط جنگ کرد؛ چون سر نوشت اسلام بود و ۴۰ کشور به صورت مستقیم پشت سر ارتش بعث بودند. در کربلای ۵ یکی از فرماندهان تیپ‌های لشکر می‌گفت حاجی از پشت بی‌سیم ما را هدایت می‌کرد و من متعجب از اشرف حاجی به مسیر و محدوده بودم که چگونه از قرارگاه انظور دارد ما را هدایت می‌کند، در نهایت وقتی به نقطه مورد نظر رسیدیم، دیدیم حاج‌علی جلوتر از ما آنجاست. مصداق این جمله حاج‌قاسم سلیمانی که می‌گفت فرماندهان ما می‌گویند بیا، نه برو؛ در جنگ همه جا پیشاپیش رزمندگان بود. در کربلای ۵، لشکر حاجی و نیروهایش اثبات کردند ولایتی هستند. وقتی عمده نیروها شهید و مجروح بودند، حاج‌علی فضل‌ی با گرفتن وعده دیدار امام (ره) لشکر را دوباره زنده کرد. بعد از جنگ هم در مقابل همه فتنه‌های دشمن سینه سپر کرد. فتنه مشهد، قزوین، اسلام‌شهر... و همه را بدون اینکه خون از دماغ کسی بیاید، مدیریت کرد. سال ۱۳۸۸ در تهران هر جایی با نیروهایش حاضر می‌شد، فتنه‌گران یا به فرار می‌گذاشتند. در وقایع طبیعی مانند سیل و زلزله همیشه کنار مردم بود. بسیار مؤدب، هر جا که کسی از او سؤال داشت، تمام‌قد می‌ایستاد و گوش می‌کرد. سربازها شیفته اخلاق او بودند. در مقابل ولی همیشه دست به سینه بود و اطاعت می‌کرد. او فرهنگی و آینده‌بین بود. حاج‌علی فضل‌ی مؤسس اصلی راهبان نور است؛ از سال ۱۳۶۴، زمانی که برای خانواده شهیدای لشکر بازدید از فتوحات رزمندگان را می‌گذاشت تا این سال‌ها که فرمانده قرارگاه راهبان نور سپاه و بسیج بود و تحول آفرید. شوخ‌طبعی حاج‌علی هم سرچایش است؛ در عین حال مردی مقتدر و باصلابت است؛ اما همین فرمانده مقتدر، اهل افتخار و نبروهایش بود و ساعات‌ها برای انجام عملیات با فرماندهان بحث می‌کرد تا قانع شوند. هیچ کجا مأموریت ناموفق نداشت؛ چون با خداست، خدا همیشه با اوست.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: عبدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامکباقری، سعیداللزاعی،

فرهادمهدوی، مهدی سعیدی، فتح الله پیرشان،

محمدرضامهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی فر

دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی

مدیر فنی: محمد صالح نادری

صفحه آرا: علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد گوردزی

ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶ (۰۲۱)

تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

ssweekly.ir

@ssweekly

info@ssweekly.ir

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۵۵ | دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۹

صبحانه

همراه خوب

در کنار آنهایی باش که نور می آورند و جادو می کنند. آنها که با چوب جادویی گفتار، نگاه، رفتار و منش ویژه خودشان، تو و جهان را متحول می کنند و همه بازی ها را به هم می زنند. کسانی که داستان های زیبا می گویند، تو را به چالش می کشند و تغییرت می دهند. کسانی که به تو اجازه نمی دهند خودت را دست کم بگیری و افق زندگی ات را کوچک بپنداری. کسانی که به تو نگرش درست را یاد می دهند... در کنار آنها باش.

صادقانه

تعجیل در کار خیر

امام جعفر صادق (ع): وقتی اراده کار خیری نمودی تأخیرش مینداز؛ زیرا خدای تعالی گاهی بر بنده مشرف می شود که او مشغول طاعتی است، پس می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که تو را پس از این هرگز عذاب نکنم و چون اراده گناهی کردی انجام مده؛ زیرا گاهی خدا بر بنده مشرف می شود که او معصیتی انجام دهد، پس می فرماید: به عزت و جلالم که تو را بعد از این دیگر نخواهم آمرزید. (اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۳)

تلخند

مجسمه ای که ترامپ آرزو دارد به پایین بکشد! / ترامپ با تحریم دیوان بین المللی کیفری در روزهای گذشته، نشان داد با هرگونه روشن گری و شفاف شدن مخالف است. _ کارتونیس: ماریان کامنسکی از انریش



کتیبه سبز

خاتون شهر

خاتون شهر آینه های بزرگوار زهرای شهر یثرب مایی بزرگوار چشم ملک ندیده دمی سایه تو را ناموس بارگاه خدایی بزرگوار این قوم را به راه حقیقت کشانده ای موسای بی عبا و عصایی بزرگوار بر شانه های باد، جهاز تو حمل شد فرمانروای ملک سبایی بزرگوار گم کرده ایم کعبه حاجات و آمدیم نزد شما که قبله نمایی بزرگوار باران رحمت ازلی سهم مان شده بی شک دلیل فیض، شمایی بزرگوار خلقت شبیه پیر کریم عشیره است الحق ز نسل شیر خدایی بزرگوار از لحن گریه کردن زوار واضح است در قم، بقیع اهل بکایی بزرگوار یادت نمی رود چه قراری گذاشتیم؟ محشر دم بهشت بیایی بزرگوار

یوسف رحیمی



حرف تو حرف

مصاحبه با یک سلبریتی همیشه در حال اظهار نظر

پات رو از روسیم بردار

* شما همیشه درباره موضوعات مختلف اظهار نظر می کنید، درسته؟
قطعاً، آگه ما سلبریتی ها امور رو تو دست مون نگیریم که جامعه دچار هرج و مرج می شه.
* نظر تون درباره ادعای سران کشورهای غربی درباره دفاع از حقوق بشر، به ویژه ایرانی ها چیه؟
این فقط یک ادعا نیست؛ اون ها همیشه مدافع حقوق بشر، به ویژه برای ما ایرانی ها هستند. مادر یک دهکده جهانی زندگی می کنیم، ما و آمریکا نداریم، وقتی به انسانی ظلم بشه، خب اون ها ازش دفاع می کنند.
* نظر تون درباره وقایع اخیر آمریکا چیه؟
نظر خاصی ندارم.
* کشته شدن یک مرد سیاه پوست زیر فشار زانوی پلیس آمریکا هیچ اهمیتی نداره؟
اهمیت که داره، چون چندتا پلیس احمق که حواس شون به فیلم بردار نبوده، باعث خراب شدن چهره دولت آمریکا شدند.
* نظر تون درباره قطع اینترنت و سرویس های ارتباطی در واشنگتن چیه؟
این انگ ها به آمریکا نمی چسبه، حتماً به سیاه پوست پاش رو گذاشته روی سیم اصلی.
* خبر دارید مردم آمریکا پرچم این کشور رو آتش زدند؟
اون تصاویر رو مزدورهای ایرانی از جای خاصی با استفاده از ترندهای کامپیوتری، تحریف، برش و همگام سازی حرکات درست کردند و ربطی به آمریکایی ها نداره.
* نظر تون...
تموم کنید این سؤال ها رو، خودمون هزارتا بدبختی داریم، تا کشور خودمون هست چی کار به بقیه کشورها دارید؟
مریم محمودی

سردار دل ها

فرمانده محاصردهشکن



«حاج قاسم خستگی را خسته می کرد، انقدر تلاش می کرد، امروز، اینجا، فردا، آنجا، همه جا می رفت تا بتواند رهنمودهای حضرت آقا را روی زمین پیاده کند؛ اما منتهی الیه آرزوی حاج قاسم شهادت بود و دوست داشت به آن برسد. خیلی از دوستانش هم شهید شده بودند که در فراق آنها بعضی مواقع ما می دیدیم می نشست گریه می کرد. یک شب رفته گلزار شهدای اصفهان، عادت بود هر وقت می رفتم آنجا فاتحه ای برای شهید «حسین خرازی»، شهید «احمد کاظمی» و «شهید قاضی» که در کنار هم هستند می خواندم. دیدم یک نفر روی قبر احمد افتاده است و به شدت با صدای بلند گریه می کند، یک دفعه بلند شد بروم، دیدم حاج قاسم است؛ مثل ابر بهاری برای شهید کاظمی گریه می کرد. در «حلب» هنگامی که در حال جنگیدن با دشمن بودیم، دشمن آمد پشت سر ما را بست و در منطقه جنوب حلب جاده خاصر به آسقیار هم مسدود کرد. به این ترتیب همه نیروها در منطقه حلب محاصره شدند، به گونه ای که دیگر نه غذا می آمد، نه آذوقه، نه مهمات، نه سوخت، نه نیرو. یک بالگرد با همه مشکلات در تاریکی شب می آمد، یک سری امکانات می آورد و می رفت. در این شرایط حاج قاسم آمد و فرماندهی منطقه خاصر را بر عهده گرفت. «ابو احمد» را هم به منطقه اثری فرستاد. البته یک ماه طول کشید تا محاصره شکسته شد. حاج قاسم در این مدت یک ماه از منطقه بیرون نرفت؛ چون می دانست با رفتنش همه منطقه می فهمند حاج قاسم رفته است، روحیه شان را از دست می دهند و ممکن بود منطقه فروپاشد.»

به نقل از سردار محمود چهارباغی

پیشنهاد هفته

نسیم حرم

در این روزها که مراقبت ها برای رهایی یافتن به شرایط عادی ادامه دارد و فعالیت هایی که نیاز به تجمع و شرکت افراد در آن دیده می شود، تعطیل شده است، گروهی با استفاده از بستر فضای مجازی به فعالیت های خود ادامه می دهند. افتتاح نمایشگاه مجازی عکس «نسیم حرم» با مشارکت ۱۲ عکاس خبری در وبسایت حرم حضرت معصومه (س) از این نمونه هاست. حجت الاسلام «محسن آرمه ای» مدیر روابط عمومی و تبلیغات آستان مقدس کریمه اهل بیت (س)، از افتتاح نمایشگاه مجازی عکس «نسیم حرم» به منظور نمایش آثار خلق شده از سوی عکاسان خبری استان قم از حرم مطهر بدون زائر خبر داد و اشاره کرد: در دوران بسته بودن موقت درهای آستان مقدس کریمه اهل بیت (س)، فعالیت ها و خدمات این آستان مقدس تعطیل نیست. با وجود محدودیت های مختلفی که بعد از شیوع کرونا وجود دارد، گروهی از عکاسان خبری، با انجام هماهنگی های لازم به همت اداره اطلاع رسانی، در حرم مطهر بانوی کرامت (س) حضور یافتند و تصاویر خبری و هنری از حرم بدون زائر را ثبت کردند و اکنون نمایشگاه مجازی عکس «نسیم حرم» به منظور نمایش آثار برجسته این هنرمندان برپا شده است. برای بازدید از این نمایشگاه، می توانید به وبسایت حرم حضرت معصومه (س) مراجعه کنید و علاوه بر تماشا عکس هایی زیبا، از دیگر خدمات آن بهره مند شوید.

سلامت

غذاهای پشیمان مغز

زهرها و حیدری نیا
کارشناس علوم تغذیه
حتماً برای شما هم پیش آمده است مطلبی را ناگهان فراموش کردید یا گاهی احساس فراموشی به شما دست داده است. فراموشی چیزی است که اکثر افراد یا به آن دچار شده اند یا در آینده دچار خواهند شد. حال اگر چند نکته ساده را رعایت کنید، می توانید از پیری زودرس مغز جلوگیری کنید. برای پشتیبانی از حافظه و عملکرد مغز، جریان خون به سمت مغز خود را تشویق کنید. فراموشی می تواند به دلیل کمبود خواب یا دلایل دیگر، از جمله ژنتیک، میزان فعالیت بدنی، سبک زندگی و عوامل محیطی باشد. با این حال، شکی نیست رژیم غذایی نیز در سلامت مغز نقش دارد. سبزیجات به مقدار کافی بخورید، مخصوصاً سبزیجاتی با برگ تیره (مثل اسفناج و کاهو) و کلم ها از جمله کلم بروکلی و کلم پیچ از گیلاس ها و انواع توت ها به ویژه آنهایی که تیره تر هستند، مانند توت سیاه و زغال اخته غافل نشوید؛ چرا که منابعی غنی از آنتوسیانین ها و سایر فلاونوئیدها هستند و موجب بهبود عملکرد حافظه می شوند. اسیدهای چرب امگا ۳ برای سلامتی مغز ضروری هستند. غذاهای دریایی و ماهی های چرب، از جمله سالمون، ساردین و شاه ماهی منابعی فوق العاده از اسیدهای چرب امگا ۳ و مفید برای حافظه هستند.

قبیله عشق

شوق دیدار



آدم شوخ و خوششمسری بود. شوقهایش خندهایی از اعماق وجود به انسان هدیه میداد. آن روز، روز عجیبی بود. بچهها هر کدام گوشه ای افتاده بودند؛ برخی شهید، برخی زخمی و گاه ذکر یا حسین (ع) و یا مهدی (عج) بلند بود. آفتاب گرم جنوب تشنگی را دو چندان میکرد؛ در این بین که مرگ را مقابل خود میدیدم، مهدی گفت: «بچهها خون های زخم هاتون رو بمالید به سر و صورت تون که عرقها نکن اینها از ترس صورت هاشون زرد شده و اون دنیا هم با چهره های گلگون به ملاقات خدا بریم.» دقایقی بعد، یکی از بچهها از شدت تشنگی در بین ناله هایش طلب آب میکرد. مهدی بسا همون لحن همیشگی گفت: «کوفت! ساکت شو پسر! به ساعت دیگه همه مون از دست ارباب امام حسین (ع) سیراب می شیم، تحمل کن.»
به نقل از جواد زارع جعفری دوست و هم رزم شهید مهدی جلالی

«مهدی جلالی طحان» ۳۰ فروردین ۱۳۴۳ در شهر «زواره» چشم به جهان گشود. او را فرج صدا می کردند. دانش آموز سال چهارم متوسطه در رشته فرهنگ و ادب بود. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت و ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با سمت فرمانده دسته در عملیات «بیت المقدس» در سلمچه به شهادت رسید. پیکر مطهرش ۲۰ روز در منطقه جاسماند و سرانجام پس از تقصص، تشییع و در گلزار شهدای زواره به خاک سپرده شد. این شهید معظم در فراری از وصیت نامه اش می فرماید: «برادران و خواهران، امام و روحانیت و مسئولان جمهوری اسلامی را یاری کنید و قرآن زیاد بخوانید؛ چون قرآن قلب انسان را صاف و پاک می کند و همین قرآن است که مردم را به ایثار و شهادت و شهامت دعوت میکند.»

حسن ختام

روزهای تحیت و سلام

تویی که عشق در بارگاه تو زانوی ادب زده است، تویی که کبوتر دل، بهانه کنان به سوی حرمت پر می کشد و به سوی دانه ای می رود که می باشی، تویی که غم دل از دل عشاق عالم می بری و بذر محبت به دل جهانی می نشانی، تویی که مهتاب آفتاب خراسانی و محبوب سلطان خراسان.

♦ مولای من

این روزها، عطری از بهشت به مشام می رسد و جنبش اشکی است بر چشم های دورمانده از انتظار. اینجا وادی «طور» است، اینجا که نور گنبدش به سماوات می رسد. اینجا، همان حریمی است که آقای ما امام صادق (ع) می فرمایند: «برای خداوند حرمی است که مکه باشد و برای رسول خدا (ص) حرمی است که آن مدینه باشد و برای امیر مؤمنان (ع) حرمی است که آن کوفه باشد و برای ما اهل بیت حرمی است که قم باشد. به زودی فرزندم به نام فاطمه (س) در آن دفن می شود. کسی که او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود.»